

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف هشتم

(مذهب جعفری)

تعلیم و تربیهٔ اسلامی صنف هشتم (مذهب حعفری)

تعلیم و تربیهٔ اسلامی صنف هشتم (مذهب حعفری)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



تعلیم و تربیۀ اسلامی

صنف هشتم

(مذهب جعفری)

سال چاپ: ۱۳۹۸هـ ش

مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیهٔ اسلامی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیهٔ اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: هشتم (مذهب جعفری)

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست مطالب

راه‌های خداشناسی

عقل و شعور

هدف: آشنایی با یکی از راه‌های شناخت خداوندﷻ (عقل)

پرسش: در مورد عقل و شعور انسانی چه می‌دانید؟

هنگامی که خداوندﷻ انسان را آفرید، او را از عقل و شعور بهره‌مند ساخت، تا چراغ هدایت او باشد. عقل یکی از راه‌های شناخت، نعمت بزرگ الهی و حجت باطنی در وجود انسان است.

فواید عقل و شعور

قوه تعقل جزء ویژگی‌های فطری انسان می‌باشد. داشتن قوهٔ تعقل موجب تمایز انسان از حیوانات می‌شود. این ویژگی حرکت اختیاری انسان به سوی هدف را آسانتر می‌نماید. ما کلیه کارها، افکار و رفتارهای خود را با عقل می‌سنجیم اگر عقل نبود راهی برای پذیرش و اعتماد به دین نیز وجود نداشت.

ویژگی تعقل سبب شده که خداوندﷻ هدایت ویژه ای برای انسان‌ها در نظر بگیرد.

هدایت ویژه‌ی انسان یعنی این که انسان باید با عقل خود، هدف درست را تشخیص دهد، آن را انتخاب نموده و به سوی آن هدف حرکت کند. به عبارت دیگر انسان با عقل است که به وجود خدا و معاد پی برده و پس از شناخت پیامبرانعلیهم‌السلام از آنان پیروی می‌نماید.

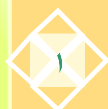
اهمیت عقل تا آن جا است که می‌توان گفت: کسانی که در تعقل برترند، به فرمان‌های الهی نیز داناتر می‌باشند. زیرا انسان تنها، با استفاده از قوه‌ی تعقل می‌تواند از حقیقت دین الهی بهره مند شود. و در پرتو عقل می‌تواند معارف و حقایق دینی را بفهمد. و به آن عمل نماید.

عقل در قرآن کریم

قرآن‌کریم در آیات بسیاری انسان را به اندیشیدن و تعقل در منظره‌های شگفت آور عالم خلقت دعوت می‌فرماید هیچ کتاب آسمانی به اندازهٔ قرآن به شناخت عقلی اهمیت قائل نشده است، دلایل عقلی در قرآن در مورد عقاید بسیار فراوان است[1].

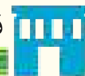
قرآن شریف، انسان را به تفکر در عالم طبیعت دعوت می‌نماید و می‌فرماید: **﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ**

[1] اصل سوم پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان – مکارم شیرازی



وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ[1]؛ راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یک‌دیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روان اند با آنچه به مردم سود می‌رساند و [هم‌چنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و نیز در گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.)

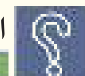
از طرف دیگر خداوند(ج) در مورد کسانی که عاقلانه فکر نمی‌کنند چنین می‌فرماید: **إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللّٰهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ**[2] - قطعا بدترین جنبنده‌گان نزد خدا کرها و لال‌ها اند که نمی‌اندیشند.



فعالیت

شاگردان متن درس را به صورت فردی مطالعه نمایند.

شاگردان در گروه های سه نفری بحث نمایند. به نظر شما چگونه با استفاده از عقل می‌توان به وجود خداوند(ج) پی برد؟

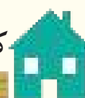


ارزشیابی

۱. عقل چیست و چگونه می‌توان از آن برای شناخت خداوند(ج) استفاده کرد؟

۲. ویژگی تعقل سبب حرکت ... انسان به سمت هدف می‌شود.

۳. هدایت ویژه‌ی؛ انسان یعنی این که انسان باید با عقل خود، ... درست را تشخیص دهد، آن را ... نموده و به سوی ... حرکت کند.



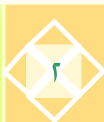
کارخانه‌گی

سه آیهٔ از قرآن‌کریم بنویسید که انسان را به تفکر و تعقل دعوت می‌نماید.

---

۱ بقره/۱۶۴

۲- انفال/۲۲



زنبور عسل

هدف: توجه در زندگی زنبور عسل و گل‌ها به عنوان نشانه‌ای از قدرت خداوند ﷻ.

پرسش‌ها

۱. شگفتی‌های طبیعت نشانه چیست؟

۲. در زندگی زنبور عسل چه شگفتی وجود دارد؟



در یک روز بهاری، به یکی از باغ‌های سرسبز و زیبا می‌رویم در باغ دسته‌های زیادی از حشرات کوچک، زنبورهای عسل و پروانه‌ها را می بینیم که با آرامی به هر طرف پرواز می‌کنند. از روی این گل برخاسته به سراغ گل دیگری می‌روند. زنبورها چنان گرم کارند که گویا یک کارفرما به آن‌ها فرمان می‌دهد تا با جدّیّت در کارگاه خود مشغول کار باشند. به راستی که آنان مأموریت و کار مهمّی دارند.

دوستان قدیمی و صمیمی

دانشمندان علوم طبیعی می‌گویند: گیاهان، گل‌ها و حشرات با هم به وجود آمده اند. یعنی در طول تاریخ آفرینش، این دو، به صورت دو دوست صمیمی و باوفا زنده‌گی کرده‌اند؛ گل‌ها برای گرده‌افشانی نیاز به کمک و همکاری حشرات دارند و برای این که بتواند محبّت حشرات و زنبورها را به خود جلب نمایند، شیرینی بسیار خوش طعمی می‌سازند و در خود ذخیره می‌کنند. این شیرینی آماده شده، زنبور عسل را به سوی خود فرا می‌خواند.

حشرات و زنبورهای عسل برای جمع‌آوری گرده و شیرینی گل‌ها روی آن‌ها می‌نشینند مقداری از شیرینی‌های تهیه شده گل‌ها را می‌خورند و مقدار بیشتری را همراه خود می‌برند و در کندوی خود به صورت عسل ذخیره می‌کنند. در وقت جمع آوری

گرده گل‌ها، مقداری از این گرده‌ها به پاهای زنبورها می‌چسبد. زنبور از یک گل به گل دیگر پرواز کرده و روی گل دیگری می‌نشیند در این وقت گرده‌ی گل قبلی به گل جدید منتقل می‌شود و این گونه زنبورهای عسل در باروری و زیاد شدن گل‌ها و گیاهان کمک و همکاری می‌نمایند. این پیمان محبّت و دوستی بین گل‌ها و حشرات برای هر دوی آن‌ها سودمند است.

درسی از توحید:

هنگامی که انسان این نکات شگفت انگیز را در زندگی حشرات و گل‌ها مطالعه می‌کند بی‌اختیار از خود می‌پرسد.

– این پیمان محبّت و دوستی را چه کسی میان گل‌ها و حشرات بسته است؟

– آن آمری که فرمان به این فعالیت می دهد کیست؟

– آیا کسی می‌تواند باور کند که طبیعت به خودی، خود این صحنه‌های حیرت انگیز را به وجود آورده باشد؟

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «پروردگار تو به زنبور عسل الهام داد که در کوه‌ها و درختان و سقف‌های رفیع، خانه اختیار کن، سپس از شیره ی تمام گل ها بچشی و در راهی که پروردگارت تعیین کرده با آرامی گام بردار. آن‌گاه از درون آن‌ها شربت شیرینی به رنگ‌های مختلف بیرون آید که در آن شفای مردمان است. در این کار نیز نشانه‌ای از قدرت خداوند جلّ جلاله نهفته است، برای کسانی که می‌اندیشند و از نعمت عقل بهره می‌گیرند.

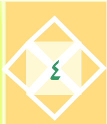
نشانه قدرت خداوند جلّ جلاله

جالب است بدانیم که دانشمندان از طریق تجربه به این حقیقت رسیده‌اند که زنبورها به هنگام ساختن عسل آن چنان ماهرانه، عمل می‌کنند که خواص درمان دارویی گیاهان کاملا محفوظ مانده و به عسل منتقل می‌شود.

امام صادق علیه السلام درباره کار زنبور عسل، شاگرد خود را به تفکر دعـــــوت می‌کند و می‌فرماید: به اجتماع زنبور عسل و ساختن خانه توسط او بنگر. چنان‌چه کار آن‌ها را مورد تامُل و دقت قرار دهی، آن‌را شگفت و ظریف می‌بینی، ولی چون به خود زنبوران بنگری آن‌ها را نسبت به کارشان بی‌خبر می‌یابی. در این کار حکمت و دانشی از زنبورعسل نیست، بلکه از آن کسی است که آن‌را در این طبیعت آفریده و برای مصلحت انسان این توانایی را در آنان قرار داده است.[1]

---

۱. توحید مفضل





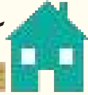
فعالیت

شاگردان در گروپ‌های ۳ نفری در مورد شگفتی‌های زنده‌گی زنبوران عسل بحث نمایند.



ارزشیابی

۱. زنبورهای عسل چگونه در باروری گل‌ها و گیاهان اشتراک دارند؟
۲. شیرینی گل‌ها، رنگ و بوی آن‌ها چه فایده‌ای برای زنبور عسل دارد؟
۲. زنده‌گی زنبور عسل چگونه ما را به سوی آفریدگار دانا جهت می‌دهد؟



کارخانه‌گی

با توجه به زیبایی‌های اطراف خود، برای توصیف آن زیبایی‌ها یک متن ادبی در پنج خط بنویسید.

نیاز به پیامبران علیهم‌السلام

هدف: آشنایی با علت نیاز انسان‌ها به پیامبران الهی علیهم‌السلام

پرسش‌ها

۱. چرا بشر به بعثت انبیاء، نیاز دارند؟

۲. دلایل این نیازمندی کدام اند؟

محدودیّت عقل و دانش بشری[۱]

اگر دقت نماییم دانش بشر در زمینه‌های مختلف هر روز نسبت به روز قبل پیشرفت می‌کند به گونه‌ای که مقدار دانش او در مدتی کوتاه چندبرابر زمان‌های گذشته شده است. به طور مثال: پیشرفت بشر در مورد ستاره‌ها و سیارات آسمانی و سفر انسان به کره‌یی ماه، حاصل مطالعه و تلاش دانشمندان از هزاران سال پیش تا کنون است. و یا اگر در این زمان طبیب ماهری موفق می‌شود قلب انسان مرده را در سینهٔ انسان دیگری پیوند بزنند تا به انسان نیمه‌جانی، حیات دوباره بخشد این کار طبیب، نتیجه تجربیات هزاران داکتر و جراح در طول تاریخ است. با دقت به موارد ذکر شده می‌بینیم علم و دانش انسان در تغییر می‌باشد به گونه‌یی که دانش دیروز انسان نسبت به علم امروز او بسیار ناچیز می‌باشد و علم امروز او نسبت به آینده بسیار کم است.

البته نارسایی عقل و دانش بشر منحصر به موضوعات علوم تجربی نیست؛ بلکه بشر در بسیاری از مسایل علوم انسانی نیز نتوانسته راه محکمی بیابد. دیدگاه‌های مختلف و متعارض بشر در مسایل اجتماعی، اخلاقی، خانواده‌گی و... نشانهٔ نارسایی درک انسان از این مسایل می‌باشد.

برای اینکه راه صحیح زنده‌گی در همه ابعاد و جوانبش شناخته شود باید آغاز و انجام وجود انسان و پیوندهایی که با موجودات دیگر دارد روابط او با هم‌نوعان و سایر آفریده‌گان و تأثیرات این روابط در سعادت یا شقاوت انسان معلوم گردد؛ ولی احاطه بر همهٔ این امور توسط عقل ممکن نیست.

البته مصالح مادی و دنیوی را می‌توان تا حدودی به وسیله یی تجارب عملی تشخیص داد اما مصالح معنوی و اخروی قابل تجربه حسی نیست و نمی‌توان آن‌ها را به گونهٔ دقیق ارزشیابی کرد. با توجه به این مطالب می‌توان گفت: گرچه عقل و خرد انسان در پیمودن راه

---

۱ برگرفته از منشور عقاید امامیه بخش پنجم، دلایل لزوم نبوت، اصل ۵۴ پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان، مکارم شیرازی، مدرسهٔ الامام علی بن ابی طالب دو درس پیامبرشناسی.

تکامل او لازم است، امّا کافی نیست یعنی اگر در هدایت انسان به عقل و خرد او قناعت شود انسان هرگز راه کمال را به طور کامل نخواهد شناخت. برای نمونه، مبدأ و معاد یکی از مهمترین مسایل فکری بشر بوده است. بشر می‌خواهد بداند از کجا آمده، چرا آمده، و به کجا خواهد رفت؟ عقل و خرد به تنهایی از شناخت این مسایل ناتوان است. با توجه به این نکات، عقل صحیح حکم می‌کند که برای رسیدن به هدف اصلی آفرینش احتیاج به یک سلسله تعلیمات صحیح و خالی از اشتباه است تا انسان در پرتو آن بتواند راه را از بی‌راهه تشخیص دهد، لذا خداوند پیامبرانی فرستاد تا راه صحیح زنده‌گی را به بشر بیاموزند.

نیاز به الگوی اخلاقی

می‌دانیم در وجود ما علاوه، بر «عقل و خرد» انگیزه‌های نیرومند دیگری به نام «غرائز و امیال» وجود دارد: غریزه خوددوستی، خشم و غضب و غرایز دیگر.

انسان با وجود این غرایز، آگاهانه یا ناخودآگاه، پیوسته به دنبال منفعت‌جویی‌های شخصی است و در زندگی نمی‌تواند از دایره منافع فردی و گروهی به طور کامل بیرون آید. انسان‌ها برای تربیت اخلاقی و کنترول این غرایز نیاز به «الگو» و مربی دارد از این رو خداوند پیامبران و رسولان را فرستاده تا الگوهای انسان‌ها باشد و به صورت عملی راه را به آنان نشان دهد[۱].



جدول ذیل را تکمیل کنید.

توانایی‌های انسان	ضعف‌های انسان



۱. مصالح مادی و دنیوی را می‌توان تا حدودی به وسیله یی تجارب عملی .... اما مصالح معنوی و اخروی .... نیست.

۲. اگر در هدایت انسان فقط به ... و ... او قناعت شود انسان هرگز راه کمال را به طور کامل نخواهد شناخت.

۳. علت نیاز انسان‌ها به پیامبران را مختصر توضیح دهید.

۱. برگرفته از دلایل لزوم نبوّت منشور عقاید امامیه بخش پنجم کلیات عقاید ۴ اصل پنجاه و چهارم

وحی الهی

هدف: آشنایی با مفهوم و انواع وحی

پرسش‌ها

۱. وحی چیست؟

۲. انواع وحی را توضیح دهید.

انسان‌ها شناخت و آگاهی خود درباره حقایق جهان هستی را، از طریق ادراک حسی و عقلی به دست می‌آورند، امّا پیامبران علیهم‌السلام علاوه بر داشتن این دو نیروی ادراکی، از نیرو و ابزار دیگر شناخت؛ یعنی وحی نیز بهره می‌جویند که در وحی هیچ گونه خطا و اشتباهی راه ندارد. پیامبران علیهم‌السلام، از طریق وحی، از والاترین تعالیم و قوانین برای رشد و تکامل انسان‌ها و اداره جامعه آگاه می‌شوند.

وحی چیست؟: وحی، مهمترین راه ارتباط با عالم غیب است، این راه از غریزه یا عقل بشری سرچشمه نمی‌گیرد؛ بلکه وحی آگاهی ویژهٔ است که خداوند جل جلاله آن را در اختیار پیامبران علیهم‌السلام قرار داده است، تا انبیا علیهم‌السلام پیام‌های الهی را به بشر برسانند.

خداوند جل جلاله در آیهٔ از قرآن کریم وحی را چنین وصف می‌کند ﴿**نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ**﴾[1]. این قرآن را روح‌الأمین (فرشته وحی) بر قلب تو فرود آورده است. این آیه می‌فرماید که آگاهی پیامبر، نتیجه به کارگیری اموری همچون حواس ظاهری و نظایر آن نیست، بلکه فرشته وحی آن را بر قلب پیامبر فرود می‌آورد.

انواع وحی[2]

البته راه وحی الهی به پیامبران علیهم‌السلام، منحصر در نزول فرشته وحی نیست، بلکه راه‌های دیگری نیز دارد که در آیه ۵۱ سوره شوری بیان شده است.

قرآن وحی الهی را، به سه نحو معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿**وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللهُ إِلَّا وَحْياً أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولاً فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ**﴾ با هیچ بشری خدای متعال سخن نگوید مگر از طریق وحی، یا از پس پرده، یا آنکه رسولی نزد وی بفرستد[3].

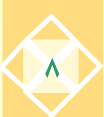
از نظر قرآن کریم وحی به سه طریق، الهام به قلب، از پشت پرده و یا به صورت ارسال رسول می‌باشد:

---

۱. شعراء/۱۹۳ ـ ۱۹۴

۲. اصل سی و هشتم

۳. سوره شوری / ۵۱



۱ . **إِلاَّ وَحْياً**: الهام به قلب

۲ . **أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ**: از پشت پرده، به گونه‌ای که بشر سخن خدا را می‌شنود ولی او را نمی‌بیند، چنان‌که سخن گفتن خدا با موسی چنین بوده است.

۳ . **أَوْ يُرْسِلَ رَسُولاً**: رسولی یا فرشته‌ای را می‌فرستد تا به اذن پروردگار به او وحی نماید.

تفاوت پیامبران علیهم‌السلام و نوابغ

عده‌ای پیامبران علیهم‌السلام را از نوابغ بشر دانسته و وحی را محصول تفکر آنان می‌دانند. به گفته این گروه، حقیقت روح الامین، روح و نفس پاک پیامبران علیهم‌السلام می‌باشد و کتاب آسمانی نیز همان افکار بلند و والای پیامبران علیهم‌السلام است.

این گونه تفسیر از وحی، با سخنان پیامبران الهی علیهم‌السلام منافات دارد، زیرا پیامبران علیهم‌السلام پیوسته اعلان می‌کردند که آنچه برای بشر آورده‌اند جز وحی الهی چیزی نیست.

خداوند جل جلاله می‌فرماید: «هرگاه آیات روشن ما بر خلق تلاوت شود، منکران معاد، که به دیدار ما امیدوار نیستند، به رسول ما اعتراض کرده، می‌گویند: (اگر تو رسولی) قرآنی غیر از این نیز بیاور و یا همین را به قرآن دیگری مبدل ساز در پاسخ آن‌ها بگو: من چنین اجازه و قدرتی ندارم که خود، آن را تبدیل کنم؛ من جز آنچه را به من وحی شود تبعیت نمی‌کنم. من ترس آن دارم که مرتکب عصیان در برابر پروردگار خویش شوم و در نتیجه، گرفتار عذاب سخت روز بزرگ رستاخیز گردم.[۱]»



فعالیت

۱. شاگردان بصورت دو نفری در بارهٔ انواع وحی گفتگو نمایند.

۲. شاگردان در گروه‌های پنج نفری در بارهٔ ابزار شناخت خداوند تبادل نظر نمایند.



ارزشیابی

۱. اسلام برای شناخت جهان و حقایق دینی از چند نوع ابزار بهره می‌گیرد؟

۲. کلام خداوند چگونه به انبیا می رسد.



کارخانه‌گی

آیات را در قرآن‌کریم بیابید که در مورد وحی باشد.

---

۱. سوره یونس آیه۱۵

پیامبر خاتم صلی‌الله علیه و آله و سلم

هدف: آشنایی با مفهوم خاتمیت و پیامبر خاتم صلی‌الله علیه و آله و سلم
پرسش: خاتمیت به چه معناست؟

پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم[1]

حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم، خاتم پیامبران علیهم‌السلام است. پدر ارجمند ایشان عبدالله و مادرشان آمنه دختر وهب از شرافت‌مندترین خانواده‌های قریش می‌باشد.

ایشان روز ۱۷ ربیع الاول سال ۵۷۰ میلادی، در خاندان شریفی، از قبیله قریش در مکه به دنیا آمد آن حضرت در چهل سالگی به پیامبری مبعوث گردیدند پس از گذشت ۱۳ سال از پیامبری، ایشان با گروهی از مسلمانان به مدینه هجرت کردند پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم سرانجام در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری، در سن ٦۳ سالگی در مدینه رحلت نمودند. مرقد مطهرشان در کنار مسجدالنبی در مدینه قرار دارد.

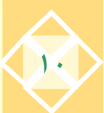
قرن‌ها پیش در جزیرةالعرب، فرهنگ سیاه شرک و بت‌پرستی حاکم بود. اختلافات و تبعیض‌ها اساس آداب و رسوم اجتماعی مردم آنجا به شمار می‌رفت، در این شرایط تیره پیامبری از جانب خداوند برگزیده شد تا مردمان آن سرزمین را از زنجیر بت‌ها آزاد نماید حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم آخرین پیامبر اولوالعزم علیهم‌السلام بود. پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم با مشعل ایمان و هدایت خود، نادانی‌ها و نارسایی‌های فکری مردم را به روشنایی مبدل ساخت[2].

خاتمیت

در سوره احزاب آیه ٤۰ چنین می‌خوانیم: (**مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛** محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، همانا او فرستاده خدا و پایان دهنده پیامبران است.) این آیه حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم را با عنوان "خاتم النبیین" یاد کرده است کلمه "خاتم" در زبان عربی، به معنی چیزی است که به وسیله آن به امری پایان دهند. مهری که پس از بسته شدن نامه بر روی آن می‌زدند به همین جهت "خاتم" نامیده می‌شد و انگشتری را "خاتم" می‌نامیدند. چون معمولا بر روی نگین انگشتری، نام یا شعار مخصوص خود را نقش می‌کردند و همان را بر روی نامه‌ها می‌زدند.

---

۱. داستانهای خواندنی از پیامبران اولواالعزم، محمد محمدی اشتهاردی
۲. اعتقاد ما



پیامبر خاتم در قرآن

قرآن معجزه جاویدان پیامبر ﷺ و آخرین کتاب آسمانی و نشانه عظمت مقام پیامبر اسلام ﷺ می‌باشد. در آیه ٤٥ و ٤٦ سوره احـــزاب در مورد اوصاف پیامبـــر ﷺ چنیـــن می‌خوانیم: (**يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا﴿٤٥﴾ وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا﴿٤٦﴾**؛ ای پیامبر! ما تو را به عنوان گواه و بشارت دهنده و انذار کننده فرستادیم- و تو را دعوت کننده به سوی خدا، به فرمان او و چراغ روشنی قرار دادیم.)

قرآن‌کریم حضرت محمد ﷺ را سرمشق و الگوی مطلق در همه ابعاد زنده‌گی برای همه خداجویان و کسانی که اعتقاد به رستاخیز دارند، معرفی می‌کند؛ در آیه ٢١ سوره احزاب می‌خوانیم: (**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** ...؛ بی‌تردید برای شما در همه ابعاد (چه در صبر و مقاومت و چه در دیگر اوصاف و افعال نیکو) اسوه و الگوی در (اقتدای به) رسول خدا است.

خداوند در مورد اخلاق ایشان می‌فرماید: و انک لعلی خلق عظیم همانا تو دارای خلق و خوی عظیمی هستی.

صفات پیامبر ﷺ

پیامبر اسلام ﷺ قبل از مبعوث شدن در میان مردم چنان پاک و درستکار بودند که مردم به ایشان لقب امین داده بودند. امانت‌داری ایشان به گونه‌ای بود که در زمان هجرت خود از مکه به مدینه، به علی ﵇ ماموریت دادند تا امانت‌های مردم را به صاحبانش باز گرداند. و از طرفی شجاعت، استقامت، حسن خلق و گذشت ایشان در جنگ‌ها و صلح‌های شان بی‌نظیر بوده است[1].

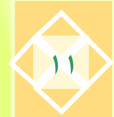
آن حضرت ﷺ همچون خورشید تابان در آسمان انسانیت می درخشید و ایشان الگویی به تمام معنا در همه ابعاد وجودی می‌باشد. امید است که با الهام از سیرهٔ آن حضرت ﷺ بتوانیم در رشد و سازنده‌گی شخصیت خود قدمی موثر برداریم.



فعالیت

١. در آیات این درس، خداوند ﷻ پیامبر اسلام ﷺ را با چه ویژگی‌هایی توصیف

١. بر گرفته از پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان ،ناصر مکارم شیرازی ،ناشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب ،صفحه٢١٣



نموده است. آن‌ها را یافته و در مورد آن صفات بحث کنید.

۲. چگونه می‌توانیم از پیامبر اسلام ﷺ به عنوان الگو بهره‌مند شویم؟" نتیجه را برای هم‌صنفی‌های خود بخوانید.



ارزشیابی

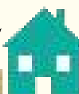
۱. حضرت محمد ﷺ ... پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام است.

۲. مسلمانان همان طوری که محمد را ... می‌دانستند، ... نیز می‌شناختند.

۳. پیامبر بزرگ اسلام ﷺ در تمام رفتارهای خود ... و ... زندگی ما می‌باشد.

٤. مفهوم خاتمیت چیست؟

۵. از آیات قرآن چگونه می‌توان به خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ پی برد؟



کارخانه‌گی

در مورد زنده‌گی پیامبر اسلام ﷺ انشایی در ده خط بنویسید.

امام حسن علیه‌السلام

هدف: آشنایی با رفتار، گفتار و عملکرد امام حسن علیه‌السلام

پرسش: از زندگی امام حسن علیه‌السلام چه می‌دانید؟

امام حسن علیه‌السلام دومین ستارهٔ درخشان امامت، فرزند علی علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام، دختر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد.

تولد و کودکی امام علیه‌السلام

بنابر قول مشهور، امام حسن علیه‌السلام در پانزدهم ماه مبارک رمضان، سال سوم هجری در دوران زندگانی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله متولد شد.

دوران زنده‌گی آن‌حضرت به سه بخش تقسیم می‌شود: دورانی که با جدّش پیامبرخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. در دورهٔ دوم ایشان در کنار پدر بزرگوارشان به‌جامعه‌ی اسلامی خدمت نمودند. و دوره سوم، دورهٔ امامت ایشان می‌باشد.

هفت سال از عمر شریفش را در دامان پر مهر و محبت جدش سپری کرد. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله[1]، خود در پرورش امام حسن علیه‌السلام شرکت کرد تا وی را متناسب با مسؤولیت‌های بزرگی که در زمینه هدایت و رهبری امت بر عهده خواهد گرفت، آماده نماید.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر نقشی که امام حسن علیه‌السلام و برادرش امام حسین علیه‌السلام در رهبری امت اسلامی ایفا خواهند کرد تاکید داشت تا بدان جا که فرمود: (حسن و حسین امامان قاما او قعدا؛ حسن و حسین امام و پیشوا هستند، چه شرایط برای رسیدن به خلافت و امامت ظاهری آنان آماده شود و چه چنین شرایطی حاصل نشود.)

رفتار حکیمانه امام علیه‌السلام

پس از شهادت امام علی علیه‌السلام، مردم جانشینی امام حسن علیه‌السلام را قبول نمودند. با توجه به این که موضع‌گیری‌های اجتماعی امامان به شرایط اجتماعی هر زمان وابسته می‌باشد. آن‌حضرت برای حفظ جامعه‌ی اسلامی حکومت را به اموی‌ها سپرد و با آنان صلح نمود.

قرارداد مصالحهٔ آنان پنج ماده داشت که در مادهٔ اول آن آمده بود که ادارهٔ جامعه

---

۱. برگرفته از تحلیلی از زندگانی سیاسی امام حسن مجتبی علیه‌السلام سید جعفر مرتضی عاملی

اسلامی بر اساس کتاب خدا و سیرهٔ پیامبر اسلامﷺ باشد. و در مادهٔ دوم بیان شده بود که معاویه بعد از خود نباید جانشینی تعیین نماید. این مصالحه باعث جلوگیری از جنگ بین مسلمانان شد.

برای آشنایی بیشتر با زندگی امام حسنؑ به داستانی از زندگی ایشان می‌پردازیم.

درایام کودکی روزی با برادر خود امام حسینؑ پیرمردی را دیدند که وضو می‌گیرد اما وضویش صحیح نیست خواستند پیرمرد را راهنمایی کنند لکن چون مرد سالخورده بود نخواستند اشتباه او را با صراحت به او بگویند. صحنه جالب بوجود آوردند و پیش او رفتند و گفتند: ای مرد محترم ما هر دو وضو می‌کنیم شما لطفا قضاوت کنید و ببینید کدام یک از ما بهتر وضو می‌کنیم؟ پیرمرد تماشا می‌کرد و هر دوی آن‌ها وضو نمودند پیرمرد متوجه شد که وضوی خود او درست نبوده و این دو بزرگوار برای راهنمایی او چنین رفتار نموده اند، به آن‌ها عرض کرد نور چشمان رسول خدا شما خوب وضو می‌گیرید ولی وضوی ما درست نیست و از شما طرز وضو گرفتن صحیح را یاد گرفتم.



فعالیت

۱. **شاگردان** درس را به صورت فردی مطالعه نمایند.

۲. شاگردان در گروه های سه نفری در باره رفتار امام بحث نمایند.

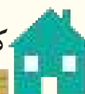


ارزش‌یابی

۱. امام حسنؑ دومین ستاره‌ی درخشان امامت فرزند ... و ... می‌باشد.

۲. امام حسنؑ چند سال از عمر شریفش را در داماں پر مهر و محبت جدش سپری کرد؟

۳. چرا امام حسنؑ با معاویه صلح نمود؟



کارخانه‌گی

در مورد زنده‌گی امام حسنؑ تحقیق نموده نتیجه را در ۷ سطر بنویسید.

امام حسین علیه‌السلام

هدف: آشنایی با زنده‌گی و هدف قیام امام حسین علیه‌السلام

پرسش: در مورد زندگی امام حسین علیه‌السلام و حادثه کربلا چه می‌دانید؟

تولد و کودکی امام علیه‌السلام

در روز سوم شعبان سال چهارم هجری دومین ثمرهٔ پیوند علی و فاطمه علیهماالسلام، حسین علیه‌السلام به دنیا آمد[1].

پیغمبر[2] اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تلقینات دینی را از همان اوایل کودکی و شیرخوارگی در خانه زهرا علیهاالسلام به مرحله اجرا درآورد. هنگامی که امام حسن علیه‌السلام به دنیا آمد و او را خدمت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بردند وی را بوسید و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و دربارهٔ امام حسین علیه‌السلام نیز همین عمل را انجام داد[3].

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: حسین منی و انا من حسین[4]. حسین از من و من از حسینم. در حدیث دیگری چنین می‌فرمایند: ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه.همانا حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

فعالیت‌های امام علیه‌السلام

امام حسین علیه‌السلام در دوران امامت ده ساله امام حسن علیه‌السلام، از برادرش، اطاعت می‌نمود. زمانی که امام حسن علیه‌السلام با معاویه مصالحه کرد امام حسین علیه‌السلام از امام خویش پیروی نموده و مصالحه را پذیرفت. و حتی در زمان امامت خودش صلح با معاویه را ادامه داد. با این که در قرارداد صلح آمده بود که معاویه نباید بعد از خود جانشینی انتخاب نماید ولی معاویه خلاف معاهده صلح پسرش یزید را جانشین خود انتخاب نمود.

بعد از مرگ معاویه، در اواخر سال (٦٠ هـ . ق) با حاکمیت یزید گوهر دین به خطر تحریف و و دگرگونی گرفتار شد!

یزید اصرار بر بیعت امام حسین علیه‌السلام داشت و برای فرماندار مدینه نوشت که در هر

١. بر گرفته از امام حسین علیه‌السلام الگوی زنده‌گی - جلد٥ حبیب الله احمدی

٢. بر گرفته از زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام جلد اول ترجمه و تحقیق از جلد ٤٣ بحارالانوار علامه محمد باقر مجلسی مترجم و محقق: محمد روحانی زمان آبادی

٣. [بحار ج ٤٣ ص ٢٤١.]

٤. امام حسین علیه‌السلام الگوی زنده‌گی - جلد٥ حبیب الله احمدی

صورت از حسین علیه‌السلام بیعت بگیرد. امام بیعت نکرد و با ناامن شدن مدینه به ناچار در ۲۸ رجب به سوی مکه حرکت نمود.

حضرت در آغاز حرکتش که از مدینه به سوی مکه در صحبت با برادرش محمد حنفیه از هدف خویش این گونه سخن می‌گوید: من برای اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و آبادی و اصلاحات اقتصادی قیام نموده‌ام، من برای این که امر به معروف و نهی از منکر انجام دهم، قیام نموده ام[۱].

با رد آشکار بیعت توسط امام، بخش بزرگی از جهان اسلام متوجه این امر شدند خبر بیعت نکردن امام در کوفه و شهرهای بزرگ آن زمان پخش شد. مردم کوفه با شنیدن این خبر به امام حسین علیه‌السلام نامه‌ها نگاشتند و حضرت را به سوی عراق و کوفه فرا خواندند.

حادثه کربلا

امام علیه‌السلام مدتی در مکه ماند، ولی هنگامی که حرم امن الهی، مکه بر فرزند فاطمه علیهاالسلام ناامن شد حضرت از مکه نیز خارج شد و به سوی کوفه حرکت نمود.

در مسیر کوفه در محلی بنام کربلا اهل بیت شامل زنان و کودکان از هر جانب محاصره شدند امام حسین علیه‌السلام در میان دو راهی پذیرش ذلت و ستیز، راه شهادت را برگزید و بیعت با یزید را نپذیرفت او بر این باور بود، که با تسلیم شدن و بیعت با یزید، حکومت سراسر ظلم و ستم یزید پایدار می‌شود و شهادت آنان مانع استقرار حکومت یزید می‌گردد؛ لذا در یک نبرد نابرابر امام با یاران اندک اش در روز دهم ماه محرم سال شصت و یک هجری به شهادت رسیدند و خاندان آن حضرت به اسارت لشکریان یزید در آمد.

بعد از عاشورا با زنده ماندن یاد امام و یارانش، دین در جامعه باقی ماند و این گونه فرهنگ ایثار و شهادت حسین علیه‌السلام فرهنگ باورهای زلال توحیدی را در بستر تاریخ اسلام شکوفا ساخت.

حسین علیه‌السلام بعد از حمزه عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سیدالشهدا لقب گرفت و خط سرخی که حسین علیه‌السلام ترسیم نمود در میان سایر خون‌ها، پررنگ‌تر و برجسته‌تر است. به همین جهت در آثار دینی و تاریخی، سخن از قیام امام حسین علیه‌السلام شجاعت و شهادت او، از گذشته تا امروز و تا زمان که تاریخ و زنده‌گی جریان دارد، جاویدانه خواهد ماند.

---

۱. انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما و انما خرجت لطلب النجاع والصلاح فی امه جدی محمد، ارید ان امر بالمعروف و النهی عن المنکر



فعالیت

۱. شاگردان در بارۀ علت وقوع حادثه کربلا در گروه‌های سه نفری بحث نمایند.

۲. شاگردان خاطرات خود را از عزاداری‌های سال‌های گذشته بیان نمایند.



ارزش‌یابی

۱. امام حسین علیه‌السلام، در کجا و در چه تاریخی متولد شد؟

۲. علت قیام امام چه بود؟

۳. امام حسین علیه‌السلام، به فرمان چه کسی، در کجا و در کدام تاریخ به شهادت رسید؟

٤. چرا ما هر سال در ایام محرم عزاداری می‌کنیم؟



کارخانه‌گی

دربارۀ دلایل قیام امام حسین علیه‌السلام تحقیق نموده و ۹ سطر نوشته نموده به صنف بیاورید.

امام سجاد عليه‌السلام

هدف: آشنایی با زنده‌گی امام سجاد عليه‌السلام

پرسش: در مورد زنده‌گی امام سجاد عليه‌السلام چه می‌دانید؟

تولد و کودکی امام عليه‌السلام

مشهورترین نقل، در تاریخ ولادت امام سجاد، این است که آن حضرت در روز پنج‌شنبه، پنجم شعبان المعظم سال ۳۸ هجری قمری در مدینه دیده به جهان گشوده است. مشهورترین القاب آن حضرت، سجاد و زین العابدین می‌باشد. پدر ارجمندش امام حسین بن علی عليهما‌السلام می‌باشد و مادر بزرگوار آن حضرت، شهربانو، است.

امام سجاد عليه‌السلام فرزند حضرت علی بن الحسین عليهما‌السلام، چهارمین پیشوای ما است که پس از شهادت حسین بن علی عليهما‌السلام در بحرانی‌ترین شرایط تاریخ اسلام عهده‌دار امر امامت گردید.

فعالیت‌های امام عليه‌السلام

امام سجاد عليه‌السلام پس از نهضت امام حسین عليه‌السلام، نهضتی فرهنگی و علمی را آغاز کرد که بعدها توسط امام باقر عليه‌السلام تداوم یافت و به وسیله یی امام صادق عليه‌السلام به اوج شکوفایی خود رسید.

ایشان با دعا، نرم‌ترین شیوه گفتاری از حریم شهیدان کربلا، دفاع کرد در نوای گرم دعاهایش پیام توحیدی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صلابت امیر المومنین علی عليه‌السلام و رنج‌های حسن بن علی عليهما‌السلام و مظلومیت‌های حسین عليه‌السلام، موج می‌زند[1].

ایشان در دل شب‌ها با دعاها و نیایش‌هایش، عالی‌ترین رموز دین‌داری و حق‌جویی را به یارانش ابلاغ می‌کرد. و با راز و نیازهای شبانه‌اش، صحیفهٔ از معارف و رهنمودها و عبرت‌ها را به یادگار گذاشت که بنام صحیفه سجادیه معروف است.

امام در همان شرایط بحرانی شاگردانی را پرورش داد که با توجه به شرایط آن حضرت، تعدادشان اندک نیست. چهره‌هایی چون: ابوالاسود دئلی، حبیب بن ابی ثابت، جابربن عبدالله انصاری و... از مکتب علمی و تربیتی امیر المؤمنین عليه‌السلام نیز بهره‌مند شده بودند و پیشینه آشنایی با معارف ائمه را داشتند. از طرفی، ما در میان اصحاب امام سجاد عليه‌السلام با چهره‌های جوانی آشنا می‌شویم که نام آنان در میان اصحاب امامان پیشین نیست، ولی چهرهٔ آنان در میان اصحاب امام باقر و امام صادق عليه‌السلام مشاهده می‌شود، همانند: ابان بن تغلب، اسماعیل بن عبدالرحمن و....

آشنایی با دو گنجینه معرفتی: معارفی که از امام سجاد عليه‌السلام در متون اسلامی و منابع دینی بر جای مانده و به ثبت رسیده، خود بهترین گواه بر منزلت علمی و نیز جایگاه اخلاقی و فضایل معنوی آن حضرت است.

---

۱. امام سجاد جمال نیایشگران احمد ترابی

رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام در مورد حقوق الهی بر انسان، حق انسان بر خویش و حقوق انسان‌ها بر یک‌دیگر می‌باشد.

اثر دیگر امام، صحیفه سجادیه می‌باشد صحیفه سجادیه برگرفته شده از منبع زلال قرآنی است، که اصول عقاید و باورهای بنیادین ما را مطرح ساخته است. این اثر از نظر جایگاه ارزشی، پس از قرآن و نهج البلاغه قرار دارد و در شمار ارزنده‌ترین منابع اسلامی جای گرفته است. در این کتاب، موضوعات توحیدی، اخلاقی و حتی حکمت‌های سازنده و نصایح و رهنمودهای اجتماعی نهفته است. آنچه از صحیفه اکنون در اختیار ما است نسخه بهاءالشرف، مشتمل بر پنجاه و چهار باب است که هر باب در بردارنده نیایشی ویژه می‌باشد.

با توجه به ارتباط جدایی‌ناپذیر دعا و نیایش با شناخت معبود، فرازهای صحیفه سجادیه از غنی‌ترین منابع معرفت خداوند جل جلاله و صفات جمال و جلال او به شمار می‌آید.

شهادت امام علیه‌السلام

امام سجاد علیه‌السلام، اسوه زهد و تقوا و نمونه یی صبر، شکیبایی و مظهر آمیختگی علم و حلم پس از ایفای وظیفه الهی خود و حفظ ارزش‌های دین و پاسداری از اسلام در سخت‌ترین ادوار سیاسی - اجتماعی، در سال ۹۵ هجری قمری پس از پنجاه و هفت سال عمر شریف به دست عوامل ولید بن عبدالملک بن مروان مسموم شده و به وصال معبود خویش شتافت.

بدن مطهر زین العابدین علیه‌السلام در کنار آرامگاه امام حسن مجتبی علیه‌السلام، امام محمد باقر علیه‌السلام و امام جعفر صادق علیه‌السلام در قبرستان بقیع مدفون گشت.



فعالیت

شاگردان در باره نحوه فعالیت فرهنگی امام سجاد علیه‌السلام با هم‌دیگر بحث کنند.



ارزش‌یابی

۱. پدر ارجمند امام سجاد علیه‌السلام امام ... علیه‌السلام می‌باشد. و مادر بزرگوار آن حضرت، ...است.
۲. امام سجاد علیه‌السلام پس از نهضت امام حسین علیه‌السلام، نهضتی ... و ... را آغاز کرد.
۳. امام سجاد علیه‌السلام با چه ... شیوه گفتاری از حریم شهیدان کربلا، دفاع کرد؟
٤. چهار تن از شاگردان امام سجاد علیه‌السلام را نام ببرید.
۵. دو اثر از امام سجاد علیه‌السلام را ذکر نموده دربارۀ آن‌ها توضیح دهید.
٦. امام توسط چه کسی به شهادت رسید و مدفن ایشان کجا می‌باشد؟



کارخانه‌گی

در مورد فضایل امام سجاد علیه‌السلام تحقیق نموده و ۵ سطر دربارۀ آن بنویسید.

سفر آخرت

هدف: آشنایی با حکمت مرگ

بسیاری از انسان‌ها نه تنها از نام مرگ می‌ترسند؛ بلکه از نام گورستان نیز متنفرند و سعی دارند مرگ را به دست فراموشی بسپارند. ولی بر خلاف این عده، گروهی دیگر نه تنها از مرگ نمی‌ترسند، بلکه بر چهره آن لبخند می‌زنند و با افتخار به استقبال مرگ می‌روند! راستی سرچشمه این وحشت و این استقبال از مرگ چه می‌باشد؟ چرا عده ای این گونه از مرگ گریزانند و عده‌ای دیگر مشتاق به آن؟[1]

با دقّت و بررسی متوجه می‌شویم که عامل اصلی این وحشت دو چیز است.

– عقیدهٔ فانی شدن با مرگ

انسان همیشه از نیستی‌ها می‌گریزد، از مریضی می‌گریزد چون مریضی، نیستی سلامتی است، انسان، از تاریکی وحشت دارد چون، تاریکی، نیستی نور است. انسان از فقر می‌هراسد چون فقر، نابودی غنا است و از مرگ می‌ترسد چون مرگ در نظر آنان یعنی فنا و نابودی است.

اگر مرگ را پایان همه چیز بدانیم حق داریم که از آن بترسیم و حتّی از نام و خیال آن وحشت کنیم، چرا که مرگ همه چیز را از ما می‌گیرد.

– داشتن کار نامهٔ سیاه

گروهی‌دیگری از مردم منکر زنده‌گی بعد از مرگ نیستند، امّا با این حال از مرگ وحشت دارند. چرا که پرونده اعمال آن‌ها، به قدری سیاه و تاریک است که از مجازات دردناک بعد از مرگ وحشت دارند. آنان مانند مجرمان خطرناکی هستند که از آزاد شدن از زندان می‌ترسند، زیرا می‌دانند که نتیجه آزادی آنان، مجازات اعدام است.

مرگ یعنی آزادی: امّا گروه دیگر که نه مرگ را «فنا» می‌بینند و نه «پرونده تاریک و سیاه» دارند، از مرگ نمی ترسند. چون آنان مرگ را آزاد شدن از یک قفس تنگ و کوچک، و پر گشودن در آسمان بیـــکران و گام نهادن به عالـــم پهناور و روشن می‌دانند. پس بی جهت نیست که در تاریخ اسلام به افرادی برخورد می‌کنیم که هر قدر لحظه شهادت آن‌ها نزدیک‌تر می‌شد چهرهٔ آن‌ها شاداب‌تر و برافروخته‌تر می‌گشت و از شوق دیدار یار در پوست نمی گنجیدند۲.

---

۱. بر گرفته از پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان، ناصر مکارم شیرازی، ناشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب، تاریخ انتشار۱۳۷۶،صفحه ۳۲۷ الی ۳۳۳

۲. همچون حسین بن علی (علیه السلام) و یاران فداکارش

البته مفهوم این سخن که گفته می‌شود «عده‌ای از مرگ نمی‌ترسند» این نیست که انسان خود را به خطر بیاندازد و موهبت بزرگ زنده‌گی را نادیده بگیرد.

حکمت وجود مرگ: زندگی این جهان، نشان می‌دهد که نمی‌تواند این زندگی هدف نهایی آفرینش انسان باشد یعنی انسان چند روزی به این دنیا بیاید، و در میان انبوه مشکلات زندگی کند و بعد همه چیز پایان گیرد و در عالم نیستی فرو رود. اگر مرگ و معادی در کار نبود حیات دنیا عبث و بیهوده به نظر می‌رسید. قرآن کریم می‌فرماید: شما (انسانها) مرده بودید و خداوندﷻ زنده کرد و سپس شما را می‌میراند و سپس زنده می‌سازد و سرانجام به سوی او باز خواهید گشت[1].

اگر این دید به زنده‌گی باشد که مرگ مرحله‌ای از زنده‌گی است در این حال مرگ و معاد به زنده‌گی مفهوم و معنا می‌دهد[2]

مرگ عامل مهم تربیتی: از طرفی ایمان به مرگ و قیامت، ایمان به دادگاه بزرگی است که در این دادگاه در مورد نیکوکاران و بدکاران قضاوت و داوری می‌شود و هر کدام به پاداش یا جزای اعمالشان می‌رسند. پس یادآوری مرگ عامل مهم تربیتی به حساب می‌آید زیرا یادآوری مرگ شهوت را در نفس آدمی می‌کشد و ریشه‌های آن را که باعث غفلت هستند، خشک می‌کند و آثار هوا و هوس را از بین می‌برد و آتش حرص به دنیا را خاموش کرده، دنیا را در چشم آدمی حقیر جلوه می‌دهد.



فعالیت

شاگردان در باره حکمت‌های وجود مرگ باهم گفت و شنود نمایند.



ارزش‌یابی

۱. چرا مردم از مرگ می‌ترسند، دلایل آن چیست؟
۲. چرا گروهی بر چهره مرگ لبخند می‌زنند؟
۳. اگر بعد از این زنده‌گی دنیا جهان دیگری نبود چه می‌شد؟
٤. ایمان به معاد چه اثری روی عمل انسان می‌گذارد؟



کارخانه‌گی

در باره فلسفهٔ وجود مرگ مطالعه نموده نتیجه آن را در ٦ سطر بنویسید .

---

۱. كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. سوره البقره /آیه ۲۸
۲. برگرفته از پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان، ناصر مکارم شیرازی، ناشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب، تاریخ انتشار۱۳۷۶،صفحه ۳۳۵ الی ۳۴۰

زنده‌گی پس از مرگ

هدف: آشنایی با چگونگی زنده‌گی پس از مرگ

پرسش: آیا انسان‌ها در فاصله مرگ و قیامت دارای زنده‌گی خاصی می‌باشند.

آنچه که از قرآن‌کریم و روایات پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام استفاده می‌شود، بلکه انسان پس از مرگ وارد حیات دیگری می‌گردد که در آن حال همه‌چیز را احساس می‌کند، چیزهایی برای او لذت دارد و از چیزهایی رنج می‌برد البته لذت و رنج به اعتقادات، افکار، اخلاق و اعمال فرد در دنیا بستگی دارد. این مرحله زنده‌گی تا آغاز قیامت کبرا ادامه دارد.

از نظر قرآن‌کریم، انسان پس از مرگ دو عالم در پیش روی دارد: عالمی که مانند عالم دنیا پایان می‌پذیرد. آن عالم، «عالم برزخ» نامیده می‌شود، عالم دیگر، عالم قیامت کبرا است که عالم ابدی است و هرگز پایان نمی‌پذیرد.

عالم برزخ در قرآن

اگر چیزی میان دو چیز دیگر حائل و فاصله باشد، آن چیز را «برزخ» می‌نامند. قرآن‌کریم از زنده‌گی پس از مرگ تا قیامت کبرا با کلمهٔ «برزخ» تعبیر کرده است[1].

خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: **﴿حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴿١٠٠﴾﴾**[2]؛ تا آن‌گاه که یکی از آن‌ها را مرگ فرا می‌رسد می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردان، باشد کار شایستهٔ در زمینه‌هایی که نکرده‌ام انجام دهم. ابدا، این صرفا سخنی است که او گوینده آن است و از جلو آن‌ها (از حین مرگ) تا روزی که مبعوث شوند برزخ و فاصله‌ای است.)

در این آیه گفته شده که انسان‌هایی پس از مرگ اظهار پشیمانی می‌کنند و درخواست بازگشت به دنیا می‌نمایند و از طرف خداوند ﷻ به آن‌ها جواب منفی داده می‌شود. از این آیه فهمیده می‌شود که انسان پس از مرگ دارای نوعی زنده‌گی می‌باشد که از خداوند ﷻ می‌خواهد تا او را به دنیا باز گرداند تا آن فرد بتواند گذشتهٔ خود را جبران نموده و اعمال

---

۱. برگرفته از مجموعه آثار جلد دوم صفحه ۵۱۳ – مرتضی مطهری

۲. سوره مؤمنون آیه ۹۹ و ۱۰۰

نیک و خوب انجام دهد ولی تقاضایش پذیرفته نمی‌شود.

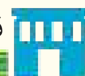
برزخ در احادیث

یکی از نمونه‌هایی که در تاریخ اسلام رخ داده و می‌تواند حیات عالم برزخ را تایید نماید این داستان است.

مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند در این جنگ تعدادی از سران قریش از بین رفتند مسلمانان بعد از پایان جنگ اجساد آنان را به درون چاهی انداخته بودند رسول خدا ﷺ بر سر چاه حضور یافتند سر به درون چاه نمودند و به مردگان رو کرده، فرمودند: آنچه را خداوند ﷻ به ما وعده داده بود دیدیم، آیا شما نیز وعده‌های خدا را به درستی درک کردید؟

یکی از اصحاب پرسیدند یا رسول الله! شما با مردگان سخن می‌گویید!؟ مگر این‌ها سخن شما را درک می‌کنند؟! پیامبر ﷺ فرمود: آن‌ها اکنون از شما شنواترند[1].

از این مطلب چنین استفاده می‌شود با آن که مرگ میان جسم و جان جدایی می‌اندازد، روح ارتباط و علاقه خود را با بدن به طور کامل قطع نمی‌کند. و ارتباط بین روح و بدن پس از مرگ نیز وجود دارد.



فعالیت

شاگردان درس را بطور فردی دقیق مطالعه نمایند.



ارزش‌یابی

۱. برزخ چیست؟
۲. بعد از مرگ انسان چند عالم در پیشرو دارد و آنها کدام است؟



کارخانه‌گی

در مورد حیات و زندگی برزخی تحقیق نموده و ۷ سطر بنویسید و آنرا برای دوستان خود بخوانید.

---

۱ برگرفته از مجموعه آثار جلد دوم صفحه ۵۱۳ مرتضی مطهری، صفحه : ۵۱۹

علایم رستاخیز

هدف: آشنایی با علایم رستاخیز

بهار طبیعت

در فصل زمستان نگاهی به چهرهٔ طبیعت می‌اندازیم همه‌جا را برف پوشیده است درختان از برگ و میوه خالی شده، نه گلی طراوت دارد و نه شکوفه‌ای می‌شکفد و نه جنبش و حرکتی در کوه و صحراها به چشم می‌خورد....

وقتی فصل بهار می‌رسد هوا ملایم می‌شود، قطـــرات باران، شروع به باریدن می‌کنند یک باره جنبشی در سراسر طبیعت آشکار می‌شود گیاهان می‌رویند، درختان برگ می‌آورند، شکوفه‌ها می‌شکفند، پرنده‌گان بر شاخه‌های درختان آشیانه می‌سازند و ...

آری چنین است که ما همواره صحنه‌های معاد و زنده شدن چندباره را می‌بینیم: چگونه موجوداتی می‌میرند و بار دیگر زنده می‌شوند. چنین است حیات دوبارهٔ انسان.

معاد در قرآن

در قرآن مجید نکات جالب و شنیدنی در مورد معاد به چشم می‌خورد در آیات بسیاری ذکر از معاد به میان آمده و بسیاری از سوره‌های آخر قرآن به طور کامل، یا به طور عمده درباره معاد، مقدّمات، علایم و نتایج آن سخن می‌گوید.

قرآن شریف در مورد مقایسه رستاخیز طبیعت و انسان چنین می‌فرماید: **(وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ**[1]**؛** خداوند ذاتی است که امواج باد را مأموریت داد که ابرها را به حرکت درآور و به سوی سرزمین‌های مرده بران، و به وسیله آن، زمین مرده را زنده کنند، رستاخیز نیز چنین است.)

قیامت کبرا یا رستاخیز

همان طور که قبلا ذکر گردید مرحله دوم حیات بعد از عالم برزخ، قیامت کبرا است. قیامت کبرا واقعه‌ای است که برای کل جهان رخ می‌دهد، کل جهان وارد مرحلهٔ حیات

۱. سوره فاطر/ آیه ۹

جدید و نظام جدید می‌گردد.

قرآن‌کریم که ما را از حادثه بزرگ قیامت آگاه کرده است ظهور این حادثه بزرگ را همزمان با خاموش‌شدن ستاره‌گان، خشک‌شدن دریاها، متلاشی شدن کوه‌ها و صداهای دهشت‌آور و دگرگونی‌های عظیم و بی‌مانند می‌داند.

آنچه از قرآن‌کریم استنباط می‌شود؛ تمامی عالم به سوی خرابی می‌رود و همه چیز نابود می‌شود و بار دیگر جهان نوسازی می‌شود و تولد دیگر می‌یابد و با قوانین و نظام دیگر، ادامه می‌یابد و برای همیشه باقی می‌ماند.[۱]

نام‌های قیامت

قیامت در قرآن‌کریم با نام‌ها و عنوان‌های مختلف خوانده شده است نام‌ها شامل: **اليومُ الآخر، يومُ الدّين، يومُ الخُروج، يومُ الخُلود، يومُ الحسرة، اليومُ الوعيد** و... می‌باشد.

این نام‌ها در واقع از جهات مختلف به روز قیامت نگاه می‌کند و تمام حوادث آن روز را از آغاز زنده شدن مرده‌گان تا زمانی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ می‌روند، توضیح می‌دهد. تأمل در این نام‌ها می‌تواند آثار تربیتی عظیمی در روح انسان‌ها برجای گذارد.[۲]

علایم رستاخیز

نظام زنده‌گی اخروی، از همه‌ی جهات، با نظام زنده‌گی دنیوی فرق می‌کند به طور کلی، آن عالم غیر از این عالم است و از زمان فرا رسیدن قیامت نیز فقط خداوندﷻ آگاه است.

برای آشنایی با بعضی از علایم رستاخیز به قرآن شریف رجوع می‌نماییم و آن علایم را از زبان قرآن و کلام الهی به نظاره می‌نشینیم.

﴿**وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُم قِيَامٌ يَنظُرُونَ**؛ وهنگامی‌که در صور دمیده شود پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است ـ جز آن‌ها که خدا بخواهد ـ بیهوش شوند (و بمیرند)، سپس بار دیگر در صور دمیده شود، پس ناگهان از جای خود بر می‌خیزند و می‌نگرند.)

ای مردم! از پروردگارتان بترسید، که زلزلهٔ قیامت حادثهٔ بزرگی است آن روز را

---

۱. برگرفته از مطهری، معاد

۲. همان صفحه: ۵۲۰

که ببینند، هر شیر دهنده‌ای شیرخواره‌اش را از یاد ببرد و هر آبستنی بار خود را بر زمین گذارد و مردم را چون مستان بینی حال آن که مست نیستند، بلکه عذاب خدا شدید است[1].



فعالیت

شاگردان آیات قرآنی متن را درست قرائت کنند و علایم رستاخیز را به شکل گروهی در آیات پیدا نموده و درباره آن بحث نمایند.



ارزش‌یابی

۱. چگونه صحنه معاد را در گیاهان هر سال می‌بینیم؟
۲. ظهور حادثه قیامت با چه حوادثی همراه است؟ چهار مورد آن‌را ذکر نمایید.
۳. چهار نام از نام‌های قیامت را ذکر نمایید.
٤. نام‌های قیامت چه اطلاعاتی از آن عالم در اختیار ما می‌گذارد؟



کارخانه‌گی

با استفاده از قرآن ترجمه‌دار تعداد ٥ آیه که در مورد نشانه‌های رستاخیز می‌باشد را یافته و در صنف بخوانید.

---

۱. يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ. الحج/۲

بخش فقه

اهمیت روزه

هدف: شناخت اهمیت روزه

پرسش‌ها

۱. روزه چیست؟

۲. روزه گرفتن چه فوایدی دارد؟



روزه در لغت به معنی «خود داری» و «امساک» است و در دین به مفهوم خودداری کردن از بعضی امور، در زمانی خاص و با شرایطی ویژه، که به منظور عبادت خداوند متعال انجام شود. خداوند سبحان روزه را بر اهل ایمان واجب ساخته.

﴿یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَیْكُمُ الصِّیَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِینَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزگاری کنید)[1]

روزه: یک نوع خودداری و امساک از مبطلاتی معین است که با نیت خاص عبادت انجام شود.

نماز و روزه ازجمله عبادت‌هایی هستند که در تمامی ادیان الهی وجود داشته و بر انجام آن سفارش شده است؛ از جمله روزه که پیدایش آن از زمان حضرت آدم علیه‌السلام بوده و تا حال در بین ادیان الهی و به طور اخص در دین مقدس اسلام ادا می‌گردد. حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید:

«همواره روزه در ماه مبارک رمضان واجب بوده و این وجوب فقط برای انبیاء، مقرر بوده و برای امت آنان روزه در غیر رمضان واجب بوده است. ولی امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مورد لطف ویژه خدا، واقع گشته و از این حیث در ردیف انبیا علیهم‌السلام قرار گرفته‌اند[2].»

از سخن امام محمد باقر علیه‌السلام می‌توان چنین نتیجه گرفت که فریضهٔ روزه همواره در

۱. آیه (۱۸۳) سوره بقره

۲. حر عاملی، وسایل الشیعه، انتشارات موسسهٔ‌ال البیت ج ۷، قم، ۱۴۰۹هق، ص ۱۷۲.

میان امت‌های پیشین وجود داشته واما برای امت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم با نوعی برتری واجب شده و آن هم وجوب ادای این فریضه در ماه مبارک رمضان می‌باشد.

علاوه بر این، دلایل دیگری وجود دارد که نشان دهندهٔ اهمیت این فریضه می‌باشد از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. خداوند جل جلاله برای روزه، قضا وکفاره‌ای قرار داده که نشان دهندهٔ اهمیت توجه به انجام این فریضه می‌باشد به ویژه کفارهٔ جمع که در درس‌های آینده به آن اشاره خواهد شد.

۲. خواب انسان روزه‌دار هم عبادت به شما می‌رود چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «...**اَنْفاسکم فیه تسبیح و نومکم فیه عباده**؛...نفس کشیدن شما در این ماه تسبیح خداوند است و خواب شما عبادت.[1]»

۳. فرا رسیدن ماه رمضان و ادای فریضهٔ روزه باعث می‌شود تا مردم در مساجد و مراکز دینی جمع شوند و به انجام جمعی عبادات بپردازند که این تجمع، باعث تحکیم روحیه وحدت و همبستگی در بین آنان می‌شود.

٤. روزهٔ ماه مبارک رمضان، سپری در مقابل آتش جهنم است؛ چنان‌که حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الصوم جنه من النار و الصدقه تذهب بالخطیئه؛ روزه سپری در مقابل آتش جهنم است وصدقه از بین برندهٔ گناهان.»[2]

۵. فرشتگان، حافظ و دعاگوی روزه‌داران هستند حضرت امام رضا علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «خدا ملائکه‌های بی‌شماری را برگماشت تا روزه‌داران را حراست نمایند و در حق مردان و زنان روزه‌دار دعا کنند.»[3]

٦. سعی و تلاش اولیاء و پیامبران الهی به روزه‌داری، نشان دیگری از اهمیت این عبادت می‌باشد.

---

۱. منبع قبل ،ج۱۰ ، ص ۳۱۳

۲. ثقه الاسلام کلینی،اصول کافی،انتشارات دار الکتب الاسلامیه،ج ۲،تهران ۱۳۶۵،

۳. (وسایل الشیعه؛ ج۷، ص۲۹۶)



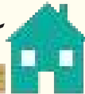
فعالیت

شاگردان در گروه های سه نفری در مورد اهمیت روزه با یکدیگر گفتگو کنند سپس یک نفر از هر گروه خلاصۀ نظریات را بیان کند.



ارزشیابی

۱. روزه را تعریف کنید؟
۲. دو مورد از دلایل اهمیت روزه را بیان کنید.
۳. روزه ... در مقابل آتش جهنم است.



کارخانه‌گی

با مراجعه به قرآن ترجمه دار یا کدام کتاب دیگر یک آیت در مورد روزه در کتابچه های تان بنویسید.

درس سیزدهم

فواید روزه

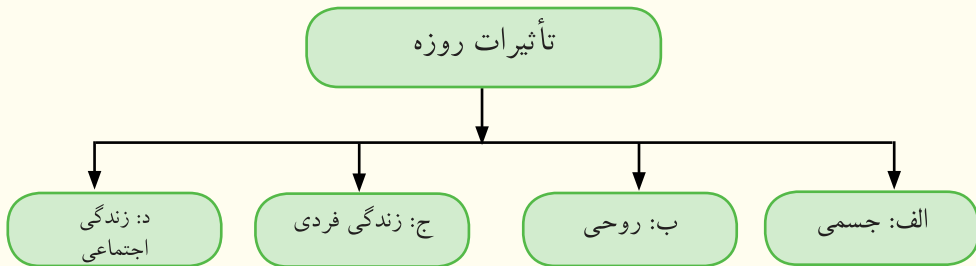
هدف: آشنایی با تأثیرات و فواید روزه

پرسش‌ها:

۱. روزه چه تأثیری بر زندگی افراد دارد؟

۲. آیا روزه‌گرفتن تغییری در میزان ارادهٔ شما ایجاد می‌کند؟

روزه فریضه‌ای است که علاوه بر پاداش معنوی، تأثیراتی را نیز بر جسم، روح و روان، زندگی فردی و اجتماعی افراد روزه‌دار دارد که در این درس به گوشه‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد.

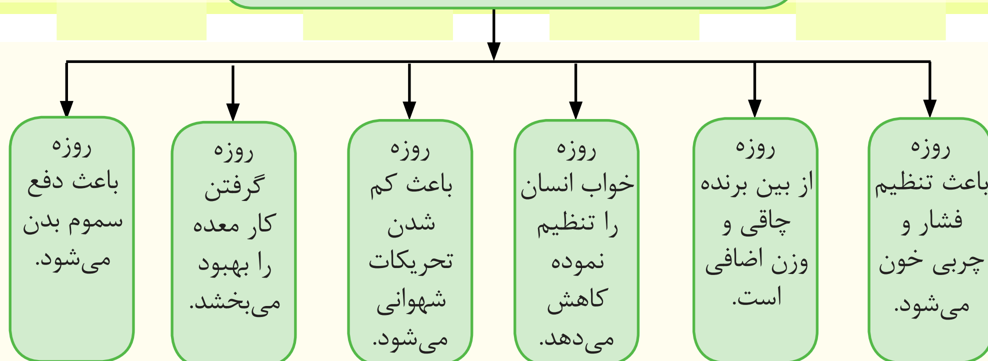


الف: تأثیر جسمی

حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: « هرچیزی زکاتی دارد و زکات بدن، روزه گرفتن است[۱]» بنابر کلام حضرت رسول ﷺ، روزه، زکات جسم است و از آنجا که پرداخت زکات مال باعث خیر و برکت مال می‌شود پرداخت زکات جسم (روزه) نیز باعث خیر و سلامتی برای بدن شخص روزه‌دار می‌گردد. از حضرت رسول ﷺ نقل شده است که «**صُوموا تَصِحوا**»؛ «روزه بگیرید تا سلامت بمانید.[۲]» بنابراین علاوه بر اینکه روزه، به عنوان یک عبادت، از اجر و پاداش معنوی برخوردار است باعث تضمین سلامتی جسم انسان نیز می‌باشد و امروزه بسیاری از پزشکان مسلمان و غیر مسلمان، به روزه به عنوان یک عامل بسیار مهم در پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌ها می‌نگرند.

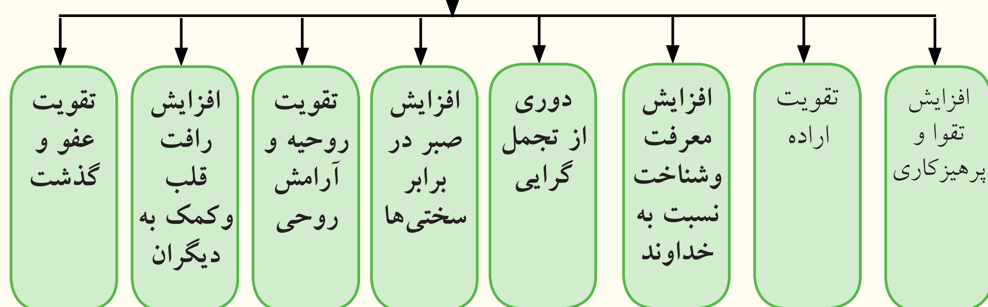
۱. اصول الکافی، ج۴، ص۶۲

۲. مستدرک الوسایل، انتشارات موسسه آل‌البیت، ج ۷،قم ۱۴۰۸،ص ۵۲۳،



ب: تأثیر روحی و روانی

چنان‌که در بخش تأثیر جسمی اشاره شده روزه گـرفتن باعث صحت و سلامتی بدن می‌شود و بدن سالم، روحیه و شخصیت استوار و سالمی را شکل می‌دهد بنابراین افرادی که به عبادات خود توجه خاص داشته همواره به یاد خداوند متعال هستند از روحیات بهتری نسبت به افراد غیر معتقد برخوردارند. از آنجایی‌که روزه ویژگی‌های خاص خود را دارد تأثیرات روحی و روانی خاصی را هم برای شخص روزه‌دار در پی دارد.



ج: تأثیر بر زندگی فردی

آنچه که در فوق، به عنوان تأثیرات جسمی و روحی یاد شد عواملی هستند که با وجود آن‌ها، شخص روزه‌دار، زندگی مؤفق و سالمی خواهد داشت، چرا که جسم و روح سالم

به انسان توانایی خوب اندیشیدن، خوب برنامه‌ریزی کردن و خـــــوب عمل کردن را می‌دهد و به همین خاطر روزه‌دار حقیقی، همیشه، از زندگی خود احساس رضایت نموده و لذت می‌برد.

تأثیر بر زندگی فردی

- داشتن برنامه‌ریزی موفق برای زندگی.
- غنیمت شمردن فرصت‌ها به دلیل از بین رفتن کسالت و کاهلی.
- پایین آمدن سطح توقعات، بدلیل نادیده گرفتن مادیات.
- ملاطفت و نرمی به‌جای خشونت و قساوت در زندگی شخص قرار می‌گیرد.
- افراد روزه‌دار به دلیل تمرین صبر، از قدرت عفو و گذشت بالایی برخوردار می‌شوند که در زندگی آن‌ها کارآمد خواهد بود.

د- تأثیر بر زندگی اجتماعی

هنگامی که ماه رمضان فرا می‌رسد آمار جرم‌ها و تخلفات اجتماعی در کشورهای اسلامی، به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد و این خود نشان‌دهندهٔ این مسأله است که روزه یک عامل بازدارنده و ممانعت کننده از ارتکاب جرایم می‌باشد به گونه‌ای که در این ماه افراد روزه‌دار، هم در مورد خود و هم درمورد اطرافیان توجه لازم را دارند که از بروز تخلفات و جرایم و گناهان خرد و کلان جلوگیری نمایند. چراکه این ماه، ماه خودسازی است و خودسازی باعث اصلاح فرد و خانواده او خواهد شد و این خانواده‌ها جامعهٔ اسلامی ما را تشکیل می‌دهند پس باید به این مساله توجه ویژه شود.

تأثیر بر زندگی اجتماعی

۱. روزه گرفتن و تحمل گرسنگی و تشنگی باعث آگاهی از احوال نیازمندان و فقیران جامعه می‌شود و عاملی برای کمک و دستگیری از ایشان.

۲. روزه گرفتن روح را لطیف نموده و قساوت قلب را از بین می‌برد بنابراین افراد روزه‌دار در یک جامعه، همواره به فکر کمک و مساعدت یک‌دیگر بوده به‌جای خشم و غضب، مهر و عطوفت را به یک‌دیگر هدیه می‌نمایند.

۳. از آنجا که در ماه روزه (رمضان) همهٔ اقشار جامعه در یک سطح قرار گرفته و همه یک عبادت و یک امتحان را تجربه می‌کنند بنابراین روحیهٔ عدالت‌خواهی و عدالت‌گرایی در بین اقشار مختلف جامعه برقرار می‌شود.

٤. تجمع روزه‌داران، در این ماه و برای انجام مراسم عبادی چون دعا و نیایش در مساجد باعث تقویت روحیه اتحاد و همبستگی میان مسلمانان می‌گردد.



فعالیت

شاگردان در گروه های سه نفری در مورد تأثیرات روزه در زندگی فردی و اجتماعی با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند سپس یک نفر از هر گروه نتیجه را برای صنف بیان نماید.



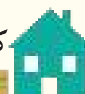
ارزش‌یابی

١. روزه، زکات ... است.

٢. دو نمونه از تأثیرات روزه بر جسم را بیان کنید.

٣. روزه گرفتن کدام یک از موارد زیر را زیاد و کدام را کم می‌کند؟

٤. الف) تقوی ب)صبر ج) قساوت قلب د) قدرت عفو وگذشت



کارخانه‌گی

١. احساس خود را به هنگام افطار ماه رمضان در ٥ سطر بنویسید.

٢. ترجمهٔ احادیث درس را حفظ نمایید.

شرایط وجوب روزه

هدف: آشنایی با شرایط واجب شدن روزه

پرسش ها

۱. آیا می‌دانید شرایط تکلیف چیست؟
۲. روزه‌گرفتن بر چه کسانی واجب نیست؟
۳. به نظر شما روزه بر چه کسانی واجب است؟
٤. چه شرایطی برای واجب شدن روزه وجود دارد؟

آنچه که از طرف خداوند متعال به عنوان وظیفه و تکلیف تعیین می‌شود متناسب با شرایط و توانایی‌های انسان است و نه فراتر از آن؛ به گونه‌ای که در احکام اسلامی، حتی شرایط خاص افراد هم در نظر گرفته شده است؛ که از آن جمله می‌توان به احکام روزه برای شخص بیمار و پیر و... اشاره نمود. بنابراین آنانکه با وجود داشتن شرایط، در انجام فرامین الهی کوتاهی نمایند باید به جزای کارخویش هم که بالاترین آن خشم و غضب الهی است بیاندیشند.

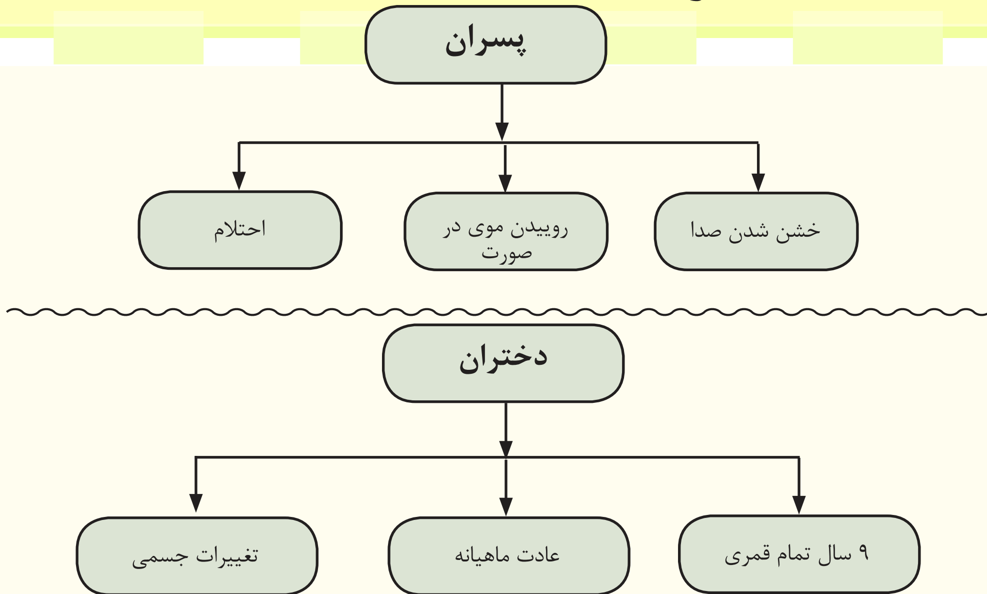
شرایط تکلیف

الف- بلوغ
ب – عقل
ج – قدرت و توانایی

الف- بلوغ

اولین شرط از شرایط تکلیف بلوغ است. بلوغ در لغت به معنی رسیدن است و در اصطلاح به افرادی گفته می‌شود که به شرایطی خاص رسیده باشند به طور مثال کامل شدن نه سال قمری برای دختران و پانزده سال قمری برای پسران از جمله شرایط تکلیف است و برخی شرایط دیگر.

♦ شرایط و نشانه‌های بلوغ



ب- عقل

عاقل بودن یکی دیگر از شرایط مکلف‌شدن برای انجام تکالیف عبادی است و چنان‌چه شخصی دیوانه باشد چون از دیدگاه عقلانی، دچار نقصان است و شرط مذکور را دارا نیست از انجام تکالیف دینی هم معاف می‌شود مگر آنکه دیوانه، عاقل شود که در این صورت دیگر شامل آن حکم نمی‌شود.

ج- قدرت و توانایی

قدرت وتوانایی نیز یکی دیگر از شرایط مکلَّف شدن است. خداوندﷻ هیچ کس را خارج ازقدرت و توانایی‌اش وظیفه و تکلیف نمی‌دهد. بنابراین کسانی‌که از نظر جسمی، ضعیف و ناتوان بوده ویا بیماری، دامنگیر آن‌ها باشد از انجام بعضی از تکالیف عبادی، همچون روزه که توانایی خاصی را می‌طلبد معذور هستند اگر چه که اعمال نیک افراد همیشه مورد لطف و پاداش الهی قرار می‌گیرد لیکن عدم انجام برخی از تکالیف به دلیل کمی سن یا ضعف و ناتوانی جسمی و روحی (دیوانگی) موجب عذاب نخواهد شد چرا که پروردگار مهربان، خود چنین افرادی را از انجام تمام یا برخی از تکالیف معاف نموده است.

روزه بر چه کسانی واجب نیست؟

۱. کسانی که به سن تکلیف نرسیده باشند؛ مثل اطفال.

۲. کسانی‌که شرط عقل را دارا نباشند؛ مثل افراد دیوانه (مجنون).

۳. کسانی‌که قدرت و توانایی روزه‌گرفتن را نداشته باشند مانند افراد ذیل:

الف: کسانی‌که بیماری خاصی داشته باشند و با روزه‌گرفتن به سختی و ضرری دچار شوند. مثل بیماریی که شخص را دچار تشنگی شدید و بیش از حد نماید.
ب: زنی که وضع حملش نزدیک است و روزه برای او و حملش ضرر دارد.
ج: زنی که طفل شیرخوار دارد و شیر او کم است و روزه برای او و طفلش ضرر دارد.
د: افراد پیر و سال‌خورده‌ای که توانایی و قدرت روزه گرفتن را ندارند.

٤. کسی که عذر شرعی دارد ←
- زن در حالت حیض یا نفاس.
- شخص مسافر در حال سفر.

از میان شرایط ذکر شده که به سبب آن‌ها تکلیف وجوب روزه برداشته می‌شود.
برخی قضا و کفاره ندارد مثل روزه نگرفتن دیوانه و طفل.
هم‌چنین برای برخی دیگر، تنها قضای روزه واجب می‌شود مثل مسافری که از روی ضرورت سفر کرده است.
برای بعضی از موارد نیز تنها فدیه روزه واجب می‌شود مثل افراد سالخورده.
با توجه به آنچه گفته شده فقط افراد دیوانه و اطفال از گرفتن روزه معذور هستند و بقیه افراد در صورت دلایل ذکر شده باید بعداً قضا یا کفاره و یا هر دو را بجا آورند.



فعالیت

شاگردان گروه‌بندی شده سپس هر گروه در مورد شرایط وجوب روزه با یکدیگر صحبت نموده و یک نفر به نمایندگی از هر گروه چکیده بحث را بیان نماید.



ارزش‌یابی

۱. شرایط تکلیف عبارت اند از ... و ... و ...
۲. سن تکلیف برای دختران ... و برای پسران ... تمام قمری می‌باشد.
۳. آیا روزه بر شخص دیوانه واجب است با ذکر دلیل پاسخ دهید؟



کارخانه‌گی

شرایط تکلیف را به شکل چارت ترسیم نموده برای صنف آماده نمایید.

اقسام روزه (۱)

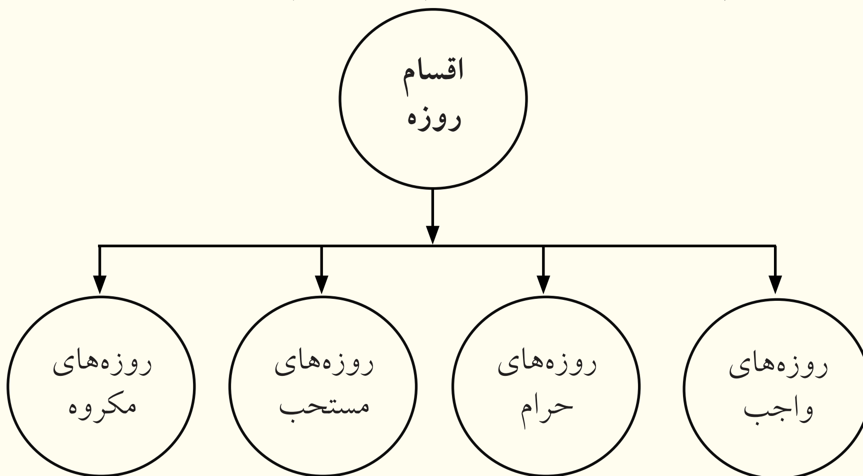
هدف: آشنایی شاگردان با اقسام روزه

پرسش‌ها

۱. آیا می‌دانید روزه‌های واجب کدام اند؟

۲. چه روزه‌هایی حرام می‌باشد؟

روزه نیز همانند نماز، اقسام مختلفی دارد که می‌توانیم آن را طبق آنچه که گفته شد به اقسام واجب، حرام، مکروه، و مستحب تقسیم‌بندی نماییم.



روزه‌های واجب:

۱- روزهٔ ماه مبارک رمضان
۲- روزهٔ قضا
۳- روزهٔ کفاره
٤- روزهٔ استیجاری
٥- روزهٔ روز سوم اعتکاف
٦- روزهٔ بدل قربانی
۷- روزهٔ نذر
۸- روزهٔ قضای پدر

❖ **توضیح:**

۱. روزهٔ ماه مبارک رمضان :این روزه بر هر فرد مسلمان مکلف واجب است و می‌بایست در ماه مبارک رمضان ادا نماید.

۲.روزهٔ قضا: چنان‌چه روزه‌دار، روزهٔ واجب خود را به دلایلی به‌جا نیاورده باشد قضای آن واجب است مگر اینکه در شرع مقدس عدم توانایی او پذیرفته شده باشد، مانند افراد بسیارپیر که به هیچ وجه توانایی گرفتن روزه را ندارند و بعداً هم از انجام قضای آن ناتوان خواهند بود باید کفاره روزه را پرداخت نمایند.

۳. روزهٔ کفاره: گاهی شخص، روزه را عمداً ترک می‌کند و یا کاری را انجام می‌دهد که باعث باطل شدن روزه می‌گردد در چنین شرایطی علاوه بر قضای روزه می‌بایست کفارهٔ روزه هم پرداخت شود که یکی از موارد کفاره، دو ماه روزه گرفتن است که باید یک ماه آن پی‌درپی باشد و یک روز از ماه بعد هم به آن متصل شود اما روزهٔ دیگر روزها، در صورت پی‌درپی نبودن، صحیح می‌باشد.

٤. روزهٔ استیجاری: چنان‌چه شخصی فوت نماید در حالی‌که قضای روزه‌های خود را به‌جا نیاورده باشد. بازماندگان او می‌توانند برای انجام قضای روزه‌های میت، مبلغی را به شخص دیگری پرداخت کنند تا او در بدل مزد دریافت شده روزه‌های شخص میت را بجایش ادا کند.

۵. روزهٔ روز سوم اعتکاف برای شخص اعتکاف کننده: اعتکاف به معنی ماندن در مسجد جامع یا یکی از مساجد (مسجدالحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، مسجدبصره) به قصد قربت و رضای پروردگار می‌باشد. اعتکاف باید حد اقل سه روز باشد و کمتر از آن صحیح نیست هم‌چنین روزه‌گرفتن در ایام اعتکاف جزو شرایط اصلی اعتکاف است به ویژه روزهٔ روز سوم اعتکاف که باید ادا شود.

٦. روزهٔ بدل قربانی حج: هر حاجی باید در روز دهم ذی‌حجه (عید قربان) یک قربانی نماید. حال اگر حاجی در هیچ صورتی، توانایی انجام قربانی را نداشته باشد باید به‌جای قربانی، «ده روز» روزه بگیرد که انجام روزه‌ها به ترتیب زیر می‌باشد.

روزه‌های بدل قربانی حج:
۱- سه روز اول از ده روز، باید در زمان حضور حاجی در مکه، و بعد از سیزدهم ماه ذیحجه انجام شود.
۲- هفت روز باقی‌مانده را حاجی می‌تواند بعداً به‌جا آورد.

۷. **روزه‌ای که به سبب نذر واجب می‌شود:** اگر شخصی، از طریق نذر، گرفتن روزه‌ای را بر عهده بگیرد آن روزه بر شخص واجب می‌شود و باید ادا نماید و چنان‌چه روز مشخص و معینی را قصد کرده باید در همان زمان مشخص شده ادا گـــــردد در غیر این صورت قضا می‌شود.

۸. **روزهٔ قضای پدر بر پسر بزرگتر:** در صورت فوت پدر، به‌جا آوردن روزهٔ قضای او بر عهدهٔ پسر بزرگ‌تر است و این روزه نیز جزو روزه‌های واجب برای پسر بزرگ‌تر محسوب می‌شود.

روزهای حرام:
۱- روزهٔ عید فطر و عید قربان.
۲- روزهٔ نذری که به خاطر انجام معصیتی گرفته شود.
۳- روزهٔ آخر شعبان که به نیت اول رمضان گرفته شود.
٤- روزهٔ وصال.
٥- روزهٔ مستحبی فرزند که سبب اذیت و آزار والدین شود.
٦- روزهٔ ایام تشریق.
۷- روزهٔ سکوت.

◆ **توضیح:**

۱. چنان‌چه روزه‌دار، دو روز پی‌درپی را روزه بگیرد بدون آنکه در بین این دو روز یکی از مبطلات روزه را انجام داده باشد آن روزه را روزه وصال می‌گویند چراکه دو روزه به هم متصل شده و این نوع روزه حرام می‌باشد.

۲. چنان‌چه پدر و مادر، فرزند را از گرفتن روزهٔ مستحبی منع کنند و این کار آن‌ها به خاطر شفقت ایشان نسبت به فرزند باشد و یا اینکه فرزند روزهٔ مستحبی بگیرد و به خاطر روزهٔ او، پدر و مادر به سختی و ناراحتی گرفتار شوند، این روزهٔ مستحبی فرزند حرام می‌باشد. چرا که باعث نا رضایتی والدین و مشقت ایشان است.

۳. در روزه‌های مستحبی که زن به‌جا می‌آورد رضایت شوهر لازم است چرا که

امکان دارد با حقوق شوهر تعارض داشته باشد بنابراین اجازه شوهر برای روزه مستحبی زن لازم و ضروری است.

٤. روزهٔ ایام تشریق: به روزه‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذیحجه گفته می‌شود که حاجی در منا حضور دارد و روزه در آن ایام برای حاجی حرام است.

٥. روزهٔ سکوت؛ به روزه‌ای می‌گویند که به نیت صحبت نکردن با دیگران انجام شود که گرفتن این روزه نیز حرام است.



فعالیت

شاگردان در گروه‌های پنج‌نفره در مورد اقسام روزه گفتگو و بحث نمایند.



ارزش‌یابی

١. اقسام روزه را نام ببرید؟

٢. روزهٔ وصال چیست؟

٣. روزهٔ نذر جزو کدام یک از اقسام روزه است؟

الف) واجب ب) حرام ج) مستحب د) مکروه

٤. وظیفهٔ حاجی‌ی که نمی‌تواند در حج قربانی کند چیست؟



کارخانه‌گی

درس را به شکل خلاصه در کتابچه‌هایتان بنویسید.

اقسام روزه (۲)

هدف: شناخت انواع روزه‌های مستحب و مکروه

پرسش‌ها

۱. آیا تا کنون روزه مستحبی گرفته‌اید؟

۲. روزهٔ مکروه به چه روزه‌ای گفته می‌شود؟

روزه‌های مستحبی

تعریف: روزهٔ مستحبی به روزه‌ای گفته می‌شود که انجام آن ثواب دارد.

ما می‌توانیم در تمام طول سال، روزهٔ مستحبی بگیریم مگر روزهایی که روزه گرفتن در آن روزها واجب، حرام و یا مکروه است. هم‌چنین در مورد روزهٔ مستحبی برخی از روزها تأکید زیادتری شده و فضلیت بیشتری برای آن ذکر گردیده است که عبارت اند، از:

روزه‌های مستحبی:

۱- پنج‌شنبه و جمعه هر هفته؛
۲- روز مبعث (۲۷ رجب)؛
۳- عید غدیر (۱۶ذی حجه)؛
۴- روز ولادت پیامبر اکرم ﷺ (۱۷ ربیع الاول)؛
۵- روز اول تا نهم ذیحجه؛
۶- ماه رجب و شعبان؛
۷- روز اول و سوم محرم؛
۸- روز اول حمل (نوروز)؛
۹- روز بیست و پنجم و بیست و نهم ماه ذیقعده.
۱۰- روز مباهله (بیست و چهارم ذیقعده)

♦ روزه‌های مکروه

تعریف: روزهٔ مکروه، به روزه‌ای گفته می‌شود که ترک آن مطلوب است.

انواع روزه‌های مکروه:

۱- روزهٔ مستحبی مهمان بدون اجازهٔ میزبان.

۲- روزهٔ مستحبی مهمان با وجود نهی کردن میزبان.

۳- روزه مستحبی فرزند بدون اجازهٔ پدر.

۴- روزهٔ عاشورا (دهم ماه محرم).

٥- روزهٔ عرفه اگر باعث شود شخص روزه‌دار، از به‌جا آوردن دعاهای روز عرفه محروم بماند.
٦- روزهٔ روزی که شخص نمی‌داند آن روز عرفه است یا عید قربان.

♦ چند حکم پیرامون اقسام روزه

١. اگر فرزند بدون اجازه والدین و پدر یا مادر روزهٔ مستحبی بگیرد و در بین روز، پدر یا مادر او را از ادامهٔ روزه نهی‌کند، چنان‌چه فرزند مخالفت کند و مخالفت او با خواسته پدر یا مادر که از روی شفقت و دلسوزی آنان بوده باعث آزردگی خاطر ایشان شود چنین روزه‌ای حرام است و باید افطار نماید.

٢. اگر انسان یقین پیدا کند که روزه گرفتن برای او ضرر داشته باعث ضرر و زیان قابل توجهی به او خواهد شد و این مساله باعث ترس او شود. و این یقین او از نظر عقلی صحیح باشد روزه، بر او واجب نیست و چنان‌چه روزه‌گرفتن باعث هلاکت یا نقص عضو برای شخص روزه‌دار شود گرفتن آن روزه حرام است.

٣. اگر کسی روزهٔ مستحبی بگیرد و برادر مؤمنش، او را به غذا دعوت کند مستحب است دعوت او را قبول نموده و افطار نماید و واجب نیست آن را به اتمام برساند.

٤. مستحب است روزه‌دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن بخواند.



فعالیت

شاگردان دو نفری در مورد روزه‌های مکروه و مستحب با یکدیگر بحث نمایند سپس دربارهٔ آن موضوع از یکدیگر پرسش نمایند.



ارزش‌یابی

١. هر یک از روزه‌های زیر کدام نوع از اقسام روزه می‌باشد؟
الف. روزهٔ مهمان بدون اجازهٔ میزبان
ب. روزهٔ مستحبی زن بدون رضایت شوهر
ج. روزهٔ عید غدیر
٢. روزهٔ روز ولادت حضرت رسول اکرم ﷺ جزو روزه‌های ... می‌باشد
٣. به چه روزه‌های روزهٔ مکروه گفته می‌شود؟
٤. اگر به هنگام روزهٔ مستحبی مسلمانی ،شخص روزه‌دار را به غذا دعوت نماید چه حکمی خواهد داشت؟



کارخانه‌گی

با مراجعه به اشخاص مطلع و امام جماعت مسجد محل خود یا کتاب‌های توضیح المسایل چند حکم دیگر در مورد روزه‌های مستحب و مکروه پیدا نموده در کتابچه‌هایتان بنویسید.

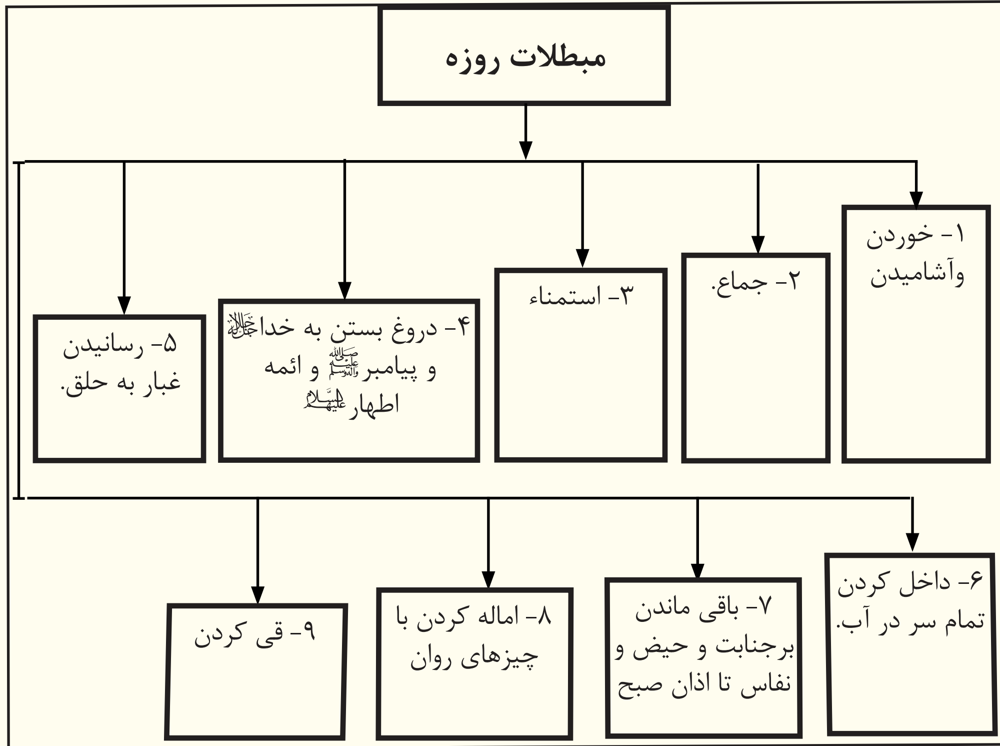
مبطلات روزه (۱)

هدف: شناخت مبطلات روزه

پرسش

۱. آیا می‌دانید چه کارهایی روزه را باطل می‌کند؟

مبطلات (باطل کننده های) روزه مواردی هستند که آگاهی از آن‌ها برای هر مسلمان روزه‌داری الزامی است.



توضیح

خوردن و آشامیدن

۱. اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد و بیاشامد هر چند که غیرمعمول باشد مثل خاک و نفت و یا معمول باشد مثل نان و آب، روزه‌اش باطل می‌شود.

۲. اگر روزه‌دار به خاطر فراموشی چیزی بخورد یا بیاشامد روزه‌اش باطل نمی‌شود.

۳. فرو بردن آب‌دهان روزه را باطل نمی‌کند.

٤. فرو بردن چیزی که لای دندان روزه‌دار مانده، روزه را باطل می‌کند.

٥. فرو بردن خلط سرو سینه (اگرکه به فضای دهان رسیده باشد) باعث ابطال روزه می‌شود.

۶. اگر روزه‌دار به قدری دچار ضعف شود که برای او خطر جانی پیش آید می‌تواند روزه خود را بشکند.

۷. چنان‌چه روزه باعث تشنگی شدید و غیر قابل تحملی برای شخص گردد و خطری را برای او ایجاد نماید می‌تواند به میزان رفع خطر آب بیاشامد.

رساندن غبار غلیظ به حلق

۱. اگر روزه‌دار غبار غلیظی را به حلق برساند روزه‌اش باطل می‌شود؛ غبار مواد خوراکی باشد مثل آرد یا غیرخوراکی باشد مثل خاک و دود.

۲. در این موارد روزه باطل نمی‌شود:
- غبار غلیظ نباشد؛
- غبار به حلق روزه‌دار نرسد؛
- غبار بی‌اختیار به حلق روزه‌دار برسد؛
- روزه‌دار نداند و یا فراموش کند که روزه‌دارد.

دروغ بستن به خدا ﷻ، پیغمبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام

◆ دروغ بستن از روی عمد، به خداوند ﷻ، پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در تمام حالات زیر موجب باطل شدن روزه می‌شود.

۱. با لفظ صریح باشد یا با کنایه.

۲. با گفتن، نوشتن یا اشاره‌کردن و یا هر کار دیگری که نشان دهندۀ نسبت دادن دروغی باشد.

داخل کردن تمام سر در آب

◆ چنان‌چه روزه‌دار تمام سر را عمداً در آب داخل کند روزه‌اش باطل می‌شود[۱] اگرچه که بقیه بدن او از آب خارج باشد.

اماله‌کردن

۱. اماله‌کردن با مایعات هرچند که از روی ناچاری و ضرورت باشد، روزه را باطل می‌نماید.

۲. استعمال شیاف برای معالجه اشکال ندارد.

قی کردن

۱. چنان‌چه روزه‌دار عمداً «قی» کند روزه‌اش باطل می‌شود.

۲. در صورتی که روزه‌دار بی‌اختیار و سهواً «قی» کند روزه‌اش باطل نمی‌گردد.

---

۱. به جز آیت‌الله سیستانی که برای فرو بردن تمام سر در آب کراهت شدید را ذکر می‌کند بقیه مراجع این کار را باعث ابطال روزه می‌دانند. ر. ک. رساله عملیه ایشان ص ۲۱۳

استمناء

۱. اگر روزه‌دار استمناء کند (یعنی باخود کاری کند که از او منی خارج شود) روزه‌اش باطل می‌شود.

۲. اگر بی‌اختیار از شخص روزه‌دار منی خارج شود؛ مثلاً در خواب جنب شود. روزه‌اش باطل نمی‌شود.

باقی ماندن بر جنابت، حیض و نفاس تا اذان صبح

۱. در روزهٔ ماه رمضان، اگر زن که غسل حیض، نفاس و یا جنابت بر عهده دارد غسل را انجام ندهد و چنان‌چه وظیفه‌اش تیمم باشد تیمم را هم انجام ندهد، روزه‌اش باطل می‌شود.



فعالیت

شاگردان گروه‌بندی شده دربارهٔ مبطلات روزه با یکدیگر صحبت نمایید و از هر گروه یک نفر درس را به صورت خلاصه ارایه کند.



ارزش‌یابی

۱. ترجمه آیه ٤٨ سوره مائده را بنویسید؟

۲. مبطلات روزه را نام ببرید؟

۳. در کدام یک از موارد زیر روزه باطل می‌شود و در کدام مورد روزه صحیح است؟

الف) عمدا به خداوند جل جلاله دروغی را نسبت دهد

ب) غباری که بی‌اختیار به حلق روزه‌دار برسد

ج) به خاطر فراموشی تمام سر را در آب داخل نماید.



کارخانه‌گی

با کمک امام جماعت مسجد محل خود و یا رساله‌های عملیه مراجع، احکام دیگری را در باره مبطلات روزه استخراج نموده در کتابچه‌هایتان بنویسید.

مبطلات روزه(۲)

هدف: شناخت احکام مبطلات روزه و آنچه برای روزه کراهت دارد.

پرسش: چه چیزهای برای روزه کراهت دارد؟

♦ برخی از احکام مبطلات روزه

۱- اگر روزه‌دار عمداً و با اختیار، کاری را که موجب باطل شدن روزه می‌شود انجام دهد روزه‌اش باطل می‌شود.

۲- اگر یکی از مبطلات روزه سهواً و یا بدون اختیار انجام شود روزه باطل نمی‌شود.

۳- چنان‌چه شخصی سهواً یکی از مبطلات روزه را انجام دهد و با تصور اینکه روزه‌اش باطل شده یکی دیگر از مبطلات روزه را عمداً انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود.[1]

٤- روزه‌دار نباید به‌جایی برود که می‌داند چیزی در گلویش می‌ریزند یا مجبورش می‌کنند که خودش، روزه‌اش را باطل کند. در این صورت اگر در موقعیت اجبار قرار گیرد روزه‌اش باطل خواهد شد.[2]

۵- چنان‌چه روزه‌دار به‌جایی که می‌داند او را به انجام مبطلات روزه وادار می‌کنند برود و چنین نشود، روزه‌اش صحیح است.

آنچه گفته شد احکامی کلی در مورد مبطلات روزه بود اما به جز مبطلات (باطل کننده ها) که باعث ابطال روزه می‌شوند امور دیگری هم وجود دارد که انجام آن‌ها گرچه باعث باطل شدن روزه نمی‌شود اما انجام ندادن آن بهتر است.

ازآنجایی‌که همهٔ ما مسلمانان دوست می‌داریم که عبادت ما مورد قبول درگاه حق قرار گیرد و رضایت خداوند متعال را جلب نماید پس می‌کوشیم تا عبادات خود را به بهترین شکل انجام دهیم و اموری چون اعمال مستحب که باعث نیکو شدن عبادات می‌شود را نیز انجام دهیم تا اعمال عبادی ما هرچه زیباتر و پسندیده‌تر باشد بنابراین ازکارهایی که باعث شود زیبایی اعمال عبادی ما از بین برود یا از فضیلت آن کاسته شود خودداری می‌نماییم که از آن جمله می‌توانیم به مکروهات اشاره نماییم.

آنچه برای روزه کراهت دارد:

۱. دوا ریختن در چشم در صورتی که مزه یا بوی آن دارو به حلق برسد.

۱. ر. ک. توضیح المسایل مراجع، ج۱، ص۹۲۴

۲. همان منبع

۲. سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد.
۳. انجام هرکاری که باعث ضعف بدن شود مانند خون گرفتن و حمام کردن.
٤. بوکردن گیاهان معطر و استعمال نسوار در بینی صورتی که نداند به حلق می‌رسد یا نه.
۵. ترکردن لباس بر تن و مسواک کردن با چوب تر.
٦. استعمال شیاف و نشستن در آب برای خانم‌ها.
۷. کشیدن دندان و هرکاری که بواسطۀ آن از دندان خون بیاید.
۸. هرکاری که امکان داشته باشد باعث تحریک شهوت شود.



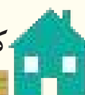
فعالیت

شاگردان گروه‌بندی شده، چارت مکروه‌هات روزه را ترسیم نمایند تا بهترین چارت‌ها در صنف معرفی گردد.



ارزش‌یابی

۱. حکم موارد ذیل چیست؟
الف- شخصی در ماه رمضان زیر آفتاب سوزان پیاده‌روی می‌کند به هیچ سایه و جای سرد و خنکی دسترسی ندارد از تشنگی زیاد حالت غش به او دست می‌دهد؟
ب- می‌دانید که برخی از دوستان شما به روزه پایبند نیستند و دیگران را هم مانع می‌شوند؛ درصورتی که با وجود داشتن روزۀ واجب در جمع آنان حاضر شوید و آن‌ها شما را ازگرفتن روزه مانع شوند.
۲. حکم هر یک از مسایل زیر را بگویید؟ (مکروه، باطل، اشکال ندارد).
الف- کشیدن دندان در حال روزه.
ب- نگاه کردن فیلمها و یا صحنه‌هایی که ممکن است محرک شهوت باشد.
ج- چنان‌چه نسوار در بینی استفاده شود و به حلق برسد.



کارخانه‌گی

۱. درس را در ۵ سطر خلاصه کنید.
۲. چند مورد دیگر از مکروه‌هات روزه را با کمک امام جماعت مسجد و یا توضیح المسایل بنویسید.

روزهٔ مسافر

هدف: آشنایی با احکام روزهٔ مسافر

پرسش‌ها

۱. آیا تاکنون در ماه مبارک رمضان به سفر رفته‌اید؟

۲. آیا احکام روزهٔ مسافر را می‌دانید؟

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، همواره به تمام زوایای زندگی انسان توجه داشته و برای شرایط مختلف، احکام و دستور العمل‌های دینی و شرعی مناسب آن را ارائه نموده است؛ که از آن جمله می‌توان به احکامی که برای عبادات شخص مسافر بیان شده، اشاره نمود.

روزهٔ مسافر: مسافری که نمازهای چهاررکعتی را شکسته (دو رکعتی) می‌خواند، نمی‌تواند روزه بگیرد؛ و باید آن را قضا نماید؛ اما چنان‌چه نمازها را تمام می‌خواند باید روزه‌هایش را هم به‌جا آورد.

مسافر با وجود هشت شرط، باید روزه را افطار نماید.

شرایط هشت‌گانه

۱. سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد.

۲. از اول قصد هشت فرسخ را داشته باشد.

۳. در بین راه از قصد خود بر نگردد.

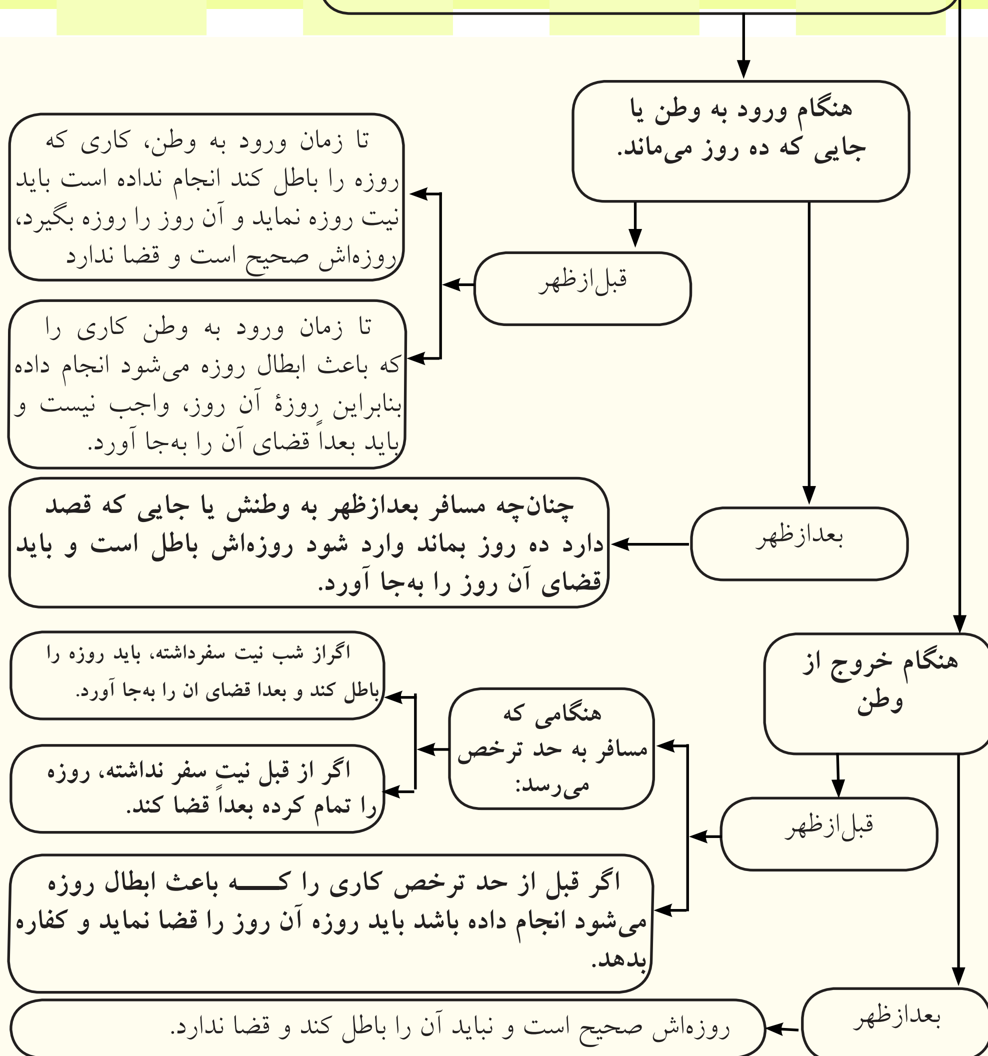
۴. در بین راه از وطن خود عبور نکند.

۵. برای کار حرام سفر نکند.

۶. بیابانگرد(کوچی) نباشد.

۷. شغل او سفر نباشد.

۸. از حد ترخص بگذرد.



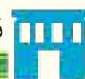
احکام روزهٔ مسافر:

۱. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد در صورتی‌که برای گریختن از روزه نباشد.

۲. چنان‌چه مسافرت در ماه رمضان به خاطر حج، عمره و یا ضرورتی باشد، اشکال ندارد.

۳. اگرغیر از روزهٔ رمضان، روزهٔ دیگری مثل روزهٔ اجاره‌ای و یا روزهٔ روز سوم از ایام اعتکاف برشخص واجب باشد، نمی‌تواند در آن روز مسافرت نماید. اما چنان‌چه در سفر باشد (در صورت امکان) باید قصد اقامت ده روزه نموده روزه را به‌جا آورد.

٤. بنابر احتیاط واجب، برای روزه‌ای که به خاطر قسم یا عهد واجب شده باید از مسافرت صرف نظر شود و اگر شخص در سفر است باید قصد اقامت ده روزه نماید.
٥. کسی که یک روز معین را به عنوان روزهٔ مستحبی نذر کرده چنان‌چه سفری پیش آید و یا اینکه در سفر باشد باید روزه را به‌جا آورد.
٦. چنان‌چه شخصی نذر کند که روزهٔ مستحبی بگیرد اما روز آن را معین نکند نمی‌تواند روزه را در سفر به‌جا آورد.
٧. مسافر می‌تواند برای طلب حاجت خود، سه روز را در مدینه منوره روزهٔ مستحبی بگیرد و بهتر آن است که روزهای چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه باشد.
٨. کسی که نمی‌داند روزهٔ مسافر طبق شرایط گفته شده باطل است چنان‌چه در بین روزه، مسأله را بفهمد، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر تا پایان روز متوجه نشود روزه‌اش صحیح است.
٩. اگر مسافر پیش‌ازظهر به وطن یا جایی که قصد دارد ده روز بماند برسد و کاری را که باعث باطل شدن روزه می‌شود انجام داده باشد مستحب است که آن اعمال باطل کننده روزه را تکرار ننماید.[1]



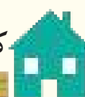
فعالیت

شاگردان در گروه‌های ٤ نفری برای پنج مورد از احکام روزهٔ مسافر یک جدول تهیه نمایند.



ارزش‌یابی

١- روزهٔ مسافری که نمازهایش را شکسته می‌خواند ... است. صحیح ☐ غلط ☐
٢- دو مورد از روزه‌هایی را که مسافر می‌تواند در هنگام سفر به‌جا آورد بیان کنید.
٣- اگر مسافر بعدازظهر به سفر برود (از وطن خارج شود) حکم روزه‌اش چگونه است؟
٤- مسافری که بعدازظهر به وطن خود وارد می‌شود حکم روزهٔ او چیست؟



کارخانه‌گی

با کمک دیگران به ویژه امام جماعت مسجد خود یک آیه یا حدیث در مورد احکام عبادات مسافر پیدا نموده در کتابچه‌های خود بنویسید.

---
[1] جمعی از مراجع، توضیح المسایل؛ دفتر انتشارات اسلامی، ج ١، قم ١٣٨٤، ص ٩٦٨

قضای روزه

هدف: شناخت احکام قضای روزه

پرسش‌ها

۱. چه روزه‌هایی فقط قضا دارند؟

۲. چه روزه‌هایی قضا و کفاره ندارد؟

قضای روزه

روزهٔ قضا: اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد باید یک روز دیگر را به‌جای آن، روزه بگیرد به روزه‌ای که بعداً به‌جای روزهٔ فوت شده گرفته می‌شود «روزهٔ قضا» می‌گویند.

احکام روزهٔ قضا

الف: روزه‌هایی که فقط قضا دارند.

ب: روزه‌هایی که نه قضا دارند و نه کفاره.

درچه شرایطی فقط قضای روزه واجب است؟

۱. روزه‌ای که در اثر سفر از دست رفته.

۲. روزه‌های زنان در حالت حیض و نفاس.

۳. روزه‌داری که عمداً قی کند.

٤. روزه‌های شخصی که در ماه رمضان، یک یا چندروز، در حال جنابت و بدون غسل گرفته شده.

۵. در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند که صبح شده یا نه یکی از مبطلات روزه را انجام دهد. و بعد معلوم شود صبح بوده.

٦. وقتی که شخصی بگوید: هنوز صبح نشده است و روزه‌دار به اعتبار سخن او یکی از مبطلات روزه را انجام دهد و بعد مشخص شود صبح شده است.

۷. به‌خاطر ندانستن مسأله، مبطلی را انجام داده در حالی‌که خود او هم در یادگیری مسأله کوتاهی نکرده و یا متوجه نبوده است.

۸. روزه‌ای که از شخص روزه‌دار به خاطر مستی فوت شده هر چند که به خاطر درمان خورده باشد باید قضا نماید.[۱]

۸. اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است و عمداً روزهٔ خود را باطل نماید و بعد مشخص شود که آخر شعبان بوده کفاره روزه بر او واجب نیست[۲].

چه روزه‌هایی نه قضا دارند و نه کفاره؟

۱. برای کسی که تازه مسلمان شده است قضای روزه‌های قبل از اسلام واجب نیست.

۲. کسی که بدلیل پیری نمی‌تواند در ماه رمضان روزه بگیرد و بعد از رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را انجام دهد.

۳. برای دیوانه‌ای که عاقل شده گرفتن روزه‌هایی که در زمان دیوانگی فوت شده واجب نیست.[۳]

٤. کسی که به واسطهٔ مرضی زیاد تشنه می‌شود و تشنگی زیاد را هم نمی‌تواند تحمل کند[٤].

♦احکام روزه قضا

۱. برای به‌جا آوردن قضای روزه نیازی نیست که فوراً اقدام شود اما بایدتا رمضان سال بعد انجام گردد.

۲. اگر روزه‌دار چند قضای روزه مربوط به سال‌های گذشته داشته باشد هر کدام را که اول بگیرد اشکال ندارد و اما چنانچه وقت تنگ باشد باید ابتدا روزهٔ آخرین رمضان را به‌جا آورد و آنگاه رمضان‌های دیگر.

---

۱ ر. ک. توضیح المسایل آیة الله سیستانی؛ص۲۲۱
۲ توضیح المسائل آیهٔ اله سیستانی، ص۲۱۹
۳ توضیح المسائل ایهٔ اله سیستانی، ص ۲۲۳)
۴ منبع قبل

۳. اگر به‌خاطر عذری (مسافرت یا بیماری) چندروز، روزه نگیرد و بعد در مورد زمان بر طرف شدن عذرش شک کند، می‌تواند کم‌ترین مقدار را قضا کند. به طور مثال به سفر رفته و در تعداد روزها شک دارد که روز چهارم از سفر برگشته یا پنجم در این مورد می‌تواند چهار روز را قضا نماید.



فعالیت

شاگردان احکام روزهٔ قضا را بر روی ورق به شکل چارت ترسیم نمایند. بهترین چارت‌ها بر روی دیوار صنف نصب شود.



ارزش‌یابی

۱. دو مورد از شرایطی که تنها قضای روزه واجب است بیان نمایید.
۲. حکم روزه‌های گذشتهٔ دیوانه پس از عاقل شدن چیست؟
۳. روزه‌ای که در اثر سفر از دست رفته چه حکمی دارد؟



کارخانه‌گی

درس را مطالعه کرده سپس یک سوال همراه جواب از متن درس بنویسید.

کفاره روزه

هدف: آشنایی با کفارهٔ روزه

پرسش‌ها

۱. کفاره یعنی چه؟

۲. در چه مواردی کفاره روزه واجب می‌شود؟

کفارهٔ روزه: جریمه‌ای معین است که به خاطر باطل کردن روزه پرداخت می‌شود.

کفاره به سه نوع تقسیم می‌گردد:

۱. آزاد کردن یک برده؛

۲. شصت روز روزه گرفتن که سی‌ویک روز آن پی در پی باشد؛

۳. سیر کردن شصت فقیر یا دادن یک مد[1] طعام به هر یک از آن‌ها.

مواردی که هم قضای روزه و هم دادن یک مد طعام به فقیر واجب است.

– شخص به خاطر عذری (مثل سفر)، روزه نگرفته و قضای آن را هم بعد از برطرف شدن عذر تا رمضان سال بعد عمداً به‌جا نیاورده است. باید هم قضای روزه و هم یک مد طعام به فقیر بدهد.و چنان‌چه قضای روزه را چند سال به تاخیر اندازد می‌بایست از خاطر روزهٔ سال اول علاوه بر روزهٔ قضا، یک مد طعام به فقیر داده و برای سالهای بعد فقط قضای روزه را به‌جا اورد.

– زنی که طفل شیر می‌دهد و شیر او کم است چنان‌چه روزه گرفتن برای او و یا طفلی که شیر می‌دهد ضرر داشته باشد باید روزه را قضا نموده و برای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.

– زنی که وضع حملش نزدیک است چنان‌چه روزه برای او و حملش ضرر داشته باشد باید روزه نگیرد و برای هر روز، علاوه بر قضای روزه یک مد طعام هم بپردازد.

نکته :

– کسی که باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، می‌تواند کفارهٔ چند روز را به یک فقیر بدهد.

---

۱ یک مد طعام برابر است با ده خورد یا ۷۵۰ گرم که از گندم یا جو یا آرد یا نان و مانند آن‌ها پرداخت می‌شود.

♦درچه مواردی قضا و کفاره واجب است؟

۱. کسی که با اختیار و عمداً روزۀ ماه رمضان را با کار حلالی چون خوردن غذا، آشامیدن آب و... باطل می‌کند باید علاوه بر قضای روزه، کفاره (یکی از سه مورد کفاره) را هم پرداخت نماید.

۲. اگر شخصی عمداً به خدا و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام نسبت دروغی را بدهد و بداند که این کار حرام است علاوه بر قضای روزه، کفاره نیز باید بپردازد.

۳. اگر شخصی عمداً روزۀ ماه رمضان را نگیرد باید قضای آن را به‌جا آورد و کفارۀ آن را هم بپردازد (دو ماه روزه یا اطعام شصت فقیر و یا آزاد کردن یک بنده).

٤. اگر روزه‌دار با کار حلالی مثل آب نوشیدن روزۀ خود را باطل کند، سپس کار حرامی (خوردن یک غذای حرام) را مرتکب شود قضای روزه واجب شده و انجام دادن یکی از موارد کفاره کافی است.

۵. کسی که نمی‌دانسته روزه بر او واجب است و روزه نگرفته مثل کودکان در اوایل بلوغ (به تکلیف رسیدن) تنها قضای روزه بر آن‌ها واجب می‌شود و کفاره‌ای به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد.

٦. اگر روزه‌دار به گفتۀ کسی که می‌گوید مغرب شده افطار نماید و بعد بفهمد مغرب نبوده است قضا و کفارۀ روزه بر او واجب می‌گردد.

۷. اگر روزه‌دار با کار حرامی که یا در اصل حرام باشد مثل شراب و یا به جهتی حرام شده باشد مثل خوردن غذایی که برای بدن ضرر دارد؛ روزۀ خود را باطل کند علاوه بر قضای روزه، کفارۀ جمع(هر سه موردکفاره) هم بر او واجب می‌گردد.

♦ در چه مواردی تنها پرداخت یک مُد طعام کافی است؟

۱. کسی که بواسطۀ پیری، روزه گرفتن برایش دشوار است و بعد از رمضان هم نمی‌تواند روزه بگیرد.
۲. فردی که بیماری دارد و بسیار تشنه می‌شود و روزه گرفتن برایش سختی دارد و بعد از رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را به‌جا آورد.
۳. روزه‌دار به خاطر بیماری نتواند روزه بگیرد و بیماری او تا چند سال طول بکشد به غیر از سال آخر که باید قضای آن به‌جا آورده شود برای روزۀ بقیه سال‌ها تنها دادن یک مد طعام (برای هر روز) کافی است.

♦احکامی کلی در باره کفارهٔ روزه:

۱. شخص روزه‌دار نباید در انجام کفاره کوتاهی نماید و لیکن انجام فوری آن هم لازم نمی‌باشد.

۲. کفاره‌ای که بر شخص واجب شده و چند سال از آن گذشته و هنوز آن را انجام نداده است چیزی برکفاره اولیه اضافه نمی‌شود.

۳. کسی که باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد می‌تواند چند کفاره را به یک فقیر بدهد.



فعالیت

شاگردان به دوگروه تقسیم شده هر گروه حد اقل سه سوال همراه با جواب از متن درس طرح نموده سوال‌های‌شان را بر روی تخته بنویسند. سپس هر گروه سوال‌های خود را خوانده یک گروه دیگر پاسخ آن را بگوید.



ارزش‌یابی

۱. کفاره یعنی چه؟

۲. انواع کفاره را نام ببرید؟

۳. یک مد برابر با چند گرام است؟

٤. هر یک از موارد زیر چه حکمی دارد؟

الف)کسی که بخاطر سفر روزه نگرفته و قضای آن را هم تا رمضان سال بعد انجام نداده...

ب) بیماری که بسیار تشنه می‌شود و روزه گرفتن برای او مشقت دارد و بعداً هم نمی‌تواند روزه بگیرد...



کارخانه‌گی

متن درس را برای خانواده بخوانید و در باره مواردی از آن ، که تا به حال برای آن‌ها اتفاق افتاده صحبت کنید.

راه‌های اثبات اول ماه

هدف: آشنایی با احکام رؤیت هلال ماه نو

پرسش

۱. آیا راه‌های اثبات اول ماه را می‌دانید؟



خداوند متعال، جهان پیرامون ما را چنان شگفت و زیبا آفریده که عقل آدمی از درک رازها و رمزها و عظمت آن عاجز و ناتوان است.

یکی از این شگفتی‌ها، آفرینش ماه (قمر) است.

همه میدانیم که ماه از خود نوری ندارد و منعکس کننده نور خورشید است. بنابراین هر قسمت از ماه که در مقابل نور خورشید قرارگیرد روشن و طرف دیگر ماه که پشت به نور است تاریک به نظر می‌رسد.

رؤیت هلال (ماه نو) و اثبات آغاز ماه، یکی از مواردی است که به کسب دانش و آگاهی نیاز دارد. از آنجایی‌که مسأله تشخیص حلول ماه نو و رؤیت آن نقش مهمی در عبادات ما از جمله «روزه» دارد لازم است که ما نیز دانش و آگاهی خود را در آن زمینه، افزایش داده با احکام و شرایط آن آشنایی بیشتری پیدا نماییم.

راه‌های اثبات اول ماه

۱. خود شخص ماه را ببیند.

۲. حاکم شرع حکم کند که «اول ماه» است.

۳. دو مرد عادل به دیدن ماه نو، شهادت بدهند. و شهادت آن‌ها مخالف گفتهٔ یکدیگر نباشد.

٤. عده‌ای به دیدن ماه نو شهادت بدهند و گفته آن افراد مورد اطمینان و یقین باشد.

٥. سی‌روز از اول ماه شعبان بگذرد تا اول ماه رمضان ثابت شود و سی روز نیز از اول رمضان گذشته باشد تا اول ماه شوال اثبات گردد.

احکام رؤیت هلال ماه نو

١. اول ماه‌نو با پیش‌گویی منجمین ثابت نمی‌گردد مگر اینکه بتوان به گفتهٔ آنان یقین و اطمینان پیدا کرد.

٢. بلند بودن جای ماه در آسمان و یا دیر غروب کردن آن دلیل بر این نیست که «شب قبل، شب اول ماه» بوده است.

٣. اگر اول ماه برای شخصی ثابت نشود و او روزه نگیرد و بعد ثابت شود که روز قبل، «اول ماه» بوده در آن صورت باید روزهٔ آن روز را قضا نماید.

٤. روزی را که مشخص نیست آخر رمضان است یا اول شوال، باید روزه گرفت و چنان‌چه در وسط روز مشخص شود که اول شوال بوده، باید افطار نمود.

٥. اگر «رؤیت ماه» در یک شهر ثابت شود در تمام شهرهای «هم افق» با آن شهر هم، اول ماه می‌باشد.

٦. اول ماه به تلفن و تلگراف و... ثابت نمی‌شود مگر اینکه، شهرهایی که بین آن‌ها تماس برقرار شده، هم افق بوده و نزدیک هم باشند و خبر آن‌ها هم با توجه به حکم حاکم شرع یا شهادت دو مرد عادل باشد.

٧. در صورتی گفتهٔ دو عادل برای رؤیت هلال ماه موثق است که:

الف- توصیفی که در مورد رؤیت ماه ارائه می‌کنند مخالف یکدیگر نباشد.

ب- در صورتی‌که این دو عادل معارض نداشته باشد.

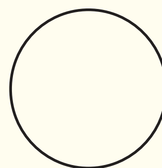
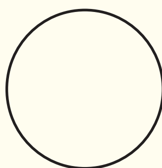
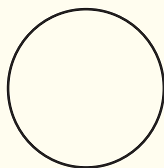
٨. اگر زندانی نتواند به آغاز ماه رمضان یقین کند باید به «گمان» عمل نماید و اگر بتواند «گمان قویتر» داشته باشد نمی‌تواند به «گمان ضعیف تر» عمل نماید؛ در صورتی

که عمل به «گمان» میسر نباشد می‌تواند «یک ماه» را به صورت احتمالی روزه بگیرد و چنان‌چه بعد مشخص شود که روزه‌اش قبل از رمضان بوده باید روزه‌ها را قضا نماید و اگر روزه‌اش بعد از رمضان بوده روزه‌اش صحیح است.



فعالیت

در دوایر زیر سه حالت از حالت‌های ماه را که تا اکنون دیده‌اید ترسیم نمایید.



ارزش‌یابی

۱. آیا دو شهری که نزدیک به هم هستند می‌توانند در یک شب، هلال ماه را رؤیت نمایند چرا؟

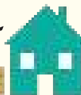
۲. کدام یک از موارد زیر در اثبات هلال ماه صحیح نیست؟

الف) دو نفر شخص عالم به دیدن هلال ماه نو شهادت بدهند.

ب) سی روز از اول شعبان گذشته باشد تا اول ماه رمضان ثابت شود.

ج) حاکم شرع به «حلول ماه نو» حکم دهد.

۳. آیا اول ماه از طریق تلفن ثابت می‌شود چرا؟



کارخانه‌گی

پیرامون فواید و زیبایی‌ها و تاثیرات ماه چند سطر بنویسید.

فطره روزه

هدف: آشنایی با احکام فطره روزه

پرسش: آیا احکام فطره روزه را می‌دانید؟

پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان، در شب عید فطر یعنی شب اول ماه شوال کسانی که شرایط زیر را داشته باشند باید زکاتی را پرداخت نمایند که به آن «فطر روزه» یا «زکات فطره» می‌گویند.

۱. بالغ باشد.

۲. عاقل باشد.

۳. بندهٔ کسی نباشد.

٤. فقیر نباشد.

۵. بیهوش نباشد.

شخص روزه‌داری که به هنگام غروب شب عید فطر، شرایط فوق را داشته باشد، باید برای خود و کسانی‌که در آن زمان نان‌خور او هستند به مقدار یک صاع (سه کیلو گرام) از خوراک معمول شهر، مثل گندم، جو، جواری، کشمش و یا خرما و امثال آن، که مصرف آن در بین مردم شهر معمول است به شخص مستحق بدهد وکسانی که نماز عید می‌خوانند باید فطره روزه را قبل از نماز بپردازند.

شرایط گیرنده فطره روزه

۱. به فقیر و کسی که مخارج سال خود و عیالش را ندارد، داده شود.

۲. به شخص مسکین (کسی که وضعیت زندگی و معیشتی او از فقیر بدتراست) پرداخت شود.

۳. طفل و دیوانه نباشد. در این صورت سرپرست و ولی او می‌تواند فطره روزه را دریافت نماید.

٤. به صورت آشکارا معصیت نکند؛ به طور مثال: شرابخوار و تارک نماز نباشد.

♦ احکامی پیرامون جنس فطره روزه

۱. گندم یا چیز دیگری که به عنوان فطره روزه داده می‌شود باید خالص باشد و با جنس دیگر یا خاک مخلوط نشده باشد و اگر مخلوط بود باید شرایط زیر را دارا باشد.

- خالص آن به یک صاع برسد.
- بدون جداکردن قابل استفاده باشد.
- جداکردن آن زحمت زیاد نداشته باشد.

۱. روزه‌دار نمی‌تواند برای فطره روزۀ یک نفر، نصف صاع را از یک جنس (گندم) و نصف دیگر را از جنس دیگر(جو) بپردازد.

۲. روزه‌دار نمی‌تواند برای فطره روزه، نصف صاع را از جنسی که بهای آن دو برابر جنس معمول آن است به‌جای یک صاع، در نظر گرفته و بپردازد؛ مثلاً نصف صاع از گندم گران‌قیمت را بجای یک صاع از گندم معمولی پرداخت کند.

۳. کسی که فطره روزۀ چند نفر را برعهده دارد می‌تواند فطره روزۀ بعضی را از یک جنس و فطر روزۀ دیگری را از جنس دیگر بپردازد.

احکامی در مورد فطره روزه

۱. در پرداخت فطره روزه باید خویشان و همسایگان و اهل علم و فضل بر دیگران مقدم باشند.

۲. پرداخت فطره روزه باید بعد از اتمام ماه رمضان (غروب خورشید شب عید فطر) باشد و نه قبل از رمضان یا در خود رمضان.

۳. کسانی‌که نماز عید می‌خوانند باید فطره روزه را قبل از نماز بپردازند و در غیر آن برای پرداخت فطره تا ظهر عید فرصت دارند.

٤. روزه‌دار نمی‌تواند فطره روزه را به کسی کـــــه آن را در راه معصیـت مصرف می‌نماید بپردازد.

٥. اگر کسی که فطره روزهٔ دیگری را بر عهده دارد فطره روزه را نپردازد تکلیفی برخود شخص واجب نیست.

٦. اگر شرایط وجوب فطره روزه برای شخصی، تا قبل از غروب شب عید فطر وجود نداشته باشد فطره روزه بر او واجب نیست اما چنان‌چه تا قبل از ظهر روز عید، شرایط فراهم شود فطر روزه بر اوهم واجب می‌شود و باید بپردازد.

۷. کسی که پیش از غروب عید، صاحب اولاد می‌شود و یا ازدواج می‌کند باید فطره روزهٔ اولاد و همسر خود راهم بپردازد.

۸. اگر پیش از غروب شب عید، بچه بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد و یا فقیر غنی شود در صورتی‌که شرایط وجوب فطره روزه را دارا باشد، باید فطره روزه را بپردازد.

۹. مهمانی که پیش از غروب خورشید برصاحب‌خانه وارد می‌شود و نانخور او به حساب می‌آید فطره روزه‌اش نیز بر عهدهٔ صاحبخانه است.

***



فعالیت

شاگردان در دو گروه برای موضوع‌های: «شرایط افراد پرداخت کنندهٔ فطره روزه» و «مصارف فطره روزه »هرکدام یک چارت تهیه نموده و آن را برای صنف ارائه نمایند.



ارزش‌یابی

۱. مقدار فطره روزه ... می‌باشد.

۲. جنس فطره روزه، معمولاً از ... می‌باشد.

۳. آیا می‌توان جنس ناخالصی مثل گندم مخلوط با خاک زیاد را به عنوان فطره روزه پرداخت کرد؟ چرا؟

٤. آیا برای طفلی که پیش از غروب شب عید متولد می‌شود فطر روزه‌ای بر ولی او واجب می‌شود؟

۵. فطره روزه در کدام یک از اوقات زیر واجب می‌گردد؟

الف) قبل از غروب شب عید فطر

ب) همزمان با غروب شب عید

ج) بعد از غروب شب عید

د) طلوع آفتاب روز عید



کارخانه‌گی

با مراجعه به توضیح‌المسایل مراجع تقلید و یا با کمک افراد آگاه، احکام دیگری را در مورد فطره روزه پیدا نموده در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

اهمیت حج

هدف: آشنایی با اهمیت حج

پرسش‌ها

۱. درتصویر زیر چه می‌بینید ؟

۲. شما حج را چگونه عبادتی می‌دانید؟



(... وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ و برای خدا، حج خانه (کعبه) بر مردم واجب است و بر کسی که می‌تواند راهی به سوی آن بیابد و کسی که کفر بورزد یقیناً که خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.)

(سوره آل عمران، آیه۹۷)

حج در لغت یعنی قصد کردن و غلبه نمودن و در اصطلاح یعنی زیارت خانه خدا در زمان‌هایی خاص و با اعمال و شرایطی خاص که برای آن معین گشته است.

حج یکی از مهم‌ترین شعایر مذهبی ما مسلمانان است که جزئی از فروع دین ما به شمار می‌رود و بر هر فرد مسلمانی که شرایط آن را داشته باشد، برای یک‌بار در طول عمرش، واجب می‌گردد.

در مراسم حج، لباس‌ها همه یک شکل، ساده و یک رنگ می‌باشد؛ سادگی آن نشان دهندهٔ پشت کردن به تجملات دنیا است و سفیدی آن نشان دهنده پاکی و صافی از هرگونه آلودگی، گناه و انحراف و ناراستی است.

پرسش

❖ حج در کجا انجام می‌شود؟

❖ آیا حج خانه خدا زمان خاصی دارد؟

حج و زیارت خانهٔ خدا در شهر مکه انجام می‌شود؛ شهر مکه از شهرهای قدیمی و کهن به شمار می‌رود که تاریخ شکل‌گیری آن به زمان حضرت ابراهیمعليه‌السلام و فرزند گرامی‌شان حضرت اسماعیلعليه‌السلام باز می‌گردد. حضرت ابراهیمعليه‌السلام خانه کعبه را به امر خداوند سبحان و به کمک فرزندش حضرت اسماعیلعليه‌السلام بنا کرد و از آن پس، اندک اندک مردم از اطراف و اکناف به دور این خانهٔ مقدس جمع گشته و مسکن گزیدند و بدین ترتیب شهر مکه به خاطر وجود خانه مقدس کعبه شکل گرفته و رونق یافت. مردم از سراسر شبه جزیره عربستان برای زیارت آن خانه مقدس گردهم آمدند و پیروان حضرت ابراهیم خلیلعليه‌السلام که (حنیف) نامیده می‌شدند در این مکان مقدس به پرستش خدای یکتا می‌پرداختند.

با ظهور دین مقدس اسلام، پیامبر اکرمصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم خانه کعبه را از وجود بت‌های که بت‌پرستان مکه در آن نهاده بودند و به‌جای پرستش خداوند یگانه به پرستش آن‌ها می‌پرداختند پاک نمود تا خانه کعبه، که خانهٔ خدا است؛ چنان‌که خداوند متعال فرموده است مکان عبادت و اطاعت او باشد و نه غیر او؛ بدین ترتیب، مسلمانان، هر ساله به زیارت خانه خـــدا می‌شتابند و هر فرد مسلمان که شرایط آن را داشته باشد موظف است که در طول عمر خود، یک بار حج واجب را به‌جا آورد.

حج هر ساله در ماه ذیحجه (آخرین ماه قمری) انجام می‌گردد و میلیون‌ها مسلمان از سراسر جهان، از اقوام، ملیت‌ها، زبان‌ها و نژادهای مختلف، در شهر مکه برای زیارت خانه خدا (کعبه) گردهم می‌آیند و خدای بزرگ را با ذکر «لَبَّیک اللّهُم لَبَّیک» به یگانگی و وحدانیت می‌خوانند و عبادت حج را به‌جا می‌آورند.

حج عبادتی است که علاوه بر بعد معنوی از نظر مادی هم قابل توجه می‌باشد زیرا برای انجام این عبادت با شکوه و انسان ساز، داشتن توانایی، به ویژه توانایی مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و چنان‌چه در قرآن کریم آمده است **ولله علی الناس** شرط اجرای این عبادت، داشتن استطاعت(توانایی) است و شرایطی دیگر که در درس‌های بعدی ذکر خواهد شد.

حج از جمله عباداتی است که علاوه بر بعد فردی، جنبهٔ اجتماعی آن نیز قابل ملاحظه

است. در مراسم عبادی حج، حاجی خود را از تعلقات و وابستگی‌های مادی و دنیایی می‌رهاند و دوشادوش دیگر حاجیان حاضر در مراسم، به عبادت می‌پردازد و این باعث می‌شود تا حاجی با فیض‌بردن از معنویت این عبادت در بازگشت از سفر حج، با وجود تزکیه شده و پاک از گناهان، زندگی نماید چراکه حاجی مهمان خدا است و مکان این ضیافت خانهٔ خدا است بنابراین کسی که حج را با مفهوم و معنای حقیقی به‌جا می‌آورد تحول و دگرگونی عمیق و مثبتی را در زندگی خود مشاهده خواهد نمود.

از سوی دیگر با توجه به اینکه در این مراسم بزرگ عبادی، مسلمانان از سراسر جهان، حضور می‌یابند و همه یک‌دل و یک‌زبان و متحد، خدای یکتا را می‌ستایند، می‌توان حضور باشکوه آنان را نشانهٔ یک‌پارچگی، اتحاد و برادری آنان دانست که بدین ترتیب حضور هر سالهٔ آنان در میعادگاه حج، پیمان دوباره آنان با خداوند متعال در بندگی و فرمانبرداری از او است و اعلان مجدد وحدت، برابری و برادری جامعه اسلامی و این مسأله باعث خواهد شد که مسلمانان در هر حادثه و پیشامدی به یاری و مساعدت یکدیگر بشتابند و یار و یاور هم باشند.



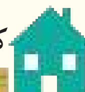
فعالیت

شاگردان متن درس را دقیق مطالعه نموده و در مورد حج و زیارت خانهٔ خدا در چند سطر بنویسند.



ارزش‌یابی

۱. حج را تعریف کنید؟
۲. حج واجب را حج... می‌نامند.
۳. زمان حج... است.
٤. هر یک از موارد زیر چه مفهومی دارد؟
الف: یک شکلی لباس احرام:
ب: سادگی لباس احرام:
۵. حج کردن چه تأثیراتی را در پی دارد؟



کارخانه‌گی

آیه یا حدیثی در مورد حج پیدا نموده در کتابچه‌هایتان بنویسید.

شرایط وجوب حج

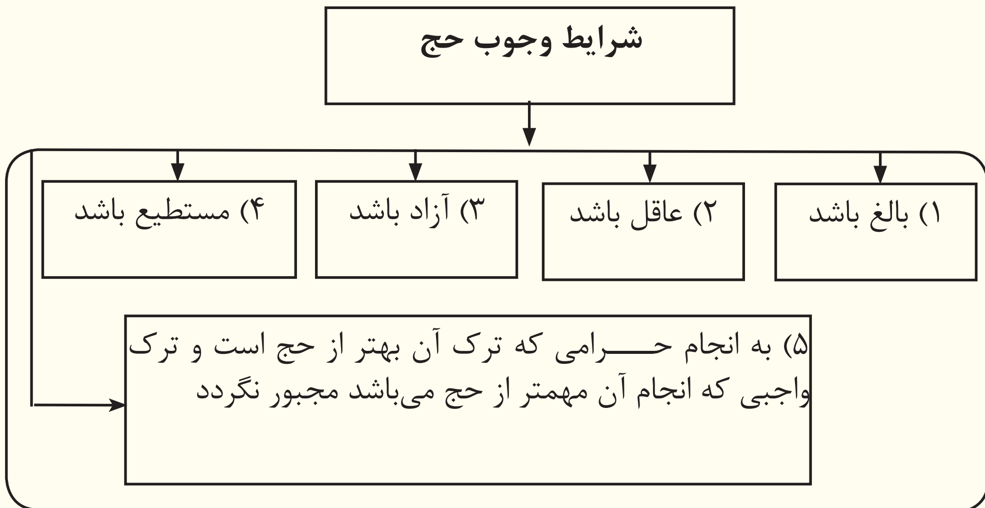
هدف: شناخت شرایط وجوب حج و احکام آن

پرسش‌ها

۱. حج بر چه اشخاصی واجب می‌شود؟

۲. شرایط واجب شدن حج چیست؟

حج، زیارت خانه خدا است که با وجود شرایطی خاص و انجام اعمالی ویژه در زمان و مکانی مشخص، واجب میگردد.



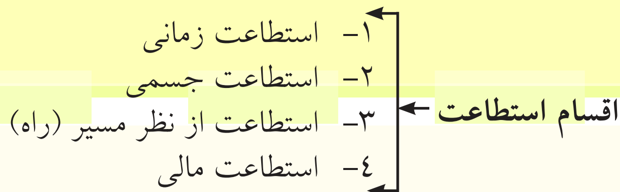
شرح

۱. بلوغ: حج کردن بر کسی واجب است که بالغ شده باشد بنابراین بر کودک واجب نیست.

۲. عقل: عاقل بودن یکی دیگر از شرایط وجوب حج است یعنی در نتیجه دیوانه واجب‌الحج نمی‌گردد.

۳. آزاد باشد: برده و بندهٔ کسی نباشد.

٤. مستطیع باشد: یکی دیگر از شروط واجب شدن حج، داشتن توانایی (استطاعت) است که آن هم به انواع زیرتقسیم می‌شود:



۱- استطاعت زمانی: شخصی که قصد حج دارد باید زمان کافی برای انجام وظایف و اعمال حج داشته باشد.

۲- استطاعت جسمی: برای انجام وظایف حج، داشتن صحت و سلامت بدن از شروط اصلی آن می‌باشد چرا که شخصی بیمار و ناتوان نمی‌تواند وظایف و احکام حج را صحیح و درست بجا آورد بنابراین کسانی‌که دیگر شروط را دارند و تنها از توانایی جسمی برخوردار نیستند باید نایب بگیرند.

۳- استطاعت از نظر راه و مسیر حج: کسانی‌که قصد سفر حج را دارند باید این مسأله را در نظر بگیرند که تنها دارا بودن دیگر شرایط استطاعت، کافی نیست بلکه در صورت ناامن بودن راه و به خطر افتادن جان، مال و آبروی شخص، وجوب حج در آن شرایط از بین می‌رود.

٤- استطاعت مالی: در استطاعت مالی داشتن این موارد ضروری است:

الف - داشتن مخارج رفت و برگشت به حج.

ب - داشتن مخارج ضروریات زندگی.

ج - داشتن شغل یا مسلک یا راه کسب دیگری که پس از برگشت، در زندگی با سختی معیشتی مواجه نگردد.

د - داشتن مخارج کسانی‌که تحت تکفل اوست.

♦ چند حکم!

۱. اگر مخارج رفت و برگشت و مصارف زندگی شخص و افراد تحت تکفلش را به او ببخشند تا حج نماید و او از گفتهٔ آنان اطمینان داشته باشد، حج بر او واجب می‌گردد. اگر چه قرض داشته باشد و در برگشت هم مالی نداشته باشد که بتواند با ان زندگی خود و افراد تحت تکفل خود را بپردازد.

۲. اگر کسی مستطیع شده باشد ولی حج نکند و بعد به خاطر شرایطی چون پیری، مرض یا ناتوانی نتواند حج نماید و به انجام حج در آینده هم امیدی نداشته باشد باید

شخص دیگری را از سوی خود به حج بفرستد.

۳. کسی که نیازش به مسکن جز با خانهٔ ملکی بر طرف نمی‌شود وقتی حج بر او واجب می‌شود که توانایی تهیه خانه را هم داشته باشد.



فعالیت

شاگردان در باره مهم‌ترین نکات درس به صورت گروهی بحث نمایند.



ارزش‌یابی

۱. شرایط وجوب حج را نام ببرید.

۲. حج در کدام یک از موارد زیر واجب می‌گردد؟

الف) کسی که از زمان تولد تکلیف روحی داشته و دیوانه به شمار می‌رود.

ب) کسی که مخارج رفت و برگشت و مصارف زندگی خود و افراد تحت تکلف خویش را قبل و بعد از سفر داشته باشد و به سختی نیفتد.

ج) کسی که مجبور است از منطقه یی جنگی بگذرد.

د) کسی که بعد از حج به فقر و سختی دچار می‌شود



کارخانه‌گی

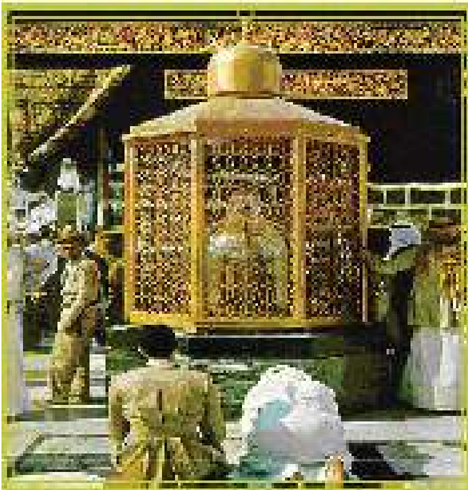
با مراجعه به توضیح‌المسائل و یا افراد آگاه برخی دیگر از احکام حج را پیدا نموده در کتابچه‌هایتان بنویسید.

اقسام حج

هدف: آشنایی با اقسام و اعمال حج

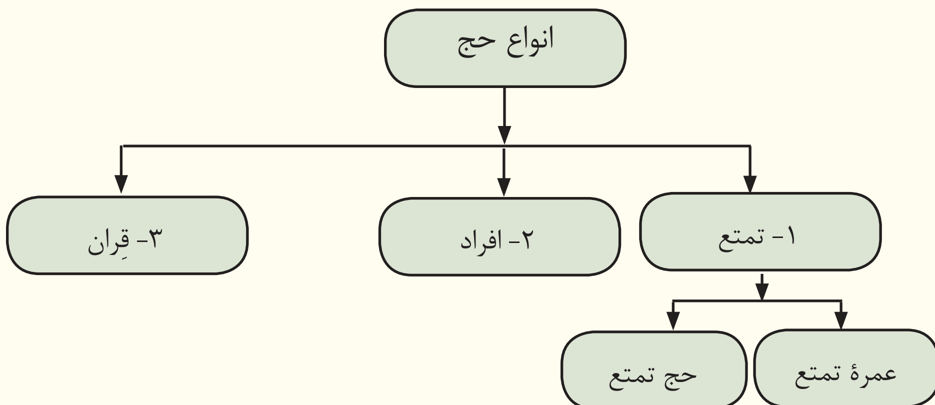
پرسش‌ها

۱. آیا انواع حج را می‌دانید؟
۲. آیا با اعمال حج تمتع آشنایی دارید؟
۳. آیا می‌دانید «وقوف در عرفات» در چه مرحله‌ای از مراسم حج تمتع انجام می‌شود؟



آنچه که شما در تصویر می‌بینید مقام حضرت ابراهیم علیه‌السلام است که در کنار خانهٔ کعبه واقع شده و به هنگام حج مورد زیارت حجاج، قرار می‌گیرد.

حج از نظر موقعیت و محل سکونت فرد مسلمان به سه نوع، تقسیم‌بندی می‌شود؛ چارت زیر، این تقسیم‌بندی را برای شما نمایش می‌دهد.



۱- **حج تمتع:** این حج که حج واجب نامیده می‌شود طبق شرایطی که در درس قبل

بدان اشاره شد بر هر فرد دارای شرایط، برای یک بار در طول عمرش، واجب می‌گردد.
این حج خود به دو نوع تقسیم می‌شود که عبارت است از «عمرهٔ تمتع» و «حج تمتع».
همچنین واجب است که «عمره تمتع» را قبل از «حج تمتع» به‌جا آورند:

حج و عمرهٔ تمتع هر کدام، اعمال و مناسک خاص خود را دارند که در درس آینده بیان خواهد شد.

۲ – **اِفراد:** این حج فریضه‌ای است مستقل از حج تمتع، و بر کسانی واجب می‌شود که فاصلهٔ محل سکونت آن‌ها تا شهر «مکه» کمتر از شانزده فرسخ باشد.

♦ حج افراد چه تفاوتی با حج تمتع دارد؟

به طور کلی، حج اِفراد از نظر اعمال؛ شبیه حج تمتع است تنها در مواردی محدود تفاوت دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

– حج تمتع باید متصل به عمره و بعد از آن باشد در صورتی‌که حج افراد می‌تواند متصل به عمره و در یک سال نباشد.

– در حج تمتع انجام قربانی واجب است اما در حج افراد، قربانی لازم نیست.

– در حج افراد می‌توانیم «طواف» و «سعی» را بر «دو وقوف در عرفات و مشعر» مقدم نماییم در حالیکه در حج تمتع ممکن نیست.

– احرام حج تمتع باید از مکه انجام شود اما احرام حج افراد چنین، نمی‌باشد.

۳– قِران: حج «قِران» در تمام جهات با حج «افراد» یکسان است مگر انکه در حج «قران»به هنگام احرام، شخص مکلف باید قربانی را همراه داشته باشد و بدین جهت «قربانی» بر او واجب می‌شود. و حاجی، مکلَّف است که بر «قربانی» علامت بگذارد.



مناسک حج

برای این فریضه لازم است که ابتدا حج «عمرهٔ تمتع» انجام شود و سپس «حج تمتع» و این دو، از یکدیگر جدا نیستند. بنابراین در ابتدا اعمال «عمرهٔ تمتع» و سپس اعمال «حج تمتع» را به طور خلاصه، بیان می‌نماییم.

اعمال عمرهٔ تمتع عبارت است از



۱- رفتن به «میقات[1]» برای احـــرام بستن به طور مثال از مسجد شجره یا جحفه.

۲- رفتن به «مسجد الحـــــــرام» برای انجام طواف و نماز طواف[2].

۳- انجام «سعی» بین صفا و مروه.

٤- انجام «تقصیـــر» و تمام کردن اعمال عمرهٔ تمتع.

اعمال حج تمتع عبارت است از

۱- حاجی در «مکه» به احرام «حج تمتع» محرم می‌گردد.

۲- در روز عرفه (نهم ذیحجه) برای «وقوف در عرفات» به «عرفات» می‌رود.

۳- در شب عید قربان برای «وقوف در مشعر» به «مشعر الحرام» می‌رود.

٤- روز عید قربان، برای «رمی جمره عقبه» و «قربانی» و «حلق یا تقصیر» به «منا» می‌رود.

❖ حاجی بعد از سه عملی که در روز عید قربان انجام می‌شود یکی از این دو مرحله را پیگیری می‌نماید.

الف- برای «بیتوته» در «منا» می‌ماند.

ب - برای ادامهٔ اعمال به «مکه» می‌رود.

۵- به مکه می‌آید و برای انجام «سه عمل » روز عید، ابتدا برای «طواف حج» و «نماز طواف» به مسجدالحرام می‌رود.

٦- سپس برای انجام «سعی بین صفا و مروه» به مسعی می‌رود.

۷- آنگاه برای «طواف نساء» و «نماز آن» به مسجدالحرام باز می‌گردد.

۸- بعد از تمام کـــــــردن اعمـال فوق، برای بیتوتهٔ شبهای ۱۱ و ۱۲ در «منا» و

---

۱ میقات: به مکانی گفته می‌شود که برای انجام عملی خاص، معین شده باشد به مکان احرام بستن در حج میقات می‌گویند.

۲ طواف :هفت دور به دور خانهٔ خدا گشتن

«رمی جمرات سه گانه» در روزهای ۱۱ و ۱۲ به «منا» برمی‌گردد.

۹– بعد از ظهر روز دوازدهم حجاج از منا خارج می‌شوند و اعمال حج به پایان می‌رسد.

نکته: کسانیکه تا اکنون، اعمال مکه (طواف حج، نماز طواف، سعی و طواف نساء) را انجام نداده‌اند پس از برگشتن به مکه، آن اعمال را به‌جا می‌اورند.





فعالیت

شاگردان به صورت گروه‌های سه‌نفری دربارهٔ اقسام حج و اعمال حج با هم گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

۱. انواع حج را از نظر موقعیت و مکان سکونت حاجی نام ببرید؟

۲. در حج تمتع، کدام یک از اعمال زیر در روز عید قربان انجام می‌شود؟

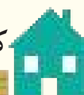
الف– وقوف در عرفات و مشعر و سعی صفا و مروه

ب– رمی جمره، قربانی، تقصیر

ج– وقوف در مشعر، سعی صفا و مروه، طواف

۳. بستن احرام در عمرهٔ تمتع درچه مکانی انجام می‌شود؟

٤. نماز و طواف حاجی در «عمرهٔ تمتع» در چه مکانی به‌جا آورده می‌شود؟



کارخانه‌گی

با کمک افراد آگاه و یا توضیح المسایل مراجع، چند مورد از احکام حج تمتع را در کتابچه هایتان بنویسید.

بخش آداب و اخلاق

(سیره و حدیث)

تقوا (۱)

هدف: شناخت اهمّیت تقوا از نظر اسلام

پرسش ها

۱. تقوا چیست ؟

۲. تقوا چه زمانی در وجود انسان تأثیر می‌گذارد ؟

معنی تقوا

در لغت تقوا از ماده، وقایه به معنی کوشش در حفظ و نگهداری چیزی است. راغب در کتاب مفردات می‌گوید: وقایه به معنی نگهداری اشیاء است در برابر اموری که به آن‌ها زیان و آزار می‌رساند، و تقوا قرار دادن روح است در یک پوشش حفاظتی در برابر خطرها[1].

در اصطلاح تقوا به معنای خویشتن‌داری در برابر گناه است، که با ترک محرمات و مکروهات حاصل می‌گردد. به عبارت دیگر حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق است. امام صادق علیه‌السلام در جواب کسی که از معنای تقوا سؤال کرد فرمود: انجام واجبات و ترک محرمات.[2]

اهمّیت تقوا

تقوا از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا محور همه‌چیز در اسلام تقوا است، بهترین دلیل برای این گفته این است که دوصد و پنجاه مرتبه کلمه تقوا به صورت‌های مختلف در قرآن ذکر شده است. برای فهمیدن اهمّیت تقوا به چند مطلب اشاره می‌شود.

۱. خداوند جل‌جلاله أهل تقوا است: خداوند جل‌جلاله درقرآن خود را اهل تقوا معرفی فرموده است. ﴿هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾ [3] او اهل تقوا و آمرزش است.

۲. پرهیزگاران محبوب خدا جل‌جلاله: خداوند جل‌جلاله در قرآن می‌فرماید: «**بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ**»[4] آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می‌دارد، زیرا) خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

۳. رئیس اخلاق: اگر انسان بخواهد خود را به زیور اخلاق آراسته سازد اول باید لباس

۱ مفردات راغب ماده وقایه
۲ سفینة البحار ج۲ص۶۷۸
۳ سوره مدثر/۵۶
۴ سوره آل عمران /۷۶

تقوا را بپوشد زیرا که در احادیث از تقوا به عنوان بلندترین درجه اخلاق نام برده شده حضرت علی علیه السلام می‌فرماید (التُّقَی رَئِیسُ الْأَخْلاَقِ.) پرهیزکاری رییس اخلاق است[1]

٤. بهترین توشه: خداوند جل جلاله در قرآن می‌فرماید (فَاِنَّ خَیرَالزّاد التّقوي)[2] حضرت علی علیه السلام هم در نهج‌البلاغه از تقوا به عنوان بهترین توشه نام می‌برد.[3]

٥. بهترین لباس: خداوند جل جلاله می‌فرماید (لباسُ التّقوي ذالِكَ خيرٌ)[4] لباس تقوا بهتر است.

٦. بهترین دژ: انسان برای در امان ماندن از دشمن دژ می‌سازد تا در زمانی که با حمله مواجه گردد از آن استفاده نماید. تقوا نیز خاصیتش این است که انسان را از حمله گناه حفظ می‌کند لذا حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه از پرهیزکاری به عنوان پناه‌گاه یا دژ مستحکمی نام می‌برد.[5] حضرت علی علیه السلام در یک جمله زیبا می‌فرماید(بدانید ای بندگان خدا که تقوا قلعه‌ای محکم و شکست ناپذیر است، اما فجور و گناه حصاری است سُست و بی‌دفاع که اهلش را از آفات نجات نمی‌دهد و کسی که به آن پناهنده شود در امان نیست، بدانید انسان تنها به وسیله تقوا از گزند گناه مصون می‌ماند).

٧- داروی هردردی: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید تقوا و ترس از خدا داروی درد، قلبها و بینا کنندهٔ کوری دلها وبهبود دهندهٔ بیماری تنها و اصلاح فساد سینه‌ها و پاکیزگی چرک نفس‌ها و روشنی پوشش دیده‌ها و ایمنی ترس دلها است[6]

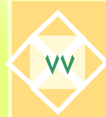
٨.گرامی بودن نزد خدا جل جلاله: «اِنّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللهِ اَتْقیکُم»[7] همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. این آیه به ما می‌فهماند که نزد خداوند جل جلاله فرق ندارد که انسان سیاه باشد یا سفید؛ عرب باشد یا غیر عرب؛ پول‌دار باشد یا بدون پول فقط تقوا داشته باشد که برتری انسان درتقوا است.[8]

نشانه‌های افراد با تقوا

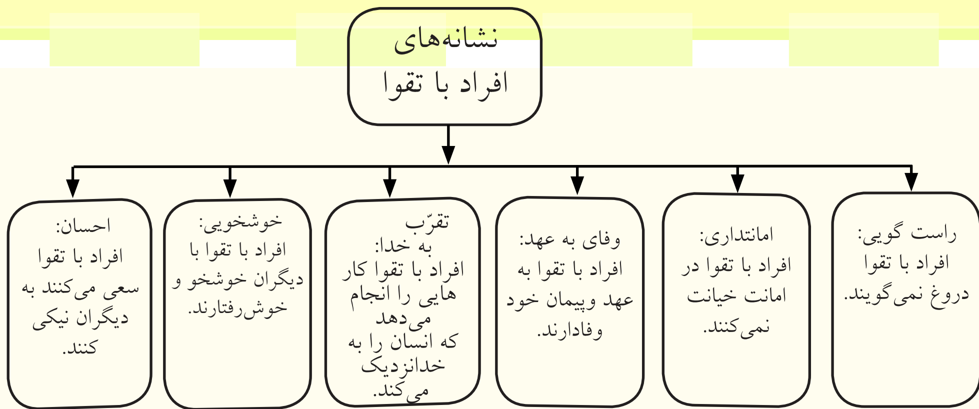
اگربخواهیم افراد با تقوا را بشناسیم در احادیث نشانه‌هایی برای آنان ذکر شده در

---

۱ نهج البلاغه حکمت/۴۱۰
۲ بقره/۱۹۷
۳ نهج البلاغه خطبه ۱۱۳
۴ اعراف/۲۶
۵ نهج البلاغه خطبه ۱۵۶
۶ همان خطبه ۱۸۹
۷ سوره حجرات /۱۳
۸ توجّه: مضامین با لا در آیات: اعراف/۹۶. بقره۲و۵. نساء۱۳۱. اعراف۲۶. انفال۲۹وقصص۸۳آمده



نمودار ذیل به آن نشانه‌ها دقّت کنید.[1]





فعالیت

شاگردان درگروه‌های ٤ نفری جواب سؤالات ذیل را پیدا نمایند.

۱. معنای تقوا از نظر لغت و اصطلاح چیست؟
۲. چگونه انسان با تقوا محبوب خداوند جَلَّ‌جَلالُهُ است؟
۳. بهترین زاد و توشه از نظر قرآن کدام است؟
٤. چه کسی از تقوا به عنوان دژ ارجمندی نام برده است؟



ارزش‌یابی

۱. جملات ذیل را تکمیل کنید

الف- راستگویی ...
ب- خوشخوی ...

۲. درآیه ٧٦سوره آل عمران کدام یک از موارد ذیل اشاره شده است؟

الف- وفای به پیمان و پرهیزکاری
ب- وفای به وعده و انجام واجبات



کارخانه‌گی

ترجمه آیات ذیل را بنویسید

(۱) إِنَّ اللّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَواْ وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ(نحل/۱۲۸)

(۲) وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ(اعراف/٩٦)

۱ الخصال ص۴۸۳حدیث۵۶

تقوا(۲)

هدف: آشنایی با مراحل، نقش و ویژگی‌های افراد با تقوا.

پرسش‌ها

۱. بالاترین مرحله تقوا کدام است؟

۲. چرا در اسلام به تقوا تأکید و سفارش شده است؟

مراحل تقوا

در روایات برای تقوا سه مرحله ذکر شده تا انسان مرحلهٔ اول و دوم را نه پیماید نمی‌تواند به مرحلهٔ سوم که بالاترین و مهم‌ترین مرحله است برسد در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام سه مرحله تقوا به شرح ذیل ذکر شده.

الف- تقوای عوام الناس: اکثر مردم قسم اول را تشکیل می‌دهند و آن عبارت است از این که کارهای حرام را به خاطر که گرفتار عذاب جهنم نشود ترک می‌کنند.

ب- تقوای خواص: یک عدّه از انسان‌ها، کارهایی را که دارای شبهه است یعنی نمی‌داند که حرام است یا نه؟ به خاطر اینکه در حرام نیفتد ترک کند.

ج- تقوای خاص الخاص: یک عدّه بسیار کمی از انسان‌ها این مرحله از تقوا را دارند و آن‌ها کسانی هستند که هرکاری انجام می‌دهند در راه خدا و از برای خدا است به این معنا که حتّی پرهیزکردن‌شان از گناه هم برای خدا است.

نقش تقوا

۱. مانعیت از گناه: تقوا نقش و رول، بریک موتر را دارد، همان‌گونه که بریک نمی گذارد موتر در درّه سقوط کند. تقوا هم انسان را از سقوط در آتش جهنم و عذاب الهی باز می‌دارد.

۲. وسیله سعادت: نقش دیگر تقوا این است که مانند ماشین موتر که باعث حرکت موتر می‌شود. تقوا هم انسان را به سعادت؛ کمال و خوشبختی می‌رساند. به همین دلیل از تقوا به عنوان مرکب راهوار نامبرده شده است. در حدیثی حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید (اما تقوا همانند مرکب‌های راهوار و آرامی است که صاحبانشان بر آن‌ها سوارند و زمامشان را بدست دارند و تا دل بهشت آنان را پیش می‌برند).[۱]

حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه یک مقایسه بسیار زیبایی انجام داده می‌فرماید (بدانید

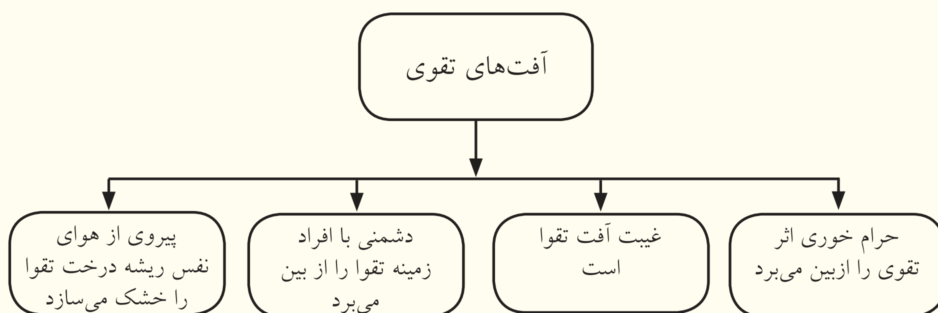
۱ نهج البلاغه خطبه/۱۶

گناهان هم‌چون مرکب‌های سرکش است که گنه‌کاران بر آن‌ها سوار می‌شوند، و لجام‌شان گسیخته می‌گردد، و آنان را در قعر دوزخ سرنگون می‌سازد. اما تقوا مرکبی است راهوار و آرام که صاحبانش بر آن سوار می‌شوند، زمام آن‌ها را به دست می‌گیرند، و تا قلب بهشت پیش می‌تازند) [1] مطابق این تشبیه لطیف، تقوا همان حالت خویشتن‌داری و کنترل نفس و تسلط بر شهوات است، در حالی که بی‌تقوایی تسلیم شدن در برابر شهوات سرکش و از بین رفتن هرگونه کنترل بر آن‌ها است.

ویژگی‌هایی افراد با تقوا: حضرت علی علیه‌السلام چند ویژگی مهم برای افراد با تقوا ذکر کرده است[2]

۱	متّقین گفتارشان با عمل‌شان یکی هستند	۸	در دین داری نیرومند هستند
۲	رفتارشان با تواضع همراه هستند	۹	در عبا دت فروتن هستند
۳	لباس‌شان معمولی هستند	۱۰	خشم خود را فرو می‌نشانند
٤	دامن‌شان پاک هستند	۱۱	خوبی‌های او به همه می‌رسند
٥	چشم خود را از کارهای حرام می‌پوشانند	۱۲	به کسی آزار نمی‌رسانند
٦	دنبال رزق و روزی حلال هستند	۱۳	مردم را به نامه‌ای بد صدا نمی‌زنند
۷	نرم‌خو و از سخن زشت پرهیز دارند	۱٤	در برابر انسان‌های دیگر تکبّر نمی‌ورزند

آفت تقوا: قبلاً اشاره شد که تقوا خاصیت آب زلال را دارد که می‌تواند هرگونه کثافت و نجاست را پاک سازد. اگر آب آلوده شد خاصیت خود را از دست می‌دهد انسان هم اگر به گناه و کار خلاف آلوده شد ویژگی‌های که برای افراد با تقوا ذکر شده از دست می‌دهد. به نمودار ذیل توجّه کنید.[3]



۱ نهج البلاغه خطبه۱۶
۲ همان خطبه ۱۹۳
۳ منتخب میزان الحکمه ج۲ص۱۰۸۳



فعالیت

شاگردان دو نفری پاسخ سؤالات ذیل را پیدا نمایند.

۱. مهمترین مرحله تقوا کدام مرحله است؟
۲. چه رابطه بین تقوا و قبولی اعمال وجود دارد؟
۳. خداوندﷻ قرآن را مایه هدایت برای چه کسانی می‌دانند؟



ارزش‌یابی

۱. تقوا در وجود انسان نقش بریک را دارد یا نقش موتر یا هردو را؟
۲. تقوا خاص الخاص بهتر است یا عوام الناس؟

راستگویی

هدف: شناخت ارزش راست‌گویی دز زنده‌گی.

پر سش

۱. راست‌گویی چه تأثیر درشخصیت انسان دارد؟

مکتب راستی

راست‌گویی: عبارت است از گفتن حرف راست. به تعبیر دیگر راست‌گویی صفت گفتار است معادل این واژه درعربی صدق است. راست‌گویی یکی از فضایل اخلاقی است که نزد دین وخرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که آدم سالم و متعادل، دل وزبانش یکسو و هماهنگ باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند. دلیل این امر این است که اسلام دین فطری است و صداقت نیز خواست فطرت است. بین دین‌داری وصدق درگفتار پیوند مستحکمی وجود دارد. به همین دلیل در اسلام مورد سفارش واقع شده. و اساس نظم و انسجام وآرامش هر جامعه‌ای با تقوات آن امکان‌پذیر است. به تعبیر دیگر این یک نوع درس است نیاز به آموختن دارد. و ما به عنوان مسلمان که پای‌بند به دستورات دینی خود هستیم. می‌توانیم این درس را به خوبی از معلمین این مکتب بیاموزیم و معلمینی را که دین برای ما در این زمینه معرفی کرده است عبارتند از:

۱. **خداوند**ﷻ: از نظر قرآن اولّین معلّم راست‌گویی خداوند متعال است. که قرآن می‌فرماید (**وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلاً**)[۱] و کلام پروردگار تو با راستگویی و عدالت به حدّ تمام رسید.

۲. **پیامبران الهی**عليهم السلام: یکی از ویژگیهایی تمام پیامبران الهی عليهم السلام راستگویی آن‌ها است. به دلیل داشتن همین ویژگی توانستند با موفّقیت رسالت الهی را به پایان برسانند. امام صادق عليه السلام در حدیثی می‌فرماید«إنَّ اللهَ لَم يبعَث نَبياً إلّا بِصِدقِ الحَديث»[۲] خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخت مگر با راستگویی، که یکی از نمونه‌هایی آن حضرت ابراهیم عليه السلام است (**وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيا**)[۳] در این کتاب، ابراهیم را یاد کن که او بسیار راستگو و پیامبر {خدا}بود.

۳. **اولیاء الهی:** اولیاء الهی کسانی هستند که در اثر ایمان و اعمال صالح نزد خداوندﷻ

---

۱ انعام/ ۱۱۵

۲ بحار الانوارج۷۱ ص۲

۳ مریم/ ۴۱

دارای مقام والایی هستند و خداوندﷻ در قرآن یکی از ویژگی‌هایی آنان را راست‌گویی آن‌ها معرفی می‌کند(**یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ وَکُونُواْ مَعَ الصَّادِقِینَ**)[1] ای کسانی که ایمان آورده‌اید از {مخالفت فرمان} خدا بپرهیزید و با صادقان {راست‌گویان}باشید.

آثار راست‌گویی

اگر راست‌گویی در زنده‌گی ما حاکم شود آثار و نتیجه بسیار خوبی برای ما دارد که به برخی از آن‌ها بطور اختصار اشاره می‌شود.

الف. اعتماد و اطمینان: انسان موجود اجتماعی است به این معنا که هر انسانی به دیگری نیازمند است و او به تنهایی نمی‌تواند تمام نیازمندی‌هایش را بر طرف سازد. رفع نیاز انسان بوسیله دیگران زمانی امکان پذیر است که در بین مردم راست‌گویی حاکم باشد تا افراد به یکدیگر اعتماد و اطمینان کند. حضرت علیؑ در حدیثی می‌فرماید(**الصِّدقُ صَلاحُ کُلِّ شَيءٍ اَلکِذبُ فَسادُ کُلِّ شَيءٍ**)[2]راست‌گویی سبب اصلاح هرچیز و دروغ سبب فساد هرچیز می‌شود.

در حدیث دیگری می‌فرماید(**اَلکَذّابُ وَ المَیتُ سَواءٌ فَإنَّ فَضِلَتِ الحَي عَلي المَیتِ الثَّقَهُ بِهِ فَإذا لَم یوثَقُ بِکَلامِهِ فَقَد بَطَلَت حَیاتُهُ**)[3] دروغگو و مرده یکسان است، زیرا برتری انسان زنده بر مرده همان اعتماد به او است هنگامی که به گفتار او اعتماد نباشد زنده بودن او بی اثر است.

ب. مایه آبرو وشخصیت: یکی دیگر از آثار راست‌گویی این است که این صفت در انسان باعث می‌شود درجامعه آبرو و شخصیت کسب کرده همیشه سربلند زنده‌گی کند. حضرت علیؑ می‌فرماید«**عَلَیكَ بِا الصِّدق فَمَن صَدَقَ في اَقوالِهِ جَلَّ قَدرُهُ**»[4] بر تو باد به راست‌گویی، زیرا کسی که در گفتارش صادق باشد مقام و منزلتش بزرگ می‌شود. درخت صدا قت هم زمانی شکوفا می‌گردد که افراد جامعه صداقت را در خانه آموخته باشند.

ج. شجاعت و شهامت: از ویژگی‌هایی دیگری راست‌گویی این است که باعث شهامت انسان می‌گردد. افراد دروغ‌گو همواره در زنده‌گی با حالت ترس و نگرانی از افشاشدن دروغ‌شان به سر می‌برد. امّا افراد راست‌گو در هرجا قدم می‌گذارد با شجاعت است در هر جا حرف می‌زند شهامت دارند.

---

۱ توبه /۹۱۱

۲ شرح غرر آمدی ج۱ ص۲۸۱

۳ همان ج۲ ص۱۳۹

۴ شرح غرر الحکم ج٤ ص۲۹٦

د. نجات ازگناه: یکی از فضایل اخلاقــی که باعث نجات انسان از معصیت و گناه می‌شود راست‌گویی است به این معنا که افراد راست‌گو از اینکه ممکن است به خاطر دروغ‌گویی مجبور شود که به این گناه خود اعتراف کند از اول تصمیم می‌گیرد که هرگز سراغ این گناه نرود. شخصی خدمت پیامبرﷺ آمد و عرض کرد من گرفتار چهار گناه پنهانی (زنا، شرب خمر، دزدی و دروغ) هستم و هرکدام را شما بفرمایید به خاطر شما ترک می‌کنم حضرت فرمود دروغ را ترک کن. یک روزی آن شخص در معرض افتادن به دام زنا قرار گرفت فکر کرد که بعد از این عمل اگر دروغ بگویم پیمان خود را شکسته‌ام و اگر راست بگویم حد شرعی دارد. یک روز دیگری تصمیم به سرقت گرفت باز همین فکر برای او پیدا شد به خدمت پیامبرﷺ آمد عرض کرد یا رسول‌الله تمام راه‌های گناه را بر من بستی و من همه آن‌ها را ترک نمودم.[۱]



فعالیت

۱.اوّلین معلّم صدق و راست‌گویی چه کسی است؟

۲.چه ویژه‌گی باعث شد که پیامبران‌علیهم‌السلام در انجام رسالت الهی موفّق گردند؟

۳.در آیه شریفه قرآن کدام پیامبر به صداقت و راست‌گویی توصیف شده است؟



ارزش‌یابی

به سؤالات ذیل پاسخ دهید

الف) راست‌گویی چگونه می‌تواند باعث اعتماد و اطمینان گردد؟

ب) چه رابطه‌ای بین راست‌گویی و شخصیت پیداکردن انسان وجود دارد؟

ج) رابطهٔ راست‌گویی و نجات از گناه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

---

۱ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج۶ ص۳۵۷

راستی

هدف: آشنایی شاگردان با ارزش راستی

پرسش: راستی به چه معنا است؟

در درس گذشته با راست‌گویـــی آشنا شدید. در این درس با ارزش راستی آشنا می‌شوید.

راستی از نظر لغت به معنای استقامت، قوام و درست‌کاری است معادل این واژه در عربی صداقت است. تفاوتی که بین راست‌گویی و راستی وجود دارد این است که راست گویی صفت قول وگفتار است امّا راستی دایره وسیـــع دارد شامل گفتار و رفتار هر دو می‌شود. که هرکدام در این درس توضیح داده می‌شود.

انواع راستی

۱. **راستی درگفتار:** خداوند متعال زبان را (که یکی از اعضای بسیار مهم در وجود انسان است) در اختیار انسان قرار داده تا بوسیله آن، آنچه که در نهاد انسان قرار دارد آشکار ساخته، شخصیت باطنی خود را برای دیگران نشان دهد به تعبیر دیگر زبان بیان کننده چیزی است که در افکار و باطن انسان وجود دارد به همین جهت زبان را ترجمان دل گفته است و لازم است که انسان از این وسیله برای کارهایی خوب استفاده کند. یکی از آن کارهایی خوب راست‌گویی است. انسان باید تلاش وکوشش نماید که همواره گفتارش صادق باشد به این معنا که اگر با خدا حرف می‌زند و از او چیزی را می‌خواهد یا به خدا قول می‌دهد که اگر پیش از این گناه می‌کرد دیگر گناه نکند اگربا پدر و مادر حرف می‌زند به آن‌ها وعده می‌دهد، اگر با دوست و رفیق خود گپ می‌زند اگر با سایر افراد در مکتب؛ اجتماع حرف می‌زند. راست بگوید و به وعده‌های که می‌دهد عمل کند. آنگاه در جامعه، مکتب، خانه و از همه مهمتر نزد خدا اعتبار پیدا کرده مصداق این حدیث شریف قرار می گیرد که می‌فرماید **(قَدرُ الرَّجُلِ عَلي قَدرِهِمَّتِهِ،وَصِدقُهُ علي قَدرِمُرُوّتِهِ)**[1] ارزش مرد به اندازه همت او است و راستی او به اندازه انسانیتش.

۲. **راستی در کردار:** به این معنا که انسان هر کاری را انجام می‌دهد صادقانه انجام دهد دلیل اهمّیت این امر آن است که:

الف– کار صادقانه به اعتبار انسان می‌افزاید و باعث می‌شود در خانواده، در جامعه به حیثیت و اعتبار او افزووده شود.

---

۱ نهج البلاغه حکمت ۴۷

ب- ما به عنوان یک مسلمان اعتقاد و باور داریم که هرکاری انجام می‌دهیم مورد محاسبه قرار می‌گیرد و انسان باید جواب‌گوی اعمال خود باشد. طبق آموزه هایی دین، یکی از وجایب انسان این است که بکوشد رزق و روزی که بدست می‌آورد از راه حلال باشد زیرا انسان وظیفه دارد که هم خود را و هم خانواده خود را از گرفتار شدن در دام عذاب الهی حفظ بکند از باب مثال کسی که در ادارات دولتی یا در فابریکه‌های خصوصی مصروف کار است. کار خود را به خوبی انجام دهد تا آن پولی که در مقابل کار خود دریافت می‌دارد پول حلال باشد در غیر این صورت هم خود معصیت کرده و هم گناه فامیل را به گردن گرفته است و در روز قیامت هم جواب‌گویی کار خود خواهد بود. هم جواب‌گویی فامیل که آن‌ها را به حرام‌خوری مبتلا کرده است.

عرصه‌هایی صداقت راستی

لازم است با بعضی مواردی که صداقت و راستی در آن‌ها مورد تأکید و سفارش دین مقدس اسلام است آشنا شویم و صداقت در آن عرصه‌ها از این جهت اهمّیت دارد که بسیاری از اختلافات خانوادگی بین زن و شوهر؛ والدین و فرزندان، نزاع‌هایی بین دوستان، همسایه؛ اجتماع و مشکلاتی که در عرصه سیاسی در یک کشور به وجود می‌آیـــد بر می‌گردد به همین مسأله. اگر صداقت به عنوان استوارترین بنیان دوستی در جا معه انسانی حاکم گردد زمینهٔ هرگونه مشکلی از بین خواهد رفت. برای پی بردن به اهمیت صداقت و راستی بعضی از عرصه‌هایی که صداقت می‌تواند نقش مهمی داشته باشد مورد اشاره قرار می‌گیرد.

الف- خانواده: خانه کانون پرورش وتربیت است در سعادت و خوشبختی یا شقاوت و بدبختی اعضای یک خانواده، صداقت، نقش بسیار مهم دارد روی این اساس یکی از سفارشاتِ دین مبین اسلام این است که اعضای خانواده باید با همدیگر صادق باشند. مخصوصاً صداقت والدین، که فرزندان آن‌ها را الگویی خودشان می‌دانند و از آن‌ها پیروی می‌کنند بسیار مهم است. اگر زن و شوهر با هم‌دیگر بر اساس صداقت زنده‌گی را پیش نبرند بین آن‌ها هیچ‌گاه اعتماد و صمیمت به وجود نمی‌آید و نبود اعتماد زمینه بسیاری از اختلافات را به وجود می‌آورد نه تنها خود آن‌ها مشکلات فراوان پیدا می‌کنند که این مشکلات به اولاد آن‌ها نیز سرایت کرده، سلامت روحی و روانی آن‌ها را با مشکل مواجه می‌سازند به گونه‌ای که خانه را دیگر جای أمن برای زنده‌گی خودشان نمی‌بینند.

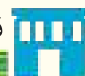
ب- اجتماع: در یک جامعه افراد مختلف با نیازهایی مختلف و توانای‌های گوناگون زنده‌گی می‌کنند. استواری و پایداری آن جامعه به اعتماد افراد با یکدیگر بستگی دارد و اعتماد هم وقتی به وجود می‌آید که صداقت وجود داشته باشد. وقتی انسان در جامعه با صفت صداقت، شناخته شد. همه به او اعتماد می‌کند و سخن اورا درست می‌شمارد. در درسِ قبل با این حدیث آشنا شدید که حضرت علی می‌فرماید «**عَلَيكَ بِا الصِّدق فَمَن صَدَقَ فِي اَقوالِهِ جَلَّ قَدرُهُ**»[1] بر تو باد به راست‌گویی، زیرا کسی که در گفتارش صادق باشد

[1] شرح غرر الحکم ج۴ ص۲۹۶

مقام و منزلتش بزرگ می‌شود. درخت صداقت هم زمانی شکوفا می‌گردد که افراد جامعه صداقت را در خانه آموخته باشند.

ج- درعرصه سیاست و حکومت‌داری: می‌دانیم شکوفاسازی تنها به اعضای یک خانواده و افراد جامعه که به یکدیگر نیاز دارد محدود نمی‌شود بلکه شامل حاکمان نیز می‌شود به این معنا که اعضای حکومت باید با خودشان و مردمی که بر آن‌ها حکومت می‌کنند صداقت داشته باشند وقتی مردم صادقانه در انتخابات شرکت می‌کنند با نیت پاک رییس‌جمهور یا نمایندگان پارلمان را انتخاب می‌کنند در مقابل آن‌ها نیز با مردم صادق و راست باشند به شعارهایی که میدهند عمل کنند و از اعتماد مردم سوء استفاده نکنند.

به داستان ذیل که یک نمونه بسیار کوچک از صداقت پیامبر ﷺ با مردم است توجه کنید یکی از فرزندان پیامبر ﷺ بنام ابراهیم از دنیا رفت، پس از مرگ او خورشید گرفت مردم فکر کردند که این خورشیدگرفتگی به خاطر مرگ ابراهیم اتفاق افتاده ولی پیامبر ﷺ مردم را جمع کرد به آن‌ها اعلام نمود خورشید گرفتگی ربطی به مرگ فرزند من ندارد.[1]



فعالیت

شاگردان درباره موضوعات ذیل باهم گفتگو نمایند

۱.راستی درگفتار

۲. اهمیت صداقت درخانواده

۳.رابطه صداقت وحساب روز قیامت



ارزش‌یابی

الف.حاکمان چگونه می‌توانند بامردم صداقت داشته باشند؟

ب.صداقت چگونه اعتبار انسان را دراجتماع افزایش می‌دهد؟

ج.اگر درخانواده صداقت وجود نداشته باشد چه مشکلی پیش می‌آید؟



کارخانه‌گی

در آیه شریفه ذیل سه نکته مهم مورد توجه قرار گرفته آن نکات و رابطه آن‌هارا بنویسید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ وَكُونُواْ مَعَ الصَّادِقِينَ﴾[2]

---

۱ سیره پیامبر ،محسن قرا ئتی ص۴۲

۲. سوره توبه /۱۱۹

جهاد با نفس

هدف: آشنایی با معنای جهاد با نفس

پرسش‌ها

۱. به نظر شما منظور از جهاد با نفس چیست؟

۲. جهاد با نفس چه فایده دارد؟

شاید شما لفظ جهاد را زیاد شنیده باشید آیا فکر کرده‌اید که جهاد به چه معنا است؟ جهاد در لغت به معنای تلاش و کوشش است.

از نظر اصطلاح جهاد عبارت است از مبارزه با دشمن، با دانستن معنای جهاد از نظر لغت و اصطلاح حتماً این سؤال در ذهن شما به وجود آمد که منظور از جهاد با نفس چیست؟ برای روشن شدن پاسخ این سؤال به توضیح ذیل توجّه نمایید: ما دو نوع دشمن داریم یکی دشمن بیرونی به طور مثال ما که در کشوری به نام افغانستان زنده‌گی می-کنیم باید کشورهای دیگر استقلال ما را احترام بگذارند به کشور ما حمله نکنند اگر یک کشوری حمله کرد برای ما جهاد و مبارزه بر علیه آن کشور متجاوز واجب است.

دشمن دیگر دشمن درونی است که در وجود ما جای دارد و با لشکر خود از درون بر ما حمله می‌کند و آن دشمن عبارت است از هوای نفس است. این دشمن بسیار خطرناک‌تر از دشمن خارجی است. در یکی از جنگ‌ها بعد از پیروزی مسلمانان بر دشمن، پیامبر ﷺ بعد از خواندن فاتحه، جهت شادی روح شهداء، به اصحاب و یاران فرمود خداوند ﷻ رحمت کند قومی را که در جهاد اصغر پیروز شدند و جهاد اکبر، برآن‌ها باقی مانده است یکی از یاران عرض کرد یا رسول‌الله جهاداکبر چیست؟ فرمود جهاد با نفس[1] از این بیان متوجّه می‌شویم که پیروی کردن از هوای نفس بسیار خطرناک است. لذا خداند ﷻ در قرآن پیروی کردن از هوای نفس را باعث گمراهی میداند ﴿**وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ**﴾[2] از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا بیرون می‌کند.

ثمرات جهاد با نفس

همان‌گونه که مبارزه و جهاد با دشمن بیرونی باعث می‌شود یک کشور از خطرات نا امنی و... رهایی یابد. جهاد و مبارزه با دشمن درونی نیز فایده‌های زیادی برای ما دارد که در احادیث و روایات به خوبی بیان گردیده.

---

۱ نهج البلاغه خطبه ۲۳۰

۲ سوره ص/۲۶



۱. **محوعادت بد:** رسول گرامی اسلامﷺ فرمود است «جهاد با نفس عادت بد را از بین می برد»

۲. **حکمت دل:** باز آن حضرتﷺ فرمـــــود «با جهاد با نفس دل را حکمت فرا می‌گیرد»

۳. **پاک شدن نفس:** حضرت علیؑ فرمود «با خواهش نفست پیکار کن تا نفست پا کیزه شود»

٤. **در بردارنده همهٔ خوبی‌هایی دنیا وآخرت:** از حضرت رضاؑ سؤال شد چه کاری همه خوبی‌های دنیا و آخرت را در بر دارد؟ فرمود مخالفت با نفس.

۵. **راه موافقت با حق:** رسول خداﷺ فرمود «راه موافقت با حق مخالفت با نفس است»

الگوی جهاد با نفس

مردی درشت‌استخوان و بلندقامت که اندامی ورزیده و چهرهٔ آفتاب خورده داشت و زد و خوردهای میدان جنگ یادگاری بر چهره‌اش گذاشته و گوشهٔ چشمش را دریده بود، با قدم‌های مطمین و محکم از بازار کوفه می‌گذشت. از طرف دیگر، مردی بازاری در دکانش نشسته بود. او برای آنکه موجب خنده رفقا را فراهم کند، مشتی زباله به طرف آن مرد پرت کرد. مرد عابر بدون اینکه خم به ابرو بیاورد و توجه کند، همان‌طور با قدم‌های محکم و مطمئن به راه خود ادامه داد. همین‌که دور شد یکی از رفقای مرد بازاری به او گفت: هیچ شناختی این مرد عابر که تو به او اهانت کردی کی بود؟

نه، نشناختم! عابری بود مثل هزارها رهگذر دیگر که هر روز از جلو چشم ما عبور می‌کنند، مگر این شخص کی بود؟

عجب! نشناختی؟ این عابر همان فرمانده و سپهسالار معروف، (مالک اشتر نخعی) بود. عجب! این مرد مالک اشتر بود؟! همین مالکی که دل شیر از بیمش آب می‌شود و نامش لرزه بر اندام دشمنان می‌اندازد؟ بلی مالک خودش بود.

ای وای به حال من! این چه کاری بود که کردم الان دستور خواهد داد که مرا سخت تنبیه و مجازات کنند. همین حالا می‌روم و دامنش را می‌گیرم و التماس می‌کنم تا مگر از تقصیر من صرف نظر کند. به دنبال مالک اشتر روان شد. دید او راه خود را به طرف مسجد کج کرد. به دنبالش به مسجد رفت، دید به نماز ایستاد. منتظر شد تا نمازش را سلام داد. رفت و با تضرع و زاری خود را معرفی کرد و گفت: من همان کسی هستم که

نادانی کردم و به تو جسارت نمودم.

مالک: ولی من به خدا قسم! به مسجد نیامدم مگر به خاطر تو؛ زیرا فهمیدم تو خیلی نادان و جاهل و گمراهی، بی‌جهت به مردم آزار می‌رسانی. دلم به حالت سوخت، آمدم درباره تو دعا کنم و از خداوندﷻ هدایت تو را به راه راست بخواهم. نه، من آن طور قصدی که تو گمان کرده‌ای دربارهٔ تو نداشتم.



فعالیت

شاگردان در گروپ‌های ٤ نفری در مورد حدیث پیامبرﷺ درباره جهاد اکبر بحث و گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

جهاد با نفس به چه معنا است؟

جملات ذیل را تکمیل کنید

الف- با جهاد با نفس...

ب- راه موافقت...

ج- ...تا نفست پاکیزه شود

د- او را یک شخص بزرگوار ...



کارخانه‌گی

درآیه(**يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ**)[١] هفت مطلب مهم ذکر شده بنویسید.

---

١. سوره ص آیه۲۶

حسن خلق

هدف: آشنایی شاگردان با ارزش و فضیلت حسن خلق

پرسش‌ها

۱. حسن خلق چیست؟

۲. چگونه انسان می‌تواند دارای اخلاق نیکو گردد؟

حسن خُلق یعنی رفتار و گفتار نیکو، رفتار و گفتار خوب مانند یک کمند است و کسی که این کمند را دارد علاوه بر اینکه خودش از زنده‌گی لذت می‌برد. می‌تواند دیگران را در دام محبت خود اسیر سازد.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: **صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ، وَ الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ، وَ الاِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ.** سینه عاقل صندوقچهٔ راز اوست و خوش‌رویی دام دوستی است و برد باری، گورگاه زشتی‌ها.

۱. معنای حسن خلق: شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید معنای حسن خلق چیست؟ حضرت فرمود: معنای حسن خلق این است که:

الف – نرمخو و مهربان باشی

ب– گفتارت پاکیزه و مؤدّبانه باشد

ج– و با چهره باز و گشاده با برادرانت (مردم) برخورد کنی[1]

یکی از صفات بارزی که قرآن برای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ذکر می‌کند(که با آن صفت بارز توانست رسالت خود را به خوبی انجام داده مردم را به سوی دین اسلام جذب کند) گشاده رویی آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که خداوند جل‌جلاله در قرآن می‌فرماید **(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ)**[2] پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

اهمّیت حسن خلق در خانواده

سعدبن‌معاذ در زمان رسول خدا زنده‌گی می‌کرد وقتی از دنیا رفت. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با پای برهنه در تشییع جنازه او شرکت فرمود با دستان مبارک از زیر تابوت او گرفت خود آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شخصاً جنازه او را در بین قبر گذاشت. خاک را بر روی قبر او ریخت مادر سعد همه این صحنه‌ها را تماشا می‌کرد نزدیک قبر فرزندش آمد گفت فرزندم بهشت بر

۱ معا نی الاخبار صدوق ص۲۵۳

۲ آل عمران /۱۵۹

تو گوارا باشد پیامبر ﷺ از او سؤال کرد تو به چه دلیل می‌گویی بهشت بر او گوارا باشد؟ مادر سعد گفت معلوم است کسی که رسول خدا ﷺ در تشییع جنازه او اشتراک ورزد خود شخصاً او را در بین قبر بگذارد او بهشتی است پیامبر ﷺ فرمود او هم اکنون تحت فشار شدید قبر قرار دارد وقتی پیامبر ﷺ با اصحاب به خانه برگشتند اصحاب سؤال کردند یا رسول الله شما شخصاً در تشییع جنازه سعد اشتراک ورزیدید بر بدن او نماز خواندید او را در قبر گذاشتید با همه این کارها که در مورد هیچ‌کس سابقه نداشت فرمودید او تحت فشار قبر قرار دارد حضرت ﷺ فرمود به خاطر بد اخلاقی که در خانه با خانواده اش داشت آن بد خلقی سبب آن فشار گردید.[1]

راه‌های بدست آوردن حسن خلق: حضرت علی علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید حسن خلق از سه راه بدست می‌آید[2]

الف- انسان از کارهای حرام دوری کند.

ب- رزق و روزی حلال بدست آورد.

ج- برای خانواده خود آسایش را فراهم آورد.

معلومات ویژه

جمعی نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودند تا هر کدام از اخلاق پیامبر ﷺ بهره‌ای ببرند از بهشت، رحمت الهی و حسابرسی قیامت سخن به میان آمد پیامبر ﷺ فرمود هر کس دارای سه صفت باشد خداوند جل‌جلاله در روز قیامت حساب او را آسان می‌گیرد و او را وارد بهشت ساخته از رحمت واسعه خود بهره مند می‌سازد شاگردان سؤال کردند آن سه صفت چیست؟ فرمود عطا کنی به کسی که تو را محروم کرده (پیوند با کسی که از تو بریده) ببخشی کسی را که به تو ستم کرده.[3]



فعالیت

شاگردان دربارهٔ اهمیت حسن‌خلق در خانواده و جامعه در گروپ‌های ۳ نفری گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

۱. راه‌های تحصیل حسن خلق از نظر روایات کدام‌ها اند؟

امام صادق علیه‌السلام در معنای حسن خلق فرمود: گفتارت...

۱ داستانهای بحار الانوارج۲ص ۹۰-۸۹
۲ بحار الانوار ج ۷۱ حدیث ۶۳ص ۳۹۴
۳ تفسیرمجمع البیان ج۱۰ذیل آیه ۸سوره انشقاق

سخاوت

هدف: آشنایی با معنا و مفهوم سخاوت

پرسش‌ها

۱. سخاوت به چه معنا است؟

۲. انسان‌های سخاوتمند چه ویژگی‌های دارند؟

توکز محنت دیگران بی‌غمی   نشاید که نامت نهند آدمـــی

معنای سخاوت: سخاوت عبارت است از بخشندگی، مردم‌نوازی و رسیدگی به بینوایان،[1] به انسانی سخاوت‌مند و جوان‌مرد گفته می‌شود که به شکرانه قدرت و توان مالی، بدنی و عاطفی که خداوند سبحان ﷻ داده است به دیگران خیری برساند.

ای صاحب کرامت شکرانه سلامت   روزی تفقّدی کن، درویش بینوا را

سخاوت یکی از صفات اخلاقی است که در احادیث و روایات بسیار مورد تأکید قرار گرفته است حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید {**السخاء خلق الانبیاء**، سخاوت خصلت وشیوه پیامبران گرامی است[2]} باارزش ترین وبهترین سخاوت آن است که درهنگام ضرورت ونیاز انجام گیرد باز حضرت می‌فرماید {خیر السخاء ما صدف موضع الحاجت[3]}

نمونه‌ای از سخاوت رسول گرامی اسلام ﷺ

علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام، از طرف پیغمبراکرم ﷺ، مامور شد به بازار برود و پیراهنی برای پیغمبر بخرد. رفت و پیراهنی به دوازده درهم خرید و آورد. رسول اکرم ﷺ پرسید: این را به چه مبلغ خریدی؟. به دوازده درهم. این را چندان دوست ندارم، پیراهنی ارزانتر از این می‌خواهم، آیا فروشنده حاضر است پس بگیرد؟ نمی‌دانم یا رسول‌الله. برو ببین حاضر می‌شود پس بگیرد. علی پیراهن را با خود برداشت و به بازار برگشت. بفروشنده فرمود: پیغمبر خدا، پیراهنی ارزانتر از این می‌خواهد، آیا حاضری پول ما را بدهی و این پیراهن را پس بگیری؟ فروشنده قبول کرد و علی پول را گرفت و نزد پیغمبر آورد. آن‌گاه رسول اکرم و علی با هم به طرف بازار راه افتادند؛ در بین راه چشم پیغمبر به کنیزکی افتاد که گریه می‌کرد. پیغمبر نزدیک رفت و از کنیزک پرسید: چرا گریه می‌کنی. (اهل خانه به من

---

۱ دهخدا ماده سخی

۲ غررالحکم شماره ۸۴۳۶

۳ غررالحکم شماره ۸۶۵۰

چهار درهم دادند و مرا برای خرید به بازار فرستادند؛ نمی‌دانم چطور شد پول‌ها گم شد. اکنون جرأت نمی‌کنم به خانه برگردم . رسول اکرم ﷺ چهار درهم از آن دوازده درهم را به کنیزک داد و فرمود: هرچه می‌خواستی بخری بخر و به خانه برگرد. و خودش به طرف بازار رفت و جامه‌ای به چهار درهم خرید و پوشید. در مراجعت برهنه‌ای را دید، جامه را از تن کند و به او داد. دو مرتبه به بازار رفت و جامه ای دیگر به چهار درهم خرید و پوشید و به طرف خانه راه افتاد. در بین راه باز همان کنیزک را دید که حیران و نگران و اندوهناک نشسته است، فرمود: چرا به خانه نرفتی؟ یا رسول اللهّ! خیلی دیر شده می‌ترسم مرا بزنند که چرا این قدر دیر کردی. بیا با هم برویم، خانه‌تان را به من نشان بده، من وساطت می‌کنم که مزاحم تو نشوند. رسول اکرم ﷺ به اتفاق کنیزک راه افتاد همین که به پشت در خانه رسیدند کنیزک گفت: همین خانه است (رسول اکرم ﷺ از پشت در با آواز بلند گفت :(ای اهل خانه سلام علیکم. (جوابی شنیده نشد. بار دوم سلام کرد، جوابی نیامد. سومین بار سلام کرد، جواب دادند): **اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا رَسُولَ اللّٰهِ وَرَحْمَةُاللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ.** چرا اول جواب ندادید؟ آیا آواز ما را نمی‌شنیدید؟ چرا همان اول شنیدیم و تشخیص دادیم که شمایید. پس علت تأخیر چه بود؟ یا رسول اللهّ! خوشمان می‌آمد سلام شما را مکرر بشنویم، سلام شما برای خانه ما فیض و برکت و سلامت است. این کنیزک شما دیر کرده، من اینجا آمدم از شما خواهش کنم او را مواخذه نکنید یا رسول اللّٰه! به خاطر مقدم گرامی شما، این کنیز از همین ساعت آزاد است. پیامبر ﷺ گفت: خدا را شکر! چه دوازده درهم پر برکتی بود، دو برهنه را پوشانید و یک برده را آزاد کرد.

دست سخاوتمند

حاتم طایی به سخاوت‌مندی مشهور بود مدّت‌ها بعد از مرگ او بارانی شدیدی بارید قبر او در معرض خطر سیل قرار گرفت به گونه‌ای که نزدیک بود سیل قبر او را ویران سازد پسرش خواست بدن او را بیرون آورده درجای دیگری دفن نماید تا از خطر سیل نجات پیدا کند وقتی قبر او را باز کرد دید تمام بدن او متلاشی شده به جز دست راستش مردم تعجّب کردند که چگونه دست راست او سالم مانده است؟ یک انسان متدینی که از آنجا گذر می‌کرد گفت: تعجّب نکنید حاتم با این دست عطای بسیار به بیچارگان داده و سلامت ماندن دست او نتیجه همان سخاوت و بخشش است.[1]

[1] پندهای جا ویدان ،محمد محمدی اشتهار دی ص۱۵۷



فعالیت

شاگردان درگروه‌های ۳ درباره سخاوت باهم بحث نمایند.



ارزشیابی

در جملات ذیل جا هایی خالی را تکمیل کنید.

الف- سخاوت مو جب ....

ب- ......تخم دوستی می‌افشاند

ج- بهترین انسان.....سخاوتمندان است

د-....درخت خرد مندی است



کارخانه‌گی

در بارهٔ سخاوت مقاله‌ای در ۵ سطر بنویسید.

عزّت نفس

هدف: آشنایی با ارزش عزّت نفس

پرسش‌ها

۱. معنای عزّت چیست؟

۲. انسان چگونه می‌تواند عزّت‌نفس خود را حفظ کند؟

معنای عزّت: عزّت به معنای صلابت؛ استواری، و نفوذ ناپذیری است. عزّت‌نفس به این معنا است که اگر انسان گرفتار فقر شد با دراز کردن دست نیاز به کسی آبرو و شرف خود را زیر پا نگذارد. اگر انسان مواجه شد با یک انسان بد زبان، فحّاش و کم شخصیت خود را با او روبرو نسازد تا آبروی او را ببرد.

قیمت انسان: حضرت علی علیه‌السلام درباره جایگاه و ارزش وجـــــــود انسان چنین بیان می‌فرماید(**أنّهُ لَیسَ لأنفُسِکُم ثَمَنٌ الّا الجَنّةَ فَلا تَبیعُوها الّا بِها**)[1] بدانید که برای جان و وجود شما قیمت و بهای جز «بهشت» نیست آگاه باشید و خود را جز به بهشت نفروشید.

عزّت و آزادی: خداوندجل‌جلاله به انسان هم عزّت داده است و هم نیروی اراده و اختیار تا آزاد زنده‌گی کند زیر بار ذلّت و خواری نرود اگر کسی عزّت خود را زیر پا گذاشت آزادی خود را نیز از دست می‌دهد حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید (**وَأَکرِم نَفسَكَ عَن کُلِّ دَنِیةٍ وَإن سَا قَتكَ إلَي الّرَغا ئِب فَإنَّكَ لَن تَعتاضَ بِما تَبذُلُ مِن نَفسِكَ عِوَضاً وَلا تَکُن عَبدَ غَیرِ كَ وَقَد جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً**)[2] و گرامی دار نفست را از هر پستی و خواری، هرچند تو را به نعمت‌های بی شماری برساند، زیرا هرگز در برابر آنچه از عزّت خود از دست می‌دهی قیمتی نخواهی یافت و بنده‌ای دیگران نباش که خدا تو را آزاد آفریده است.

قطرات آبرو: گوهر وجود انسان خیلی ارزش دارد ولی گاهی انسان آن گوهر را با قیمت بسیار ارزان از دست می‌دهد با یک بار دراز کردن دست نیاز به سوی کسی آبروی چندین ساله خود را از دست می‌دهد حضرت علی علیه‌السلام یک جمله بسیار زیبای دارد که می‌فرماید: (**ماءُ وَجهِكَ جامِدٌ تُقطِرُهُ السّؤال فَانظُر عِندَ مَن تُقطِرُهُ**)[3] آبروی تو جامد است و با سؤال و درخواست، قطره قطره می‌ریزد. بنگر که قطرات آبرو را پیش چه کسی می‌ریزی؟

---

۱ نهج البلاغه حکمت ۴۵۶

۲ هج البلاغه نامه ۳۱

۳ خمان حکمت ۳۴۶

این دو حدیث شریف نشان می‌دهد که دست نیاز به سوی دیگران دراز کردن و خواستن مانند یک چاه است که اگر انسان در این چاه خود را انداخت باید با ریسمان دیگران بیرون بیاید زیرا که انسان با این کار عزّت خود را در همان چاه دفن کرده وکرامت خود را به قیمت خواستن از دیگران فروخته است.

به آبروی، اگر بی نان بمانم　　　بسی بِه زان که نان زدو نان خواهم

پیامبرﷺ معلّم عزّت: یکی از اصحاب پیامبر اسلامﷺ در تنگ‌دستی شدید قرار گرفت. روزی زنش به او گفت برو پیش پیامبر و از او تقاضای کمک کن همین‌که آن مرد پیش پیامبرﷺ آمد قبل از آن که چیزی از رسول خدا بخواهد آن حضرت فرمود: هر کس چیزی از ما بخواهد به او می‌دهیم امّا اگر عزّت خود را حفظ کند خداوندﷻ او را بی نیاز خواهد کرد. آن مرد خیال کرد حتماً منظور پیامبرﷺ من هستم به خانه برگشت زنش گفت تو باید مشکل خود را به پیامبرﷺ می‌گفتی بار دوم که آمد باز همان کلمه را از رسول خدا شنید تا سه بار این کار تکرار شد سپس آن مرد پیش یکی از دوستان خود رفت تبری را از او امانت گرفت به صحرا رفت تا شب هیزم جمع کرد شب که آمد آن را به پنج سیر آرد فروخت. چند روز این کار را تکرار کرد تا سر انجام توانست یک تبر خریداری کند بعد از مدتی یک شتر خرید بعد از مدتی یکی از ثروتمندان بزرگ شد روزی دوباره نزد رسول خدا آمد کل ما جرا را با آن حضرتﷺ صحبت کرد حضرتﷺ فرمود من گفتم هر که از ما چیزی بخواهد می‌دهیم ولی هر کس بی‌نیازی نشان دهد خداوندﷻ خودش او را بی‌نیاز می‌گرداند.[1]

حکایت ویژه

شخصی بنام عبدالله‌بن‌حذافه یکی از یاران بسیار شجاع و دلاور رسول گرامی اسلام بود. او در یکی از جنگ‌ها که بین مسلمانها با رومیان صورت گرفت همراه هشتاد نفر دیگر اسیر شدند یک روز اسیران را نزد پادشاه روم بردند قیصر به عبدالله گفت اگر دین مسیحیت را قبول کنی تو را آزاد می‌کنم. او نپذیرفت قیصر دستور داد روغن را در یک دیگ داغ کردند سپس یکی از اسیران را در بین دیگ گذاشتند تمام گوشت‌های بدن او از استخوانش جدا گردید دوباره به عبدالله پیشنهاد کرد که از دین خود دست بردار وگرنه تو را هم در بین دیگ روغن می‌گذاریم او قبول نکرد او را نزدیک دیگ روغن آورد اشک او جاری شد قیصر گفت چرا گریه می‌کنی؟ عبد الله گفت گریه از ترس مرگ نیست بلکه

۱ کتاب اخلاق در نهج البلاغه ص ۱۶۰

گریه‌ام برای این است که کاش به اندازه موهای بدنم جان می‌داشتم که در راه دین اسلام فدا می‌کردم قیصر از شجاعت عبدالله شگفت زده شد گفت اگر پیشنهادم را بپذیری دخترم به همسری تو در می‌آورم عبدالله نپذیرفت گفت اگر سرم را ببوسی تو و تمام اسیران را آزاد می‌کنم گفت حالا که آزادی دیگران با آن فراهم می‌شود حاضرم این کار را بکنم. این کار را کرد زمینهٔ آزادی خود و دیگران را فراهم کرد[1]



فعالیت

۱. عزّت به چه معنا است؟ چه رابطه بین عزّت و آزادی وجود دارد؟ شاگردان در گروهای سه نفری گفتگو نمایند و جواب‌های مناسب را یاداشت کنند.

۲. بهترین معلم عزت کیست؟ شاگردان دو نفری گفتگو نموده و جواب را پیدا نمایند.



ارزش‌یابی

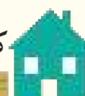
جای خالی را در جملات ذیل کامل کنید

الف– بریدن طمع از آنچه ...

ب– کنترل خشم...

ج– ...ترین عزّت است

د– ...الهی موجب عزّت است



کارخانه‌گی

ترجمه آیات ذیل را بنویسید

(۱)«أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ العِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا»[2]

(۲)«مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»[3]

---

۱ اسد الغا به ج۳ص۱۴۳

۲. سوره نساء/۱۳۹

۳. سوره فاطر/۱۰



اخلاق خانواده(۱)

هدف: آشنایی با اخلاق در خانواده

پرسش: معنای اخلاق در خانواده چیست؟

خانواده یکی از نهادهای اساسی پنج‌گانه[۱] در اجتماع است. خانواده تشکیل یافته از شبکه‌ای از نقش‌ها وموقعیت‌ها است. این شبکه تشکیل یافته از نقش پدر، مادر، فرزند، خواهر و برادر است. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که کارکردهای زیادی دارد که یکی از این کارکردها شخصیت سازی است. اعضای خانواده در هنگام تعامل و ارتباط‌شان با یکدیگر بناچار از قواعدی پیروی می‌کنند. این قواعد همان بایدها و نبایدهایی هستند که زندگی خانوادگی افراد را تنظیم می‌کنند.

در دین اسلام نیز این قواعد(بایدها و نبایدها) مورد تاکید قرار گرفته است. بخشی از این قواعد مانند وجوب نفقه زن بر شوهر، در فقه مورد بحث قرار می‌گیرد اما بخشی از این بایدها و نبایدها در علم اخلاق ارائه می‌شود.

از منظر علم اخلاق بایدها و نبایدها در محیط خانواده گاهی ناظر بر روابط زن و شوهر است و گاهی ناظر به روابط والدین با فرزندان است. در این درس به بایدها و نبایدهای اخلاقی‌ای اشاره می‌شود که روابط زن و شوهر را نشانه می‌گیرد.

از نظر اسلام نهاد خانواده، کانون تربیت، مرکز شکل‌گیری شخصیت است که استوانه اصلی آن زن و شوهر است. زن و شوهر با رعایت اخلاق می‌توانند زمینه تربیت فرزندان صالح را برای اجتماع فراهم سازند. اگر زن و شوهر در خانه نسبت به یکدیگر با اخلاق اسلامی و انسانی رفتار ننمایند، پیامد آن آفت‌هایی است که نه تنها دامنگیر خودشان شده، که آثار زیان‌بار آن متوجه جامعه هم خواهد شد. زیرا فرزندانی که در چنین خانواده که نه تنها اخلاق در آن وجود نداشته که بارها شاهد بی‌احترامی پدر و مادر به یکدیگر بوده وآن‌ها نیز با همان خلق و خوی بزرگ شده همان رفتار را عملی می‌سازند.

اصول حاکم بر روابط زن و شوهر

اصل تساوی

یکی از اصول اساسی حاکم برروابط زن و شوهر رابطه تساوی در برقراری روابط بین زن و شوهر است. از نظر اسلام نه مردسالاری درست است و نه زن سالاری. بلکه زن و

---

۱ نهادهای اساسی پنج گانه عبارت اند از: نهاد سیاست، نهاد آموزش، نهاد اقتصادی، نهاد دین و نهاد خانواده.

شوهر از موضع برابر نسبت به همدیگر تعامل داشته باشند. این مساله در قرآن کریم نیز مورد تاکید قرار گرفته است: «**هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ**؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید.» طبق منطق قرآن هیچ‌کدام از زن و مرد نمی‌توانند خود را بهتر از دیگری بدانند زیرا هر دو از یک چیز آفریده شده‌اند و ارتباط‌شان با یکدیگر باید به گونه مساوی باشد.

اصل مودت و دوستی

زندگی زن و شوهری بر مبنای دوستی و مودت باید بنیان نهاده شود. در قرآن کریم ازدواج مایه آرامش معرفی شده است، خداوندﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: «**وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً**؛ و از نشانه‌های او اینکه از [جنس] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا با آنها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت قرارداد»[1] زن و شوهر باید مودت و دوستی را مبنای روابط خویش قرار دهند.

اصل تقسیم کار

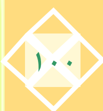
از نمونه‌های بارز مراعات حقوق طرفین، تقسیم کارهای خانه و زندگی میان زن و شوهر است. در حالات و سیره رسول خداﷺ نقل شده است که آن حضرتﷺ در کارهای خانه، به همسرانش کمک می‌کرد»[2]

حضرت رسولﷺ در زندگی مشترک میان حضرت علی‌علیه‌السلام و فاطمه زهراعلیهاالسلام، کارهای بیرون خانه و درون خانه را بین آنها تقسیم کرد، دختر بزرگوار پیامبرﷺ از این تقسیم کار بسیار خرسند گردید. به ویژه که می‌دید با تخصیص کارهای داخل خانه به وی، از برخورد با مردان و نامحرمان در بیرون از خانه و هم صحبت شدن با آنان دور می‌ماند و این برای حیا و عفاف زن مناسب‌تر است.»[3]

اصل درک متقابل

یکی از مشکلات اساسی بین بسیاری از زن و شوهرها این است که نمی‌توانند همدیگر را درست درک کنند. بسیاری اوقات زن یا شوهـــر در حالاتی قرار دارند که نمی‌توانند به خواسته طرف مقابل خود درست پاسخ دهد. در چنین حالاتی باید زن یا شوهر باید به حالت روحی طرف مقابل خود توجه داشته باشد.

۱ سوره روم/۲۱
۲ بحار الانوار، ج ۱٦، ص ۲۲۷
۳ وسائل الشیعه ، ج ۱٤، ص ۱۲۳



روزی امیرالمؤ منین علیه‌السلام به فاطمه علیهاالسلام گفت: آیا چیزی در خانه برای خوردن داریم؟ فاطمه علیهاالسلام گفت: سوگند به کسی که پدرم را به نبوت و تو را به وصایت برگزید چیزی در منزل نیست تا برای شما آماده کنم و دو روز است که چیزی در منزل نبوده است..... امام علی علیه‌السلام گفت: ای فاطمه! چرا نگفتی تا چیزی برای شما تهیه کنم؟ فاطمه علیهاالسلام گفت: یا اباالحسن! من از خداوند شرم دارم که شما را به آنچه توان نداری وادار کنم.

چون می‌دانستم توانایی خرید چیزی را نداری در خواستی نکردم.[1]



فعالیت

شاگردان به صورت گروه‌های ٤ نفره در باره اصول حاکم بر روابط زن و شوهر با هم‌دیگر گفتگو نمایند!

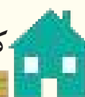


ارزش‌یابی

۱. اصل مودت به چه معناست؟

۲. اصل تقسیم کار را توضیح دهید!

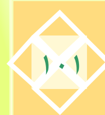
۳. سیرهٔ حضرت زهرا چگونه اصل درک متقابل را بیان می‌کند؟



کار خانه‌گی

درباره اهمیت جایگاه خانواده ٦ سطر بنویسید!

۱ بحارالانوار، ج ۴۳، ۹۴



درس سی و ششم

اخلاق خانواده(۲)

هدف: آشنایی با اهمّیت رعایت اخلاق در خانواده

پرسش: درباره رابطه والدین و فرزندان چه می‌دانید؟

اخلاق خانواده گاهی ناظر به رابطه زن و شوهر است و گاهی ناظر به تنظیم روابط بین والدین و فرزندان است. در این درس بایدها و نبایدهای حاکم بر روابط والدین و فرزندان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پدر و مادر حقوقی دارند که فرزندان باید آن‌ها را رعایت کنند اما از طرف دیگر والدین نسبت به فرزندان شان مسئولیت‌هایی نیز دارند. در نتیجه حقوق و وظایف والدین و فرزندان دوطرفی است. یعنی هم فرزندان بر گردن پدر و مادر حق دارند و هم والدین بر فرزندان حقوقی دارند.

وظایف والدین

تربیت صحیح: کودکان مهمترین سرمایه‌های زندگی و امید آینده در هر جامعه است. عوامل زیادی در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش دارند. تلویزیون، مکتب، دوستان و خانواده از این عوامل اند. از میان این عوامل خانواده نقش بسیار اساسی و حیاتی دارد. خانواده در انتقال ارزش‌ها و میراث فرهنگی جامعه برای کودکان نقش بسیار اساسی دارد. نحوه برخورد والدین در شکل‌گیری یک شخصیت شایسته برای کودک بسیار حیاتی است. نکته‌های تربیتی زیادی وجود دارد که در اسلام بر آن‌ها تاکید شده است.

نکات تربیتی برخورد با فرزند

۱. **گذاشتن نام نیکو:** برخی والدین در نام‌گذاری دقت لازم را به خرج نمی‌دهند. نام نیک و خوب تأثیر فراوان بر شخصیت فرزند دارد. در حدیثی آمده است: «نخستین حق فرزند بر پدر گذاشتن نام نیکواست»[1]

۲. **احترام به فرزند:** شخصیت دادن به کودک نقش محوری را در تربیت آنان دارد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید «**أَکرِموا أَولَادَکُم وَأَحسِنوا آدابَهُم یُغفَرُلَکُم**»[2] فرزندان خود را احترام

۱ المحجة البیضاء ج۳ص۱۲۳
۲ مکارم الاخلاق ص۲۲۳

کنید و به آن‌ها آداب را خوب یاد بدهید، تاخداوند شمارا ببخشد. یکی از نیازهای اساسی هر انسان نیاز به احترام از سوی دیگران است. اگر شخصی مورد بی احترامی قرار گیرد از نظر روانی آسیب می‌بینند. کودکان نیز از این قاعده مستثناء نیستند.

۱. **فرق نگذاشتن:** والدین باید عدالت را بین همه اولاد اعم از دختر و پسر رعایت نمایند. پیامبرﷺ می‌فرماید: «**إعدلُوا بَینَ أَولادِکُم کَما تُحِبّونَ بَینَکُم فِیِ البِرِّوَاللُّطفِ**»[۱] میان فرزندان خود در محبّت و نیکی عدالت و انصاف را رعایت کنید چنان‌چه دوست می‌دارید آنان نیز با شما با عدالت رفتار نمایند. آتش بسیاری از اختلافات فرق گذاشتن در محبت بین فرزندان است. به صورتی که یکی از فرزندان را والدین بیشتر دوست داشته باشند. این فرق گذاشتن از نظر تربیتی نادرست است.

۲. **عدم مقایسه:** یکی از مباحث اساسی در روانشناسی بحث تفاوتهای فردی است. تفاوتهای فردی به این معناست که هر انسان منحصر به فرد است و استعداد و تواناییهای هر انسانی متفاوت است. بنابراین مقایسه کردن بین فرزندان و حتی مقایسه فرزند خود با فرزندان دیگران ازنظر تربیتی کار درستی نیست.

وظایف فرزندان در برابر والدین

نیکی به والدین: والدین از نظر روانی تعلق عاطفی نسبت به فرزندان دارند و از فرزندان چشم‌داشت‌هایی دارند. بنابراین نیکی به والدین وظیفه اخلاقی هر فرزند است. خداوند‌ﷻ در قرآن کریم نیکی به والدین را در ردیف عبادت خداوند‌ﷻ قرار داده است: «**وَقَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**؛ پروردگار تو مقرر کرد که جز او را میرسستید وبه پدر ومادر «خود»نیکی کنید»[۲] سوال این است که نیکی چیست و کدام اعمال مصداق نیکی هستند؟ با استفاده از روایات و آیات قران کریم اعمال زیر مصادیق نیکی هستند:

۱. **تواضع در برابر پدر و مادر:** خداوند‌ﷻ در قرآن می‌فرماید: ﴿**وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ**﴾[۳]دوبال فروتنی خویش را از سر مهربانی در برابر آنان فرود آور.

۲. **همنشینی:** پیامبرﷺ می‌فرماید «همنشینی یک روز با پدر و مادر از جهاد یک سال

۱ حار الانوار ج۱۰۴ص۹۲
۲ اسراء/۲۳
۳ همان/۲۴

برتراست»[1]

۳. نگاه با عطوفت به پدر ومادر: رسول خدا ﷺ می‌فرماید «هر نگاه به پدرومادر ثواب یک حج کامل مقبول رادارد»[2]

٤.اطاعت: پیامبر ﷺ می‌فرماید«روز قیامت بالاترین جایگاه را کسی دارد که مطیع پدرومادر باشد»[3]



فعالیت

شاگردان دربارهٔ احسان به والدین گفتگو کنند!



ارزش‌یابی

۱. وظایف والدین در برابر فرزندان چیست؟

۲. وظایف فرزندان در مقابل والدین کدام اند؟

جملات ذیل را تکمیل کنید

الف- پیامبر:اگر به آن‌ها وعده دادید.........

ب-دوست نداشت کسی.......

ج-دوبال فروتنی خویش را......



کارخانه‌گی

دربارهٔ وظایف والدین یا فرزندان ٦ سطر بنویسید!

۱ بحار الانوارج۷۴ص۲۵
۲ همان ص۷۳
۳ کنز العمالج۱۶ص۴۶۷

حرمت انسان

هدف: آشنایی با دیدگاه اسلام در بارهٔ احترام انسان

پرسش: چرا به انسان‌ها احترام بگذاریم؟

از بین همه موجودات و مخلوقات، انسان از همه برتر است به همین دلیل خداوند جل‌جلاله او را جانشین خود در زمین قرار داده تا همان‌گونه که خداوند جل‌جلاله به همه مهربان است انسان هم به همه مهربان باشد. خداوند جل‌جلاله آمرزنده است. انسان‌ها هم یکدیگر را ببخشند، خداوند جل‌جلاله عیب‌های بندگان خود را می‌پوشاند انسان‌ها هم عیب‌های یکدیگر بپوشانند، خداوند جل‌جلاله توبه‌پذیر است انسان‌ها هم خطا و اشتباه یکدیگر را نادیده گرفته اگر طلب بخشش نمود او را ببخشد، خداوند جل‌جلاله به همه انسانها احترام گذاشته انسانها هم به یکدیگر را احترام بگذارند.

حرمت انسان به این معنی است که خداوند جل‌جلاله به او کرامت بخشیده است و برای حیات انسان، آبرو و مال او حریمی ایجاد کرده که باید این حریم حفظ گردد و هدف تمام آموزش‌های دینی این است که حرمت انسان حفظ شود و حریم انسانیت شکسته نشود و صرف انسان بودن انسان کافی است که به او احترام گذاشته شود. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: احترام انسان‌ها واجب است چون آن‌ها یا برادر دینی شما است و یا هم نوع شما.

امام زین العابدین علیه‌السلام پیک محبت به انسان بود. هرجا بیکسی را میدید هرجا غریب، فقیر و مستمندی را می‌دید که دیگران به آن‌ها توجه ندارند، به آن‌ها محبت می‌کرد و آن‌ها را نوازش می‌کرد و به خانه خودش می‌آورد، روزی عده‌ای جزامی را دید که همه از آن‌ها فرار می‌کردند زیرا از سرایت بیماری‌شان می‌ترسیدند. امام علیه‌السلام از آن‌ها دعوت کرد و آن‌ها را به خانه خود آورد و در خانه خود از آن‌ها، پرستاری کرد.

دلایل احترام انسان

در قرآن و احادیث به نکات بسیار قابل توجّه و ارزشمندی اشاره شده که اگر آن‌ها مورد توجّه و عمل قرار گیرد احترام همه انسانها حفظ شده و هیچ کس خود را برتر از دیگری نمی‌داند تا به او بی‌احترامی کند.

۱. **یک آفریدگار:** همه انسان‌ها اعم از فقیر و غنی، باسواد و بیسواد، سیاه و سفید و...

آفریده خدای یکتا است خداوند جل‌جلاله در قرآن می‌فرماید **﴿ذَلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمْ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾**[1] این است خداوند پروردگار شما، هیچ معبودی جز او نیست، آفریدگار همه چیز است. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید «من می‌بینم که آفرینش همه از خاک است، پدر همه آدم مادر همه حوّا، همه را یک خدا آفریده و همه بندگان اویند.[2]

۱ سوره انعام/۱۰۲
۲ احتجاج ج۲ ص۸۳

۲.آفرینش از یک چیز: خداوند ﷻ در قرآن آفرینش همه انسان‌ها را از یک حقیقت می‌داند ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾[۱] اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید رسول گرامی اسلام هم در حدیثی می‌فرماید «ای مردم همه شما از آدمید وآدم از خاک است»[۲]

۳. کرامت: همان خدایی که همه انسان‌ها را از یک حقیقت آفریده به همه کرامت و شرافت داده است. کرامت تاجی است که خدای سبحان بر سر همه نهاده است در قرآن می‌فرماید ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾[۳] و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم خداوند به درختان سرسبزی و گل داده آن‌هاَ هم سایه خود را بر سر هر کسی زیر آن‌ها قرار گیرد سایه‌بان قرار می‌دهد ماهم که خداوند ﷻ تاج کرامت را بر سرمان نهاده است از سر کسی بر نداریم این تاج کرامتی که خدای سبحان بر سر ما نهاده است مانند یک دایره است که همه انسان‌ها در هر سنّ و سالی، در هر موقعیت و شغلی، در هر شرایط زنده‌گی که باشند شامل می‌گردند.

دین اسلام و احترام به انسان

از نظر اسلام احترام به انسان به قدری ارزش دارد که همه چیز چه آن‌هایی که به انجام آن دستور داده و چه آن‌هایی که دستور ترک آنرا داده برای حفظ احترام انسان است.

دستورات

چرا خداوند ﷻ در قران دستور داده که به مردم حرف نیکو بگویید؟ ﴿وَقُولُواْ لِلنَّاسِ حُسْناً﴾[٤] برای اینکه با بدگویی حرمتش را از بین می‌بریم چرا گفته اگر کسی وارد مجلس شد او را جا دهید؟ ﴿إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا﴾[٥] زیرا که اگر وارد مجلس شد جا نبود خجالت زده می‌شود. چرا گفته اگر به کسی صدقه دادید منّت ندهید؟ ﴿لاَ تُبْطِلُواْ صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالأذَى﴾[٦] زیرا با منت احترام او را از بین می‌بریم چرا گفته پاک دامنی خود را حفظ کنید که رسول خدا ﷺ فرمود «بهترین زینتی که خدا بندگان را با آن زینت بخشیده پاک‌دامنی است»[۷] زیرا که انسان بی‌بندو بار خود را مورد سر زنش دیگران قرار داده حرمت خود را از بین می‌برد چرا گفته کم حرف بزنید که رسول خدا ﷺ می‌فرماید «سکوت بالاترین عبادت است»[۸] زیرا که انسان با حرف زدن زیاد گرفتار غیبت، تهمت و... می‌شود که باعث شکسته شدن حرمت یک انسان می‌شود.

منهیات: چرا خداوند از پرستش غیر خدا نهی کرده؟ ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ

---

۱ سوره اعراف/۱۸۹
۲ بحار الانوارج۲۱ص۱۳۸ ،کافی ج۸ص۲۴۶
۳ سورۀ اسراء /۷۰
۴ سوره بقره /۸۳
۵ سوره مجادله /۱۱
۶ س.ره بقره ۲۶۴
۷ نهج الفصاحه ص۴۱۲ حدیث ۴۰۵۷
۸ همان ص ۴۷۱ حدیث۴۶۶۵

غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا)[1] آری کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلتی در زنده‌گی دنیا به ایشان خواهد رسید. این برای این است که کرنش در برابر غیر خدا باعث میشود انسان با پرستش غیر خدا احترام خود را از بین ببرد.

چرا از بدگمانی منع کرده؟ **(یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیرًا مِّنَ الظَّنِّ)**[2] ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید. برای اینکه بدگمانی باعث میشود انسان خود یا دیگران را بی احترامی کند.

چرا گفته دروغ نگویید**(وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ)**[3] و از سخن باطل (شهادت دروغ) بپرهیزید. زیرا انسان با شهادت دروغ خود را در معرض تحقیر دیگران قرار میدهد.

چرا گفته سخن چینی بد است؟ **(هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ)**[4] آدم پست عیب جو است و برای خبر چینی گام برمیدارد. این کار باعث میگردد دو نفر به یکدیگر بدگمان شده همدیگر را بی احترامی کند.

چرا گفته عیب جوی نکنید**(وَيلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ)**[5] زیرا کسی که عیب دیگران را ذکر میکند برای این است که آبروی کسی را ببرد و به او بی احترامی کند.

چرا از افشای اسرار مردم نهی کرده؟ که پیامبرﷺ می‌فرماید (هرگاه کسی سخن گفت آن یک راز و امانت است و افشای آن خیانت در امانت است) دلیل این امر این است که با افشای آن راز ممکن است مورد بی احترامی قرار بگیرد.



فعالیت

شاگردان در باره سؤالات ذیل درگروه‌های ۳ نفری گفتگو نمایند.

۱.رابطه آفریدگار واحد با احترام انسان چیست؟

۲.برای چه قرآن دستورداده است که نیکو سخن بگوییم؟



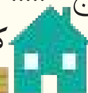
ارزش‌یابی

جملات ذیل را تکمیل کنید

الف– زیرا انسان با شهادت دروغ.......

ب– زیرا کسی که عیب دیگران را ذکر می‌کند........

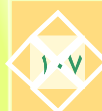
ج– .....همه شما از آدمید وآدم از خاک است



کارخانه‌گی

درباره آیه ۷۰سوره اسراء پنج خط بنویسید

۱ اعراف /۱۵۲
۲ سوره حجرات/۱۲
۳ حج/۳۰
۴ سوره قلم/۱۱
۵ سوره همزه/۱



احترام بزرگترها

هدف: شناخت اهمّیت احترام به افراد بزرگتر

پرسش: چرا افراد بزرگتر احترام بیشتر دارند؟

دین اسلام به ما می‌گوید به همه انسانها احترام بگذاریم ولی به کسانی که سن‌شان بیشتر از ما است احترام بیشتر بگذاریم افراد بزرگتر شامل بسیاری مانند: استاد، پدر و مادر، پدرکلان و مادرکلان، افرادی که در جامعه ما زنده‌گی میکنند میشود. وحتا ما آن‌ها را نشناسیم به خاطر اینکه سنّ آن‌ها از ما بیشتر است باید به آن‌ها احترام بگذاریم این مسأله از این جهت اهمّیت دارد که دین اسلام دین محبّت، عاطفه، مهربانی، فرو تنی و تواضع است ما به عنوان مسلمان که به داشتن این دین افتخار میکنیم با رفتار احترام آمیز خود چهره دین خود را معرّفی میکنیم و هرکس از بر خورد محترمانه ما به اهمیت دین اسلام و دستورات انسانی اش پی میبرد و این احترام نسبت به کسانی که سنّ بالایی دارند مورد تأکید ویژه قرار گرفته پیامبرﷺ در حدیثی خانواده‌ها را به احترام پیران فراخوانده میفرماید (کهن‌سال در میان خاندانش، همانند پیامبر در میان امّتش است)[1] هر اندازه انسان، مخصوصاً جوانان بتوانند به کلانترها احترام بگذارند مایه عزّت و سر بلندی برای خودشان است.

دلایل اهمیت احترام به بزرگترها در اسلام

در آیات و روایات علاوه بر اینکه احترام گذاشتن به کلانترها مورد تأکید قرار گرفته به فوائدش نیز اشاره شده است.

۱. **احترام به خداوند**ﷻ: انسانها همه آفریده شده خداوند سبحان است. و آن‌هایی که زودتر لباس انسانیت را از خداوند دریافت کرده احترام به آن‌ها احترام به خدایی است که به او وجود بخشیده. پیامبر اسلامﷺ می‌فرماید (**مِن إ جلالِ اللهِ إجلالُ ذِي الشَّيبَةِ المُسلِمَ**)[2] احترام به مسلمان سالخورده، احترام به خداوند است.

امام صادقؑ نیز در حدیثی میفرماید (**إنَّ مِن إجلالِ اللّهِ عَزَّ وَجَل إجلالَ الشَّيخِ الكَبيرِ**)[3] فرمود از احترام خدای عزوجل احترام پیر سالمند است و به همین دلیل است که وقتی خداوند از حقوق پدر و مادر در قرآن سخن میگوید برای دوران کهن‌سالی آن‌ها دستور خاصی می‌دهد (**إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا**

---

۱ کنزالعمال ص۶۶۴

۲ الکافی ج۲ ص۱۶۵ حدیث ۱

۳ کافی ج۲،ص۶۵۸

تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا)[1] زمانی که یکی از پدر و مادر یا هر دو به سن پیری رسیدند اف به آن‌ها نگویید و آن‌ها را از خود نرنجانید و با قول کریمانه با آن‌ها سخن بگویید.

۲. احترام به پیامبر ﷺ: پیامبر اسلام ﷺ احترام به یک انسان سالمند را احترام به خود می‌داند **(إنَّ مِن إجلالِيي تَو قِيرَ الّشيخِ مِن أُ مَّتي)**[2] احترام به سال‌خورده امّت من، احترام نهادن به من است.

۳. فراهم کردن زمینه احترام خود :این دنیا، دنیای عمل و عکس‌العمل است یک دهقان را در نظر بگیرید او هر چیزی در زمین خود بکارد همان را درو خواهد کرد اگر گندم کاشت. گندم درو خواهد کرد اگر جو کاشت جو درو خواهد کرد، امکان ندارد کسی جو بکارد گندم درو کند در رفتار انسان با یکدیگر نیز همین قانون جریان دارد اگر به کسی خوبی کردی خوبی میبینی اگر بدی کردی بدی میبینی ممکن است یک انسان ظالم در حق یک مظلوم ستم کند آن ستم‌دیده خودش توان انتقام را نداشته باشد ولی بالاتر از همه خداوند ﷻ انتقام او را خواهد گرفت به همین جهت پیامبر گرامی اسلام جوانان را به احترام نهادن به کهن‌سالان تشویق می‌کرد و می‌فرمود (هیچ جوانی کهن‌سالی را به خاطر پیری‌اش گرامی نمی‌دارد، جز آنکه هنگام پیری خودش، خداوند ﷻ کسی را برایش فراهم می‌کند که به اواحترام گذارد)[3]

٤. ایمن ماندن از سختی روز قیامت: پیامبر مکرم اسلام که خودش الگوی احترام گذاشتن به انسان‌ها مخصوصاً بزرگسالان است در حدیثی می‌فرماید**(مَن وَقَّرَ ذاَ شَيبَةٍ لِشَيبَتِهِ آمَنَهُ اللّهُ تَعا لَي مِن فَزَعِ يومَ القِيا مَةِ)**[4] هرکس پیرمردی را به خاطر پیری او گرامی بدارد، خداوند او را از سختیِ و هراس روز قیامت در امان قرار خواهد داد.

ضررهای بی‌احترامی

۱.امتّ پیامبر ﷺ نیست: پیامبری که دینش دین محبّت، مهربانی و احترام است باید پیروان و امّت او نیز به انسان مخصوصاً کهنسالان احترام بگذارند. در غیر این صورت نمی‌تواند بگوید من امّت پیامبر رحمت هستم زیرا خود آن حضرت درحدیثی می‌فرماید(از ما نیست کسی که کهن‌سالان ما را احترام نکند) [5] امام صادق ؑ هم می‌فرماید**(لَيسَ مِنّا مَن لَم يوَقِّر كَبِيرَنا وَير حَم صَغِيرَنا)**[6] از ما نیست کسی‌که به بزرگ‌سالان ما احترام نکنند و

---

۱ سوره اسراء/۲۳
۲ کنز العمال حدیث ۶۰۱۳
۳ سنن ترمزی ج۳ص ۲۵۱،مشکات الانوار ص۲۹۳
۴ بحار الانوار ج ۷۵ ص۱۳۷
۵ اصول کافی ج ۲ص۱۶۵-بحار الانوار ج۷۲ص۱۳۸
۶ الکافیج ۲ص ۱۶۵حدیث۲

به خرد سالان ما مهربان نباشند.

۲. عامل فقر: در احادیث و روایات یکی از عواقب شوم بی‌احترامی به بزرگ‌ترها و افراد کهنسال گرفتار شدن انسان به بلای فقر و تنگ‌دستی ذکر شده. شخصی نزد حضرت علی علیه‌السلام آمد. عرض کرد با اینکه در زنده‌گی زحمت می‌کشم در عین حال همچنان گرفتار فقر هستم حضرت علی علیه‌السلام در مورد چند چیز از آن شخص سؤال کرد که هرکدام از آن‌ها عامل فقر است.

فرمود: شاید با قلم گره‌دار می‌نویسی؟ گفت نه، فرمود: شاید با شانه شکسته سر خود را شانه می‌کنی؟ گفت نه، فرمود: شاید پیشاپیش کسی که سنّش از تو بیشتر است راه می‌روی؟ گفت نه، فرمود: شاید بعد از نماز صبح می‌خوابی؟ گفت نه فرمود :شاید دعا در حقّ پدر و مادرت را ترک کرده‌ای؟ گفت آری، فرمود همین مسأله سبب فقر توست[۱] در این حدیث شریف یکی از چیزهای که از او به عنوان عامل فقر و ناداری یاد شده این است که یک کسی با شخصی که سن او بیشتر از خود انسان است در راه رفتن باشد و احترام او را حفظ نکرده پیشتر از او حرکت کند.

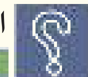


فعالیت

شاگردان دربارهٔ سئوالات ذیل بحث و گفتگو نمایند.

۱. از نظر دین اسلام احترام به بزرگ‌ترها از چه جهت اهمّیت دارد؟

۲. چگونه احترام به کهن‌سالان فراهم کردن زمینه احترام خود است؟



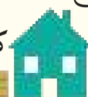
ارزش‌یابی

جملات ذیل را تکمیل کنید

الف- پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود احترام به سالخورده امت من ....

ب- ......از تو بیشتر است راه می‌روی

ج- خداوند جل جلاله او را از سختی و هراس ......



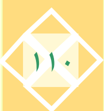
کارخانه‌گی

ترجمه آیه ﴿**اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاء وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ**﴾ رابنویسید.[۲]..

....

۱ المخازن کاشانی ص۲۸۸

۲. سوره روم /۵۴



احترام به زیردستان

هدف: شناخت نظر دین دربارهٔ رفتار با زیردستان

پرسش: به نظر شما با زیردستان چگونه رفتار نماییم؟

۱. برخورد با زیردستان: پیامبرﷺ در حدیثی خطاب به ابوذر می‌فرماید «خداوند جل جلاله بعضی از برادران شما را زیردست شما قرار داده هرکس برادر و هم‌نوعش را زیر دست دارد باید از آنچه خود می‌خورد به او بخوراند، و از آنچه می‌پوشد به او هم بپوشاند، و هیچ وقت کاری را که خارج از قدرت اوست به او نسپارد و اگر کار دشواری را به او سپرد او را کمک کند»[1] بسیاری از ماها حاضر نیستیم با کارگر و خدمت‌کار خود یک جا نان بخوریم. امّا رسول گرامی اسلام می‌فرماید «غذا خوردن با خدمت‌کار، نشانه فروتنی است کسی که با خدمت‌کاران هم دسترخوان شود بهشت آرزومند اوست»[2] انس بن مالک که خدمت‌کار پیامبرﷺ بود می‌گوید در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان، حضرت دیر به خانه تشریف آورد فکر کردم غذا میل کرده من هم غذایی که آماده کرده بودم خوردم بعد فهمیدم ایشان غذا نخورده بوده و تا آخر عمر هم دربارهٔ آن شب چیزی نفرمود.[3]

۲. آه نکشیدن: در حدیث است که رسول خداﷺ هرگز در اعتراض به خدمت‌کارش آه نکشید.[4]

۳. برخورد با بیمار: در روایتی نقل شده که پیامبرﷺ از بیمار در دورترین نقطهٔ شهر عیادت می‌کرد ولو بیماریش چشم‌درد بود.[5]

٤. برخورد با بینوا: پیامبرﷺ می‌فرماید «بدترین غذا سوری (مهمانی) است که ثروتمندان در آن دعوت شود نه بینوا، کسی که ثروتمندان را گرامی دارد و بینوا را تحقیر کند، در آسمان‌ها دشمن خداوند جل جلاله نامیده می‌شود»[6]

۵. برخورد با کارگران: پیامبرﷺ می‌فرماید «پیش از آن که عرق کارگر خشک شود مزد او را بپردازید»[7] در جای دیگر می‌فرماید «کسی که در حقوق به کارگری ستم کند

---

۱ بحار الانوار ج۷۴ص ۱۴۱
۲ بحار الانوار ج۵۹ ص ۲۹۱
۳ منازل الآخره (شیخ عباس قمی)ج۲ص ۹۷۹
۴ سنن ابی داودج۲ص ۲۷۶
۵ کنز العمالج۷ص ۹۴
۶ کنز العمال ۶/۴۶۷
۷ اصول کافی ج۵ص ۲۸۹



پروردگار، کارهای {نیک} او را نابود کرده بوی خوش بهشت را که از پنج‌صد سال به مشام می‌رسد بر او حرام می‌سازد »[1]

٦. برخورد با کهنه لباس: خداوندﷻ در قرآن می‌فرماید لقمان به فرزندش فرمود(هیچ کس را به خاطر کهنه بودن جامه‌اش حقیر مشمار زیرا که پروردگار تو و او یکی است)[2]

نمونه از نصیحت پیامبر گرامی اسلامﷺ برای اصحاب

رسول اکرمﷺ طبق معمول، در مجلس خود نشسته بود، یاران گرداگرد حضرتش حلقه زده او را مانند نگین انگشتر در میان گرفته بودند. در این بین یکی از مسلمانان که مرد فقیر ژنده‌پوشی بود از در رسید. و طبق سنت اسلامی که هرکس در هر مقامی هست، همین که وارد مجلسی می‌شود باید ببیند هر کجا جای خالی هست همان‌جا بنشیند و یک نقطه مخصوص را به عنوان اینکه شأن من چنین اقتضا می‌کند در نظر نگیرد آن مرد به اطراف متوجه شد، در نقطه‌ای جایی خالی یافت، رفت و آنجا نشست. از قضا پهلوی مرد متعین و ثروتمندی قرار گرفت. مرد ثروتمند جامه‌های خود را جمع کرد و خودش را به کناری کشید، رسول اکرمﷺ که مراقب رفتار او بود به او رو کرد و گفت: ترسیدی که چیزی از فقر او به تو بچسبد؟

نه یا رسول الله!

ترسیدی که چیزی از ثروت تو به او سرایت کند؟

نه یا رسول الله!

ترسیدی که جامه‌هایت کثیف و آلوده شود؟.

نه یا رسول الله!

پس چرا پهلو تهی کردی و خودت را به کناری کشیدی؟

اعتراف می‌کنم که اشتباهی مرتکب شدم و خطا کردم. اکنون به جبران این خطا و به کفاره این گناه حاضرم نیمی از دارایی خودم را به این برادر مسلمان خود که در باره‌اش مرتکب اشتباهی شدم ببخشم؟

مرد ژنده پوش: ولی من حاضر نیستم بپذیرم.

جمعیت: چرا؟!

---

۱ وسائل الشیعه ج۱۳ص۲۴۷
۲ سورهٔ انبیاء/۱۸

چون می‌ترسم روزی مرا هم غرور بگیرد و با یک برادر مسلمان خود آنچنان رفتاری بکنم که امروز این شخص با من کرد.

الگوی احترام به زیردستان

روزی حضرت علی علیه‌السلام مقداری خرما به کسی بدون اینکه از حضرت تقاضا کند فرستاد. مردی به حضرت اعتراض کرد که چرا بدون تقاضا به کسی کمک کرده حضرت فرمود: اگر من صبر کنم که کسی اول تقاضا کند. بعد ببخشم. بخشش نکرده‌ام بلکه ابتدا اورا وادار کرده‌ام که روی خود را که هنگام سجده برای خدا به خاک می‌گذارد متوجّه من کند. و من هم، عوض آن عزت و احترامی که او دارد وبا تقاضا آن را از دست داده است به اوچیزی داده‌ام.



فعالیت

شاگردان متن درس را دقیق مطالعه کنند و جواب سئوالات را پیدا نموده و به نوبت در صنف ارائه کنند.

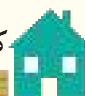
۱. کسب و کار از نظر اسلام دارای چه ارزش است؟
۲. بیشتر پیامبر و بزرگان به چه کارهایی مشغول بودند؟
۳. چه کسی هرگز به خدمت‌کارش آه نکشید؟



ارزش‌یابی

جملات ذیل را تکمیل کنید

الف- در میان کارها هیچ کاری نزد خدا.......
ب- پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از آن که عرق کارگر..........
ج- هیچ کس را به خاطر کهنه بودن جامه‌اش.........
د- کسی که برای تهیه مخارج فامیل خود زحمت می‌کشد.......



کارخانه‌گی

درباره احترام به زیردستان سه خط بنویسید.

حقوق همسایه

هدف: شناخت حقوق همسایه

پرسش

– حقوق همسایه شامل چه چیزهایی می‌شود؟

– رعایت حقوق همسایه چه فوایدی به همراه دارد؟

یکی از موضوعاتی که دین مبین اسلام به آن توجه ویژه نموده رعایت حقوق همسایه است شاید این سؤال در ذهن شما باشد که همسایه به چه کسانی گفته می‌شود؟ در پاسخ باید گفت: انسان در جایی که خانه دارد از چهار طرف تا چهل خانه همسایه گفته می‌شود که در مجموع ۱۶۰ خانه را شامل می‌شود. حضرت علی علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید (**وَالجِوارُأربَعُونَ داراً مِن أربَعَةِ جَوانِبِها**)[۱] تا چهل خانه از هر چهار طرف منزل همسایه به شمار می‌آید همسایه یا به تعبیر دیگر همسایگی از دو جهت مورد توجّه قرار دارد.

الف– انتخاب همسایه

ب– حقوق همسایه

انتخاب همسایه

انسان اختیار دارد که همسایهٔ خود را انتخاب کند دلیل این مسأله این است که اگر همسایه‌ها انسان‌های با فرهنگ، با شخصیت؛ متدین و... باشد هم انسان از آزار و اذیت آن‌ها در امان است و هم از رفت و آمد اعضای فامیل خود با آن‌ها تشویش و نگرانی ندارد. به دلیل اهمّیت همسایه است که نبی مکرم اسلام در یک حدیثی می‌فرماید (الْجَارثُمَّ الدّار)

اول همسایه بعد خانه هدف پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این حدیث شریف این است که هرگاه تصمیم به خریدن خانه گرفتی در انتخاب محل و مردمی که در آن محل سکونت

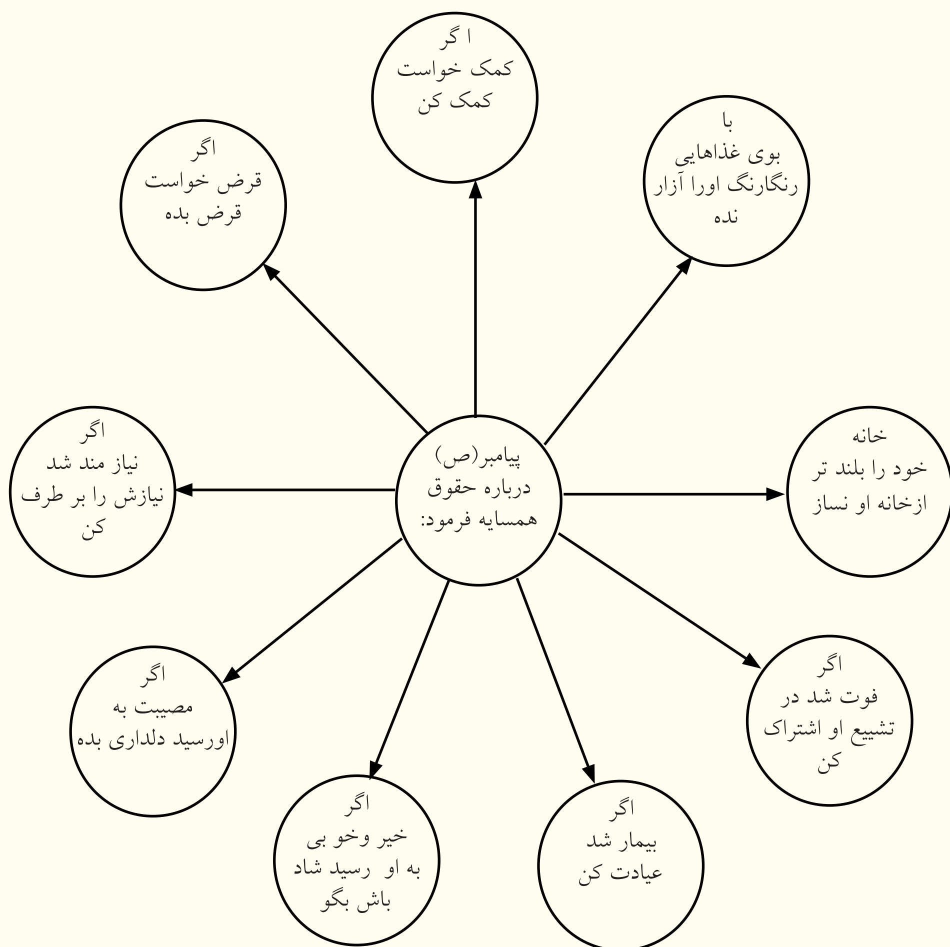
۱ الخصال ص۵۴۴ حدیث ۲۰

و زنده‌گی دارند دقّت کن سپس به خریدن خانه اقدام کن حضرت علی علیه‌السلام هم در حدیثی می‌فرماید(سَل عَنِ الرَّفیقِ قَبل َالطَّریقِ وَعَنِ الجارِقَبلَ الدّارِ)[1] قبل از مسافرت رفیق سفر را بشناس و قبل از انتخاب خانه از همسایه پرسش نما.

حقوق همسایه

پس از آن که انسان در انتخاب همسایه‌ها موفّق شد و توانست محلّی مناسبی را برای سکونت بیابد لازم است که حقوق همسایه را بشناسد تا بتواند رعایت کند.

پیامبر اسلام صلی‌الله علیه وآله وسلم در یک حدیثی حقوق همسایه را بر شمرده که در نمودار ذیل ترسیم شده.[2]



۱ نهج البلاغه نامه ۳۱
۲ مستدرک الوسائل ج۲ص۷۹

اگر این حدیث شریف مورد توجّه قرار گیرد و به آن عمل شود بسیاری از مشکلاتی که در کشور، ولایت‌ها، ولسوالی‌ها و روستاها است رفع می‌گردد زیرا که در هر ۱۶۰ خانه که باهم همسایه هستند هم افراد ثروتمند وجود دارند و هم افراد فقیر، هم افراد مصیبت دیده هستند هم کسانی که مجالس شادی و خوشی دارند، هم افراد صحیح و سالم وجود دارند و هم انسان‌هایی بیمار و مریض، از این ۱۶۰ خانه اگر آن‌هایی که دارای ثروت هستند به افراد بیچاره کمک شوند دیگر فقیر وجود نخواهند داشت. و آن‌های که سالم هستند از افراد مریض عیادت نمایند اگر به موتر نیاز داشت او را به شفا خانه برسانند اگر کسی نداشت دوای او را از دواخانه بگیرند این کارها هم در بهبودی او کمک می‌کند و هم باعث صمیمیت بین همسایه‌ها می‌گردد یا اگر کسی مصیبت‌زده و غم دیده است بقیه همسایه‌ها با او ابراز هم‌دردی نموده او را کمک نماید این کار هم باعث می‌شود، درد مصیبت را کمتر احساس کند و هم اینکه بین آن‌ها مهربانی و محبّت بیشتر می‌گردد.

الگوی نمونهٔ همسایه‌داری

شب جمعه بود یک بانوی مکرّمه‌ای که نام او فاطمه زهرا علیها السلام است، پدرش محمد صلی الله علیه و آله و سلم بن عبدالله پیامبر خدا، شوهرش الگوی موحّدان امیر مؤمنان علی بن ابیطالب است، مشغول رازو نیاز با خدا جل جلاله بود فرزند دلبندش که حسن علیه السلام نام دارد تماشا می‌کرد مادرش چگونه با خدای خود راز و نیاز می‌کند، چیزی که خیلی توجه امام حسن علیه السلام را به خود جلب کرد این بود که دید مادرش در هنگام دعا به درگاه الهی خیر همسایه‌ها را می‌خواهد برای شفای بیماران همسایه اشک می‌ریزد. برای بر طرف شدن گرفتاری آن‌ها از درگاه الهی دعا می‌کند حضرت زهراء علیها السلام تا صبح دعا می‌کند امام حسن علیه السلام منتظر است که مادر کی در حقّ آن‌ها دعا می‌کند ولی نشنید که مادر یک کلمه در حقّ خودشان دعا کرده باشد صبح نزد مادر آمد

عرض کرد مادرجان من از اول شب تا صبح بیدار ماندم شما هر چه دعا کردید در حق همسایه‌ها بود چرا در حق خودت دعا نکردی؟ فرمود فرزندم اول همسایه بعد خانه.[1]



فعالیت

شاگردان درباره سئوالات ذیل دو نفری بحث و گفتگو نمایند.

۱. انتخاب همسایه از چه جهت اهمّیت دارد؟

۲. چرا حضرت علی علیه‌السلام همسفر و همسایه را در کنار هم مورد تأکید قرارداده؟

۳. معنای حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که فرمود اول همسایه بعد خانه چیست؟



ارزش‌یابی

در جملات ذیل جاهای خالی را با استفاده از حدیث تکمیل کنید.

الف- ....به او رسید شاد باش بگو

ب- اگر نیازمند شد.........

ج- با بوی غذاهای ....

د- اگر قرض خواست ....



کارخانه‌گی

درباره همسایهٔ خوب چهار خط بنویسید.

---

۱ داستان راستان (شهید مطهری)ج۱ ص۸۸

توبه

هدف: شناخت معنا و اهمّیت توبه

پرسش

۱. توبه چیست؟

۲. توبه چه اهمّیتی دارد؟

معنای توبه

توبه در اصل به معنای بازگشت است. چون لفظ توبه در آیات قرآن و احادیث شریف بطور مشترک هم در مورد انسان هم در مورد خداوند‌ﷻ به کار رفته[۱] هر وقت در مورد انسان به کار رفت به معنای بازگشت از گناه است و هر زمان در مورد خداوند‌ﷻ به کار رفت به معنای پذیرش توبه است، به تعبیر دیگر هر توبه انسان بین دو توبه خداوند‌ﷻ قرار دارد به این معنا که هر زمان انسان گناه انجام داد خداوند‌ﷻ از او روی می‌گرداند. هرزمان انسان توبه نمود وبه سوی خدا باز گشت، خدا نیز به سوی او باز می‌گردد به این معنا که توبه او را می‌پذیرد. برای تأثیر توبه در از بین بردن گناهان چشمه‌ای را در نظر بگیرید که از او آب صاف و زلال جاری است انسان هر نوع نجسی و کثافت را می‌تواند با او پاک و تمیز نماید توبه انسان هم با مرتکب شدن گناهانی مانند غیبت، تهمت خوردن مال مردم، رشوه‌خواری و... به کثافت گناه آلوده می‌گردد آب زلالی که می‌تواند انسان را پاک نماید آب توبه است توبه برای شست‌وشوی انسان و پاک نمودن او مانند همان چشمه‌ای صاف و زلال گناه و آثار آن را از بین می‌برد و انسان را از آلودگی گناه پاک می‌سازد حضرت علی‌علیه‌السلام جمله‌ای بسیار زیبایی دارد دربارۀ انسانهای که از گناهان خود توبه می‌کند می‌فرماید (درخت‌های گناهان خود را در برابر دیدگان و دلهای خویش نشانده‌اند و آن‌ها را با آب پشیمانی آبیاری کرده‌اند این درخت‌ها برای آنان بار سلامت داده و

۱ تفسیر نمو نه ج۱ص۱۹۶

خشنودی و کرامت بدنبال آورده)[1]

شرایط توبه

شاید برای ما این سؤال به وجود بیاید که آیا توبه‌ای که این خاصیت را دارد چه شرایطی را دارد؟ این سؤال در روایات به خوبی پاسخ داده شده جابربن‌عبدالله انصاری که یکی از یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود می‌گوید شخصی در مدینه به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد گفت خدایا من از تو طلب آمرزش و توبه می‌کنم حضرت علی علیه السلام هم که در مسجد حضور داشت به آن مرد فرمود توبه تو، توبه حقیقی نیست زیرا توبه فقط طلب بخشش با زبان نیست او سؤال کرد توبه حقیقی چیست حضرت علی علیه السلام فرمود: توبه شش شرط دارد

۱	از گناهانی که در گذشته انجام داده ای پشیمان شوی.	٤	گوشت و پوستی که در راه گناه رویده شده با اطاعت خدا ذوب نمایی.
۲	اعمال واجب مانند نماز، روزه، حج و...که ترک کرده ای ادا کنی.	٥	همان‌گونه که شیرینی گناه را چشیده‌ای رنج وسختی اطاعت را بچشی.
۳	حقوقی را که از مردم ضایع کرده ای به آن‌ها بر گردانی.	٦	در عوض همه خنده‌های که نموده‌ای گریه نمایی.[۷]

اقسام گناه

گناهانی که انسان مرتکب می‌گردد یکسان نیست. توبه از گناهان متفاوت نیز متفاوت است. **قسم اول:** اگر یک کسی گناهانی مانند گوش دادن به موسیقی؛ خوردن شراب؛ نگفتن دروغ و... که حقوق انسانی پایمال نشده فقط حق خدا را نادیده گرفته در این صورت توبه‌اش این است که از آن‌ها اظهار پشیمانی نموده با زبان استغفار نماید.

قسم دوم: حقوق خداوند جل جلاله را زیرپا گذاشته و ترک کرده که ترک آن قضا دارد

۱ بحار الانوار ج۷۸ ص۷۲ حدیث ۳۸

مانند اینکه کسی روزه خود را خورده، نماز نخوانده؛ حج بر او واجب شده ترک کرده در این صورت علاوه بر پشیمانی و توبه تصمیم بگیرد که واجباتی که ترک کرده ادا کند.

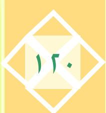
خون کسی را به ناحق ریخته، دروغی گفته که باعث تلف شدن مال کسی گردیده در این صورت اول باید از گناهی که انجام داده طلب بخشش نماید مال کسی را که خورده به صاحبش برگرداند اگر خون کسی را ریخته دیه او را بدهد از گناهی هم که مرتکب شده توبه نماید.

حکا یت ویژه

شخصی بنام فضیل بن عیاض از دزدان بسیار مشهور دوران خود بود در یکی از شبها از دیوار خانه پیرمردی بالا رفت دید آن پیرمرد مشغول خواندن قرآن است و این آیه را می‌خواند که **(أَلَمْ يأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللهِ)**[1] آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دلهای‌شان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم گردد؟ وقتی فضیل این آیه را شنید با خود گفت ای فضیل چرا وقت آن رسیده است فوراً از دیوار خانه آن پیرمرد پایین آمد رفت اول با آب توبه خود را شست‌وشو داد هر مقدار از اموال مردم را که با دزدی گرفته بود وپیش او موجود بود پس داد (روش فضیل این بود که هر مالی را دزدی می‌کرد نام صاحب او را یاداشت میکرد) و هر مقدار را که خورده بود از صاحبانشان طلب بخشش نمود فقط یک نفر یهودی که فضیل از او مال زیاد هم دزدی کرده بود و خانه او هم در شام بود باقی ماند فضیل او را پیدا کرد از او طلب بخشش کرد او گفت چون من قسم خورده‌ام تا همه اموالم را نپردازی حلال نکنم و توهم که آن را خورده‌ای برای اینکه من قسم خود را نشکسته باشم بیا به خانه من از زیر توشک به همان مقدار

---

۱ سوره حدید /۱۶



پول بده و من تو را حلال می‌کنم و سرانجام آن یهودی هم مسلمان شد.[1]



فعالیت

شاگردان در گروه‌های ٤ نفری درباره سؤالات ذیل بحث و گفتگو نمایند.

١. توبه به چه معنا است؟

٢. توبه خدا به چه معنا است؟

٣. توبه حقیقی چند شرط دارد؟

٤. بر اطفال چه زمانی توبه واجب می‌گردد؟



ارزش‌یابی

الف- توبه دارای چند شرط است؟

ب- کدام گناه است که توبه از او فقط اظهار پشیمانی است؟

ج- ترجمه دقیق آیه ١٦سوره حدید را بنویسید



کارخانه‌گی

ترجمه آیه ٣١سوره نور را بنویسید.

١ کشکول طبسی ص ٣٦،٣٧

